



❁ تقدیر انجمن کلیمیان تهران از نیروی انتظامی

❁ بیمارستان دکتر سپهر مهم است ❁ تشابه زبان عبری و عربی

❁ ارزش تاریخی نان در دین یهود ❁ وضعیت کنیسه‌های شهر یزد

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - آرش آرمین - سیما اخلاقی - شرگان انورزاده - نیوشا پایاب
نسترن جاذب - رحمن دلرحیم - لئا دانیالی - لیورا سعید - المیرا سعید
مردخای امین شموئلیان - فرزاد طوبیان - فرانک عراقی - امید محبتی
مقدم - مهران ملک - الهام مؤدب - امیرفراز نعیموت - مرجان یشایایی
و مژده یمینیان.

ویراستاران: آرش آبائی - فرانک عراقی

صفحه‌آرایی و اجراء: مردخای امین شموئلیان

تایپ: بهاره برخوردار

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

کانال نشریه: @ofiq_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

عکس روی جلد: تقدیر از نیروی انتظامی توسط انجمن کلیمیان تهران
(با تشکر از سایت امرداد)

افق بی‌نا - אָפּק בײַטע - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

سخن سردبیر: بوی خوش بهار / فرانک عراقی / ۲

سرمقاله: سالی پر از فعالیت / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

*گزارش و مصاحبه

گزارشی از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان / الهام مؤدب / ۴

دیدگاه‌های محیط زیستی موسی ابن میمون / دکتر وحید محمودی / ۶

گزارشی از مباحث یهودیت در دوره جریان شناسی ادیان ابراهیمی / مهندس آرش آبائی / ۸

گزارشی مختصر از وضعیت کنیسه‌های شهر یزد / الناز حق شناس / ۱۰

*فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی

گوشی به چه قیمت؟! / لیورا سعید / ۱۴

یهودیان نیوزیلند / سیما اخلاقی (رفوا) / ۱۷

تشابه زبان‌های عبری و عربی / استاد رحمن دلرحیم / ۲۲

مدرسه ی آلیانس کرمانشاه / نسترن جاذب / ۲۲

تاریخچه گذرگاه ادیان توحیدی و ارتباط آن با کنیسه‌ی حییم / مهندس مهران ملک / ۲۶

گوشی کلیمیان و لئای عاوون کار / لئا دانیالی / ۳۱

آشنایی با مشاهیر یهودی جهان «پل نیومن» / نیوشا پایاب / ۳۴

دو یهودی در میان برندگان جوایز نوبل سال ۲۰۲۱ / مهندس آرش آبائی / ۳۶

بیمارستان دکتر سپیر مهم است چون تخت جمشید مهم است / مرجان یشایایی / ۳۷

چگونه دیابت بگیریم به زبان ساده / دکتر آرش آرمین / ۳۹

*ادب و هنر

این روزها / شرگان انورزاده / ۴۰

دل تنها / المیرا سعید / ۴۰

اینو میگن عذاب وجدان / استاد رحمن دلرحیم / ۴۱

میم مثل مادر / سحر بروخیم / ۴۲

معرفی کتاب / ۴۳

*طنز

احمد آقا و مضرات سکسکه / استاد رحمن دلرحیم / ۴۵

شعر / استاد رحمن دلرحیم / ۴۷

دنده عقب / شیپورچی / ۴۸

*تغذیه

ارزش تاریخی نان در دین یهود / مژده یمینیان / ۴۹

*حقوقی

شمشیر تیز خود درمانی! / امیرفراز نعیموت / ۵۴

*اخبار و گزارشات

اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۵۶

موزه گردی در چهارراه ادیان / ۶۴



بوی خوش بهار

فرانک عراقی

کاشت‌شناس ارشد (روزنامه نگاری)

روزهای پایان سال شور و حال عجیبی دارد. انگار لحظات، خودشان هم عجله دارند... کوچه‌ها و خیابان‌ها هم حال و هوای دیگری دارند. سبزه‌ها و درختان تازه جوانه زده رنگ و بوی دیگری به شهر داده‌اند... عابران را که نگاه می‌کنی انگار همه عجله دارند... تندتر راه می‌روند و انگار همه به نوعی دلواپس زمان هستند که کم بیاورند.

حال و هوای مجله هم وقتی به آخر سال می‌خورد جور دیگری می‌شود... دور تند هم که کار کنی باز هم نگرانی که نکند بعد از این همه مدت نشریه به موقع به چاپ نرسد... اما در تمامی این سال‌ها به لطف دوستان همراه، بالاخره کار به نتیجه رسیده و همیشه در یکی از موعدهای مهم، نشریه به دست همکیشان رسیده... خودشان هم می‌دانند و وقتی من را می‌بینند سراغ بینا را می‌گیرند: انشالله برای موعدهای چاپ همیشه دیگه؟

من هم با لبخند تایید می‌کنم. خوشحالم که بینا آنقدر در جامعه جا افتاده که سراغش را می‌گیرند و بابت هر مطلبش نظر می‌دهند. خوشبختانه دوستان و خوانندگان غیر همکیش و حتی خارج نشینان هم نسبت به نشریه ابراز لطف می‌کنند و پیام‌هایی که از طریق فضای مجازی به دستمان می‌رسد ما را به کارمان دلگرم‌تر می‌کند.

در این دوران همه‌گیری کرونا متأسفانه نتوانستیم جلسه‌ای برای هیئت تحریریه برگزار کنیم، اما با استفاده از فضای مجازی توانستیم از اندیشه‌های یکدیگر استفاده کنیم و کار را پیش ببریم.

دو سال سخت را با وجود این بیماری همه‌گیر از سر گذرانیم، بدون دیدار همدیگر و یا گاهی با رعایت فاصله و ماسک، کوتاه و گذرا... اما خوشبختانه سختی‌ها هم دوران زوالی دارند.

با فرارسیدن سال جدید خورشیدی که موعدهای پشیم را نیز در پی خود دارد، امیدوار هستیم که روزهای خوب عاری از بیماری در راه باشد و بتوانیم دوباره زندگی عادی را از سر بگیریم.

برایتان سالی خوش، همراه با آرامش و آسایش آرزو داریم. ■



سالی پر از فعالیت

دکتر همایون سامه‌یغ

رئیس انجمن کلمیایان تهران

ضمن عرض تبریک به مناسبت حلول سال نو شمسی و موعد پسخ، امید است سال پیش رو، سال عاری از مشکلات و مملو از شادی، سلامتی و برکت باشد. لازم می‌دانم که به صورت خلاصه گوشه‌ای از عملکرد انجمن کلمیایان تهران را برای جامعه پرافتخار کلمی بیان کنم.

پس از فروکش کردن پیک دلتا در همه‌گیری کرونا، با توجه به مشکلاتی که در آموزش مجازی وجود دارد، اصرار انجمن کلمیایان تهران بر بازگشایی مجدد مدارس و آموزش مستقیم دبیر و دانش آموز بود. با توجه به بعضی از مخالفت‌ها در نهایت این بازگشایی انجام شد. در مورد مهدهای کودک نیز همین عمل انجام گرفت، چرا که تعطیلی طولانی مدت این مراکز باعث مشکلات بیشتری می‌شد که به صلاح جامعه نبود.

از دیگر عملکردهای مهم انجمن، امضای قرارداد مشارکت ملک موسوم به ایرمیا بود که پس از بیش از یک سال پیگیری نهایتاً این قرارداد امضا شد و در آخر بعد از ۳ سال انجمن کلمیایان تهران صاحب ۱۳ دستگاه آپارتمان و حدود ۸۰ متر واحد تجاری در خیابان توانیر خواهد شد که اجاره بهای این واحدها می‌تواند کمک شایانی برای امور فرهنگی مدارس و دیگر مجموعه‌های انجمن کلمیایان باشد.

افزایش تجهیزات سایت مصاپزی جهت افزایش کیفیت و رعایت کامل کثروت از دیگر اقدامات انجام شده بود به طوری که در آخرین بازدید همه اعضای محترم بت دین از این سایت، کوچکترین اشکالی در آن مشاهده نشد. سعی در تعدیل قیمت گوشت نیز از دیگر فعالیت‌های کمیته کثروت این انجمن است.

همکاری و پیگیری مشکلات تعطیلی بیمارستان دکتر سپهر نیز یکی از دغدغه‌های اعضای هیئت مدیره انجمن بود. متأسفانه تعدادی از طلبکاران این بیمارستان با اخذ حکم قضایی مبادرت به توقیف و مزایده اموال بیمارستان نمودند که با مساعدت انجمن کلمیایان و مذاکره با یک خیر محترم و همچنین تصمیم انجمن کلمیایان تهران در بازپرداخت این وجه که حدود یک میلیارد تومان بود، این مبلغ به حساب انجمن کلمیایان تهران واریز شد و این انجمن همین وجه را به حساب دادگاه واریز نمود و در نهایت اموال بیمارستان دکتر سپهر آزاد گردید.

امید است تا زمان انتشار این متن، خبرهای خوبی را در مورد این بیمارستان به عنوان عیدی دریافت کرده باشید. سفرهای انجام شده در سال اخیر به شهرهای مختلف از جمله همدان، اصفهان، کاشان، شیراز، خوانسار، گلپایگان، رشت و بابل از جمله فعالیت‌های انجام شده این انجمن بوده که همگی این سفرها در جهت حمایت از اموال جامعه ایرانیان کلمی، مسائل ملکی یا مشکلات جامعه انجام شده است. به طور کلی می‌توان گفت در سال ۱۴۰۰ در حالی که کشور تحت تاثیر ویروس کرونا به صورت نیمه تعطیل بود، انجمن به صورت فعال و قابل قبولی به خدمت رسانی همکیشان مشغول بوده است.

در پایان برای همه‌ی هم‌وطنان و همکیشان عزیز سالی پر بار و سرشار از موفقیت و آرامش آرزو می‌کنم. ■

سرمایه فرهنگی جامعه کلیمیان

گزارشی از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان

الهام مودب

مترجم زبان انگلیسی

باد پاییزی می وزد و شدت میگیرد. برگها، با آخرین بوسه وداع، درختان را به امید رویش دوباره، ترک و خیایان را سنگفرش میکنند. به سوی کتابخانه انجمن کلیمیان میروم. کتابخانه ای که شاید با بهار پر بار خود فاصله گرفته است. در سال ۱۳۷۲ در زمان هارون یشایایی، مدیریت وقت انجمن، کتابخانه افتتاح شد. طی سالیان طولانی چندین کتابدار به ارائه خدمت پرداختند تا حال حاضر که افسانه دانیالی این سمت را برعهده دارد. یکی از کارهای با ارزش در سالهای ابتدایی تاسیس کتابخانه، اهدای لوح تقدیر و قدردانی از اهل فرهنگ یهودی در تالار مجبان بود:

شعرا: مرحوم عبدالله طالع همدانی، ابراهیم سعیدیان و مژده روفه

نویسندگان: یوسف ستاره شناس، شیرین دخت دقیقیان

مترجمان: دکتر منوچهر صیونیت، دکتر پرویز مودب، مژده صیونیت و الهام مودب

تهیه کننده تقویم: دکتر سلیمان کهن صدق

مرجان یشایایی، حمید اقبالی و نسرين دياني (امين فرد) از سال ۷۶ تا ۸۴ از گردانندگان (هیئت امنای) کتابخانه بودند.

پس از آن حمید اقبالی تا امروز این مسئولیت را برعهده دارد.



تعداد کتابها: حدود ۱۸۰۰۰ جلد

کتابهایی که بیشتر مورد توجه اعضای کتابخانه

میباشد تقریباً بر اساس اولویت به شرح زیر است:

(۱) رمان ایرانی از جمله کتابهای نویسندگان:

نسرين قدیری، فریده رهنما، شهره وکیلی، مریم

ریاحی، منیر مهریزی مقدم، حسن کریم پور، مرتضی

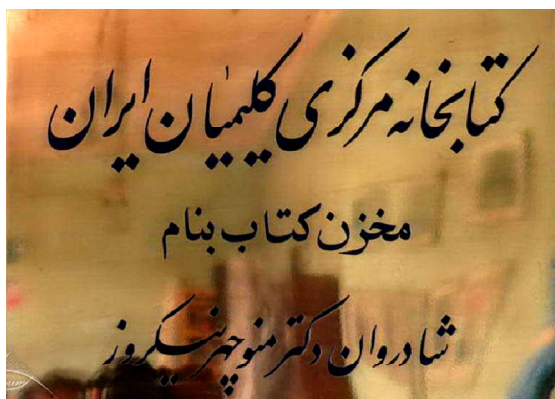
مودیبور، گلی ترقی، سیمین شیردل و رویا سیناپور

رمانهای خارجی: ماری هیگینز، کلارک، نیکولاس

اسپارکس، خالد حسینی، فدریک فورسایت و جوی

فیلدینگ، جان شیفته، ژان کریستف، سه تفنگدار، داستان

جاوید، درد سیاوش، دل کوه، کلیدر، بر باد رفته و دزیره





اکثراً دانشجویهای رشته ادیان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری پس از دریافت معرفینامه از وزارت ارشاد و انجمن مراجعه میکنند.

برنامه‌هایی جنبی کتابخانه در سال‌های قبل :
دعوت از مترجمان، نویسندگان و بازیگران که برخی از مدعوین عبارتند از:

مهدی قرچه داغی مترجم کتاب‌های روانشناسی، شیوا کاویانی مترجم کتاب آیین قبلا (عرفان یهود)، اسدالله امرایی، مژده دقیقی، فریبا ارجمند مترجم "رمان خانواده موسکات" نوشته آیزاک باشویس سینگر. نسرین قدیری، هوشنگ مرادی کرمانی، پری زنگنه، جعفر شهری و رضا کیانیان، هارون یشایایی و دکتر سیامک مره صدق. فعالیت‌های جنبی کتابخانه:

از سال ۸۵ تا ۹۶ ثبت نام دانش‌آموزان ممتاز در کتابخانه برای اهدای جوایز از سوی خانه جوانان انجام میشد.

اهدای کتاب:

با تشکر از همه‌ی اهداکنندگان، به تعداد محدودی از آنها اشاره میشود:

هارون یشایایی، نسرین امین فرد، آرش آبائی، دکتر سیامک مره صدق، ژان پایاب و ...

همچنین وزارت ارشاد حدود ۵۰۰ کتاب و کاظم موسوی بجنوردی کتابهای دایره المعارف بزرگ اسلامی را به کتابخانه اهدا کردند.

در پایان از مسئولان محترم کتابخانه که این اطلاعات را در اختیار گذاشتند ممنونم. ■

رمانهای تاریخی: افسانه قاجار، شاهزاده خانم محکوم، سینه‌هه، از صید ماهی تا پادشاهی، ده مرد رشید، کنیز ملکه مصر و خداوند الموت
ناشرهم برای اعضا مهم است. رمان نشر شادان، علی و ققنوس مورد توجه است.
۲) کتابهای طب سنتی

۳) روانشناسی: چهار اثر از اسکاول شین، ترجمه گیتی خوشدل، وضعیت آخر از توماس ای هریس، نیم کیلو باش و خودت باش، کتابهای کاترین پاندر، باربارا دی آنجلیس و فروید. کتابهای نسل نو اندیش و رشد هم طرفدار دارد.

۴) کتابهای فراروانشناسی از جمله خواب و رویا، طالع بینی، تناسخ، دنیای ستارگان و هاله نورانی که بیشتر مورد توجه جوانان است.

۵) کتابهای شعر فروغ فرخزاد و سهراب سپهری (معمولاً چند روز قبل از شب یلدا افراد زیادی دنبال کتاب حافظ هستند)
بازدیدهای مدارس از کتابخانه:

قبل از کرونا و بسته شدن شدن مهد کودک یلدا ۲، هر سال کودکانی از مهدکودک یلدا ۱ و ۲ از کتابخانه بازدید میکردند. به کودکان کوچکتر اسباب بازی و به کودکان پیش دبستانی لوازم تحریر اهدا میشد. همین بازدیدها موجب شد تعدادی از والدین بچه‌ها که به گفته خودشان هیچ علاقه‌ای به خواندن کتاب نداشتند عضو فعال کتابخانه شدند.

از دبستان و راهنمایی و دبیرستان نیز هر سال دانش‌آموزان مراجعه میکردند. به کودکان دبستانی که کتاب خلاصه می‌کردند جایزه اهدا میشد.

کتاب‌های بخش مذهبی : این بخش به نام گنجینه ادیان است و شامل کتابهای زیر است:

شولحان عاروخ، گمارا، زوهر، شریعات دین یهود، تورات مقدس، دایره المعارف یهود، قوانین هالاخا، تورات ترجمه فارسی، نردبانی به آسمان، انطباق لحظه‌ها، وظایف قلبها، تورات به زبان فارسی و عبری و عهد عتیق به زبان عبری و عربی.

محققانی که به کتابخانه مراجعه میکنند:

دیدگاه‌های محیط زیستی موسی ابن میمون

دکتر ومید ممدودی

تنظیم: مهندس آرش آبائی



برابری کاملی وجود دارد و معتقد بود که آفرینش به عنوان یک کل واحد، تنها بُعدی از وجود است که دارای ارزش ذاتی است.

ابن میمون در کتاب دلالت الحائرين - که اندیشه‌ی به کمال رسیده‌ی او را بیان می‌کند - از الگویی کیهانی مشابه نظریه‌ی گایا حمایت می‌کند { فرضیه گایا Gaia یا «مادر زمین» ادعا می‌کند که سیاره زمین مانند یک درخت، دارای حیات است. این فرضیه در سال ۱۹۶۵ توسط جیمز لاولاک دانشمند انگلیسی مطرح شد}. طبق الگوی گایا، زمین موجودی زنده و خود-تنظیم است. ابن میمون می‌گوید: بدان که کل آفرینش همانند یک شخص، برخوردار از قلب و روح است. جهان یک کل جاندار است زیرا «واحد، موجود واحدی را آفریده است». مفاهیم اخلاقی حاصل از این الگو، شگرف است. ابن میمون این عقیده را که نوع بشر هدف نهایی آفرینش بوده و این‌که وجود سایر موجودات در خدمت تأمین لذت

به همت گروه فلسفه و انجمن علمی دانشجویی فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه الزهراء سخنرانی با عنوان «دیدگاه‌های محیط زیستی موسی ابن میمون» توسط دکتر وحید ممدودی روز ۲۴ آذر ۱۴۰۰ برگزار شد. دکتر ممدودی که دانش‌آموخته‌ی ادیان و عرفان بوده و دکتری تصوف و عرفان اسلامی را اخذ نموده است، در هیئت علمی پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) عضویت دارد.

وی در سخنانش ابتدا به دیدگاه‌های محیط زیستی یهود به‌طور کلی اشاره کرد که در پایان فصل اول از سفر پیدایش به این نکته اشاره می‌شود که خداوند فرمود کل آفرینش «بسیار خوب» است و این نشانه‌ی ارزشمندی کل جهان و محیط زیست آن به‌طور برابر در نظر تورات است.

ممدودی سپس به معرفی موسی ابن میمون (خاخام مُشه بن مایمون، ۱۱۳۵-۱۲۰۴م.) به عنوان بزرگترین فقیه یهودی و بررسی آثارش با تأکید بر کتاب دلالت الحائرين (مُوره نیووخیم) پرداخت.

در بررسی اندیشه‌های ابن میمون، دکتر ممدودی اظهار داشت که کل‌گرایی خداپاور، ممکن است ریشه در مفاهیمی از آرای ابن میمون و قبالا (عرفان یهودی) داشته باشد. عمق بوم‌شناسانه و دیدگاه‌های (مبنایی) زیست محیطی ابن میمون به تازگی در حال کشف شدن است.

جوامع یهودی و دیگر جوامع خداپاور، اغلب خلقت را نه به عنوان امری «فی نفسه خیر»، بلکه فقط به مثابه «کار دستی خالق» که نشانگر حکمت خداوند است، ارج می‌نهند. اما ابن میمون تقدم انسانیت را در چارچوب نظم آفرینش مخصوصاً در تمام اندیشه‌های یهود به چالش کشید. او ادعا کرد که بین احساسات انسانی و حیوانی

«اگر آشیانه‌ی پرنده‌ای را روی زمین افتاده ببینید و یا آشیانه‌ای را روی درختی ببینید که پرنده با جوجه‌ها یا تخم‌هایش در داخل آن نشسته است، مادر و جوجه‌هایش را با هم برنارید؛ مادر را رها کنید برود و فقط جوجه‌هایش را بردارید.» (تثنیه، فصل ۲۲ آیات ۶ و ۷)

و بنابر این آیات، توجه به حقوق حیوانات و احساسات آنها یک الزام اخلاقی و دینی است. برابر دانستن انسان و سایر موجودات طبیعت در نظر این دانشمند یهودی، مبنایی برای احترام به محیط زیست و رعایت حقوق سایر اجزای جهان آفرینش است.

به‌طور خلاصه و در جمع بندی نهایی می‌توان گفت که عدم پذیرش انسان‌گرایی از جانب ابن میمون و دفاع او از یک کیهان‌شناسی کل‌نگر، نقطه آغازی برای هر الهیات بوم‌شناسانه‌ای است که ریشه در سنت‌های کتاب مقدس دارد. ■

منبع:

<https://meeting.alzahra.ac.ir/lt۳۳tzk۶۸vxt>

انجمن بانوان کلیمی، سال نو شمسی
۱۴۰۱ و بهار طبیعت را خدمت تمامی
همکیشان عزیز تبریک عرض نموده و موعد
پسح خوبی برای همگان آرزومند است.

انسان است، رد کرد.
«و خداوند آن‌چه را ساخته بود دید و همانا بسیار نیک بود» (پیدایش، فصل ۱ آیه ۳۱)

واژه‌ی «نیک» در باب اول پیدایش و در پایان فرآیند خلقت، به این معنی است که هر مخلوقی واجد آن چیزی است که فیلسوفان مدرن آن را ارزش ذاتی می‌نامند.

افراد نوع انسانی، و حتی فراتر از آن، سایر انواع در مقایسه با کل [آفرینش] که موجود و دائم است، هیچ ارزشی والاتری ندارند زیرا استفاده کتاب مقدس از عبارت «بسیار خوب» برای توصیف کل خلقت، نشان دهنده این ارزش والای «کل» است که بر همه افراد و انواع برتری دارد. هدف آفرینش (در نظر این فیلسوف یهودی) این بود که هر آن‌چه که وجودش ممکن است، وجود یابد.

ابن میمون معتقد بود که بالاترین مکاشفه خداوند، حاصل درک تنوع خود آفرینش، یعنی تمام مخلوقات آن و تمام مناسبت‌های مشترک آنهاست. وی همچنین معتقد بود با بررسی جهان فراتر از انسان در یکپارچی‌اش، به لحاظ عقلی می‌توان درکی از حقیقت به دست آورد. او تمایزات بین انسان و سایر حیوانات را به حداقل رساند. با توجه به این آیه‌ی تورات (پیدایش فصل ۱ آیه ۲۸) «و (خداوند) ایشان را برکت داده، فرمود: بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه‌ی حیوانات فرمانروایی کنید»، او می‌آموزد که توصیه به «تسلط داشتن» در باب اول سفر پیدایش نه یک دستور و نه یک الزام، بلکه صرفاً توصیف سرشت انسان است، که عقل ابزاری او، موجب سلطه‌طلبی و تسلطش بر سایر موجودات خواهد شد. تنها تمایز انسان نسبت به سایر موجودات و منحصر به فرد بودن سرشت انسانی، در توانایی او برای ادراک امر الهی آشکار می‌شود و این کمال انسانیت است.

علاوه بر این ابن میمون معتقد بود که شاید حیوانات و انسان‌ها در احساس و تصور از توانایی برابر برخوردار باشند. استدلال او این آیات از تورات هستند:

«گاو یا گوسفند را با نوزادش در یک روز ذبح نکنید» (لاویان، فصل ۲۲ آیه ۲۹)

گزارشی از مباحث یهودیت در دوره ی جریان شناسی ادیان ابراهیمی



مهندس آرش آبائی

مدرس و محقق در حوزه ی یهودیت



یهودی اگر بخواهد شریعت یهود را کامل انجام دهد باید به بخش قلبی نیز توجه کند.

در سومین نشست دوره پیشرفته جریان شناسی ادیان ابراهیمی با موضوع «درآمدی بر فلسفه یهود و نگاهی به کتاب دلالت الحائرين»، آرش آبائی با اشاره به فیلون اسکندرانی، عنوان کرد: او در قرن اول میلادی نخستین فیلسوف دینی در حوزه یهود بوده و بعد از او صدای فلسفه در یهود تقریباً خاموش می شود تا شروع قرون وسطا؛ یعنی بعد از ظهور اسلام و مسیحیت در سال نهم میلادی فلسفه ورزی و فیلسوفان یهودی آشکار می شوند و تا پایان قرن ۱۵ حدود ۵۲ فیلسوف صاحب اثر یهودی ظهور می کنند.

آبائی پس از مرور شخصیت های فلسفی و آثار ایشان، با اشاره به کتاب دلالت الحائرين (موره نووخیم) نوشته ی موسی ابن میمون گفت: تلاش این فقیه و فیلسوف یهودی این است که شریعت و عقلانیت را با هم وفق دهد و او معتقد است که از طریق عقل می توان به کل شریعت یهود و آنچه تورات ذکر می کند دست یافت، اما این راهی طولانی بوده و وحی و ایمان راه کوتاهتر و

در پنج نشست دوره ی پیشرفته جریان شناسی ادیان ابراهیمی از سری نشست های «کلمه سواء» که از سوی هیئت اندیشه ورز اسلام، ادیان و ارتباطات میان فرهنگی معاونت پژوهش حوزه علمیه خراسان در پاییز ۱۴۰۰ برگزار شد، موضوع های زبان های یهودی، فلسفه ی یهودی، اخلاق یهودی با محوریت کتاب وظایف قلبها، اصول فقهی استخراج احکام و سطوح تفسیر تورات توسط آرش آبائی مورد بررسی قرار گرفت. این جلسات، با ارائه مباحث تکمیلی و تخصصی توسط حجت الاسلام دکتر مهربان صادق نیا همراه بود.

در نشست نخست، آرش آبائی به تشریح زبان های یهودی شامل عبری، آرامی، ییدیش و فارسی یهود پرداخت. وی در نشست دوم به بیان ۱۰ باب از کتاب وظایف قلبها نوشته ی فیلسوف یهودی به نام «بحیا ابن یوسف ابن یاقودا» پرداخت. این کتاب یکی از مهم ترین کتب در ادبیات یهودی قرون وسطا بوده و تأثیر عمیقی بر ادبیات زاهدانه و اخلاقی گذاشته است. متن عربی این کتاب با کلمات و آیات عبری در سال ۱۳۹۸ توسط آرش آبائی و دکتر حسین علی جعفری (نشر حکمت و عرفان) ترجمه و منتشر شد.

آبائی در این نشست خاطر نشان کرد: این کتاب در ۱۰ باب توحید، عبرت گرفتن از خلائق، التزام به اطاعت خدا، توکل بر خدا، اخلاص عمل، تواضع، توبه، محاسبه نفس، زهد و محبت خداوند تنظیم شده است.

وی با اشاره به این که این کتاب «در دین وظایف به دو بخش علم ظاهر و فرایض قلبی یا علم باطن تقسیم شده است»، عنوان کرد: تأکید او بر این است که فرایض عملی دین را هرچقدر دقیق انجام دهیم اگر داخل آنها معنایی نباشد یا همراه با وظایف قلبی انجام نشود، ارزش نداشته و بی معنا خواهد بود، پس یک فرد

سریع‌تری است.

پژوهشگر یهودی بیان کرد: موسی ابن میمون در مورد اراده‌ی انسان می‌گوید انسان آزاد است اما اراده‌ی سرمدی خداوند این است که آدمی بر اساس اراده‌ی خودش «در محدوده‌ی قدرت الهی» عمل کند.

آبائی بیان کرد: موسی ابن میمون در کتب خود درباره‌ی معجزات انبیاء سعی می‌کند عناصر اعجاز آمیز در کتاب مقدس را با فرآیندهای طبیعی نشان دهد و بگوید این معجزات یک سری وقایع نادر اما طبیعی بودند. او می‌گوید حقانیت دین به آن معجزات نیست و ایمان باید بر حقانیت ذاتی دین استوار باشد و بدین ترتیب بسیار عقل‌گرا بود.

وی ادامه داد: ابن میمون شیاطین را انکار می‌کند و می‌گوید اینها تعابیر مجازی از آفت‌ها و بلاهای طبیعی هستند و سعی دارد جهان را جهانی عقلانی نشان دهد.

پژوهشگر یهودی خاطر نشان کرد: ابن فیلسوف در مورد مسیحیت و اسلام می‌گوید این دو دین که بعد از یهود آمدند همه در راستای رسالت یهودیت هستند که راه انسان را هموار کنند تا ایمان بیاورد و به حقیقت معرفت الهی دست یابد و فرا رسیدن دوران مسیحایی را نزدیک کنند. ابن میمون دوری و نزدیکی با خداوند را مصداق بهشت و دوزخ می‌داند. در مورد توصیفات که در تلمود و تفاسیر یهودی در مورد بهشت و دوزخ آمده ابن میمون می‌گوید با این تعابیر سعی شده انسان هدایت شده و موجب پرهیز انسان از گناه بشود. او می‌گوید لذت واقعی بهشت، پیوند و ارتباط معنوی با خداوند است، وی هیچ امر مادی و صوری را در بهشت نمی‌پذیرد و می‌گوید رنج واقعی در دوزخ بیگانگی با اوست؛ و در واقع دوری و نزدیکی با خداوند را نشانه بهشت و دوزخ می‌داند.

آرش آبائی، در هفته چهارم دوره پیشرفته جریان شناسی ادیان ابراهیمی، در وینار مباحث یهودیت، به انواع تفاسیر توراتی و تلمودی اشاره کرد و گفت: در این جلسه کلیات اصول استخراج حکم شرعی و بخش منابع حقوق (فقه) یهودی بیان می‌شود. این مبحث حاصل درسگفتاری از حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار است که به شکل آموزشی برای این جلسه ویرایش شده است.

پژوهشگر یهودی قبل از بیان سیزده اصول داراش

(روش های استخراج حکم شرعی از تورات) اظهار داشت: منابع قانونی حقوق یهودی (تفسیر فقه یهود) عبارتند از: تَنخ (مجموعه تورات و سایر کتب انبیاء یهود، عهد عتیق)، قَبالا (سنت از زمان موسی) یا تلمود (مشهور به تورات شفاهی)، میدراش (تفسیر متن مقدس)، تَقانا (قانونگذاری ایجابی، اصلاحیه) و گِزرا (حکم محدود کننده، دستور سلبی)، مینه‌هاگ (عرف)، مَعْسِه (عمل، رویه، رفتار علما)، سوورا (نتیجه منطقی، عقل). وی عنوان کرد: داراش یا دراش سطح سوم تفسیر متن است که به عنوان میدراش نیز عنوان می‌شود، میدراش هم به تفسیر روایات و هم به تفسیر احکام (هالاخا) از متن تورات می‌پردازد. فرض میدراش‌های هالاخایی این است که هر حکم یا عملی که در تورات آمده به طور صحیح و دقیق تفسیر یافته است و این فرض هر امری را هرچند جزئی مهم می‌سازد. آبائی ادامه داد: اصول مورد استفاده برای داراش شیوه‌های گوناگونی دارند، ولی در این میان ۱۳ اصول بیان شده توسط ربی بیشماعئل روش های بنیادین را پوشش داده و به عنوان اصول پذیرفته شده تفسیر تورات بیشتر به کار می‌رود.

وی با تشریح مهم‌ترین این اصول تفسیری، خاطر نشان کرد: این موارد لزوماً تمام اصول ممکن برای تفسیر فقهی نیست و علمای تلمودی از روش‌های دیگری نیز در این زمینه استفاده کرده‌اند. ضمن اینکه این اصول در کنار مرتبط بودن با هم، صرفاً در قالب باور به متن تورات و در راستای سنت‌های یهود کاربرد دارند و نمی‌توان با استفاده از آن، مطالبی خلاف متن تورات یا اعتقادات یهود را استنتاج نمود.

آبائی در نشست پنجم، به شرح چهار سطح تفسیر تورات پرداخت و اظهار داشت: این چهار سطح شامل پردس (به معنای پردیس یا فردوس، مخفف حروف اول چهار کلمه‌ی: *پِشاط*: معنای آشکار - معنی لغوی، *رمیز*: کنایی یا تمثیلی - معنی مخفی، *دِرائش*: وعظی و یا فقهی - تفسیر ربانی مربوط به تلمود که معمولاً با مقایسه با آیات دیگر و لغات مشابه است، و *سُود*: عرفانی یا باطنی هستند. او در پایان، این سطوح تفسیری را درباره‌ی دو آیه از تورات تشریح نمود. ■

گزارشی مختصر از وضعیت کنیساهای شهر یزد

بخش اول: کنیساهای حاخام و کمال

الناز مق شناس

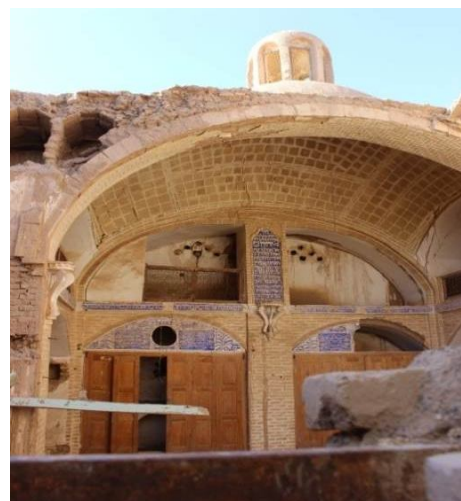
کارشناس ارشد مطالعات معماری

این متن صرفاً برای اطلاع از وضعیت موجود کنیساهای یزد و شناخت جزئی از آسیب‌های وارده به کنیساهای، به جهت اندیشیدن تمهیداتی برای مرمت آن‌ها تهیه شده و سعی شده است از بیان جزئیات و تحلیل معماری کنیساهای یزد در این مبحث صرف نظر شود. با سپاس از راهنمایی‌های هاراو یهودا گرامی و دکتر همایون سامه‌یح و سپاس از همراهی و مهمان‌نوازی کلیمیان محترم یزد به خصوص خانواده گوه‌ریان.

یزد تا دوره پهلوی دارای ۱۲ کنیسا^۱ با نام‌های ملا آقا بابا (ملا صیدر)، یوخید، حاخام (موشه توکل)، حاداش، الی، الیاهو، کمال، ملا شموئل، الیاهو هناوی، ملا اسحق (ملا ایسحاق)، ملا یوسف و نظام (میزان) بوده است که در این میان امروزه تنها کنیسای ملا یوسف به طور کامل تخریب شده، اما آثار سایر کنیساهای یزد همچنان پابرجاست. از میان ۱۱ کنیسای باقی‌مانده در حال حاضر، فقط کنیساهای ملا آقا بابا و یوخید مورد استفاده کلیمیان است. با وجود آن‌که جمعیت کم کلیمیان در یزد، عاملی مهم در دایر نبودن کنیساهای دیگر یزد است، اما جمعیت کم تنها دلیل دایر نبودن سایر کنیساهای نیست و عواملی مانند وضعیت نابسامان و رو به تخریب آن‌ها، در بسته بودن این کنیساهای دخیل است. متأسفانه عدم رسیدگی به وضعیت کنیساهای نیمه مخروبه یزد، باعث تسریع در روند تخریب این کنیساهای ارزشمند و تاریخی شده است. از جهت دیگر باید در نظر داشت بازسازی و مرمت کنیساهای نیازمند بودجه‌های نسبتاً هنگفتی است که به دلیل جمعیت محدود کلیمیان ساکن در یزد، حمایت‌های مالی سایر افراد و نهادهای کلیمی در شهرهای دیگر ایران و حمایت‌هایی از جانب نهادهایی مانند میراث فرهنگی را نیز می‌طلبد.

کنیسای حاخام؛ (نام دیگر کنیسا: موشه توکل): کنیسایی با قدمت قاجاری یا قدیمی‌تر...

کنیسایی زیبا که تصویرش خود گویای وضعیت آن است. در یک نگاه می‌توان دریافت بخشی از کتیبه‌های عبری در اطراف دیوار و در بالای درب جایگاه هخال آسیب دیده و همچنین بخش زیادی از سقف فضای داخلی آن تخریب شده است. در صورت انجام مرمت اصولی سقف کنیسا، علاوه بر جلوگیری از روند تخریب کامل سقف، کتیبه‌های کنیسا نیز مصون خواهند ماند.



کنیسای حاخام
(آبان ماه ۱۳۹۷)

^۱ کتاب گویش کلیمیان یزد تألیف همادخت همایون، چاپ سال ۱۳۸۳، صفحه ۲

بخش‌هایی از کتیبه‌های باقی مانده از این کنیسا که توسط هاراو گرامی ترجمه شد علاوه بر آیاتی از مزامیر داوید، مطالبی دربارهٔ ساخت یا بازسازی و بانی کنیسا نیز دارد. بنا بر متن کتیبه، کسی که برای ساخت یا مرمت این کنیسا تلاش کرده، حاخام داوید بن همروخام آفا یوسف بوده است. وجود واژهٔ "הַמִּישְׁתָּדֵל" (همیشْتَدِل) در کتیبه، به معنای کسی که تلاش کرده، با کمی ابهام روبرو است و به طور دقیق مشخص نیست حاخام داوید برای ساخت این کنیسا تلاش کرده یا



کنیسای حاخام - (مرداد ماه ۱۴۰۰)



جایگاه تورات کنیسای حاخام - (مرداد ماه ۱۴۰۰)

برای بازسازی و مرمت آن. همچنین در کتیبه دربارهٔ نام و تاریخ تکمیل کنیسا نیز چنین بیان شده که کنیسای موشه توکل در روز ۲۲ ماه سیوان سال ۵۶۰۶ عبری کامل شده است. لذا به استناد کتیبه، این کنیسا ۱۷۶ سال قدمت دارد و نام اصلی یا نام دیگر آن نیز موشه توکل بوده است. تنها نکته در آن است که اگر این کنیسا توسط حاخام داوید بازسازی شده باشد، احتمال دارد قدمت آن به قبل از قاجار نیز برسد، ولی اگر حاخام داوید از ابتدا سازندهٔ این کنیسا بوده، قدمت آن متعلق به اواسط دورهٔ قاجار است.



کنیسای حاخام - (آبان ماه ۱۳۹۷)



کنیسای حاخام - (مرداد ماه ۱۴۰۰)

کنیسه‌ی کمال کنیسه‌ی با قدمت صفوی

در گزارش میراث فرهنگی استان یزد در سال ۱۳۸۱، دربارهٔ قدمت کنیسه‌ی کمال و کتیبه‌های موجود در کنیسه این چنین نوشته شده است «سبک معماری این بنا مشابه معماری دورهٔ صفوی است که با ویژگی‌های خاص کنیسهٔ کلیمیان ساخته شده است. دو کتیبهٔ سنگی در ضلع شمالی بخش زمستانخانه این گنبد بر روی دیوار نصب است که به خط عبری نوشته شده است و دوست و همشهری ارجمند آقای یعقوب گوهریان فرزند خداداد گوهریان، رئیس انجمن کلیمیان یزد، اظهار نمودند



خواندن خط عبری کتیبه برایشان میسر نیست و کارشناس خط عبری لازم است تا شاید بتوان از متن کتیبه، تاریخچهٔ دقیق این کتیبه و نام سازندهٔ آن اطلاع حاصل نمود». متأسفانه امروزه دو کتیبهٔ این کنیسه به سرقت رفته و نگارنده به هیچگونه اطلاعات دقیقی از متن کتیبه و ترجمهٔ آن دست نیافت. تنها موضوع آن است که کتیبه‌ها تا سال ۱۳۸۱ که گزارش نوشته شده در دیوار کنیسه وجود داشته است. لذا هر گونه تلاش و پیگیری دربارهٔ پیدا کردن این دو کتیبه به سرقت رفتهٔ کنیسه‌ی کمال، اگر متعلق به دورهٔ صفوی بوده باشند، بسیار حائز اهمیت است.

این کنیسه از لحاظ سازه‌ای همچنان سالم و پابرجا باقی مانده، اما در چند سال اخیر آسیب‌هایی ناشی از عوامل جوی و رطوبت و نهمزدگی، باعث تضعیف بخش‌هایی از دیوارهای کنیسه شده است. همچنین ترک‌های عمیق سازه‌ای در قسمت جایگاه بانوان و پلکان ورودی به این بخش وجود دارد که ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور باعث تخریب این بخش از کنیسه شود. این کنیسه دارای دو جایگاه پیشنماز است؛ طبق معمول یکی از جایگاه‌ها در فضا درونی است اما جایگاه پیشنماز دیگر در فضای بیرونی و حیاط کنیسه واقع شده است. کلیمیان یزد وجود این سبک از ساخت را بر اساس اقلیم یزد قلمداد می‌کنند که بر طبق آن طراحی کنیسه مانند سایر بناهای موجود در معماری سنتی یزد دارای بخش تابستان‌نشین و بخش زمستان‌نشین است. به عبارتی می‌توان چنین گفت که معماری کنیسه‌های یزد تحت تاثیر اقلیم گرم و خشک و برگرفته از الگوهای ساخت بناهایی با الگوی حیاط مرکزی در یزد بوده و در صورت امکان و وجود فضای کافی برای ایجاد الگوی حیاط مرکزی، فضای کنیسه‌ها به دو بخش تابستانه و زمستانه تقسیم شده تا معماری کنیسه با معماری بومی در جهت آسایش اقلیمی تلفیق گردد. ■



کنیسه‌ی کمال - اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



کنیسه‌ی کمال - اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



جایگاه بانوان کنیسیای کمال - اردیبهشت ۱۳۹۸



کنیسیای کمال - اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



مکان فرارگیری کتیبه‌های کنیسیای کمال که در حال حاضر به سرقت رفته است - اردیبهشت ۱۳۹۸



عکس دو کتیبه کنیسیای کمال (قبل از سرقت) در گزارش میراث فرهنگی سال ۱۳۸۱

منابع

- همایون، همدخت. ۱۳۸۳. گویش کلیمیان یزد (یک گویش ایرانی). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گزارش میراث فرهنگی استان یزد در سال ۱۳۸۱ درباره کنیسیای کمال یزد
- مشاهدات میدانی و مصاحبه با کلیمیان یزد



پشت بام کنیسیای کمال - اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

گوشی به چه قیمت؟!



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی



مدتی پیش دختر ۱۶ ساله‌ای به همراه مادر خود به مرکز مشاوره مراجعه کردند؛ دختر که نه، بچه گولی با ناخن‌های رنگی پنج سانتی با موهای هفت رنگ که وسایل چوبی به آنها آویزان بود و به طور کامل از شالش بیرون بود و شلوارکی که بالای ساق هایش بود و به سختی از زیر مانتو خودنمایی می‌کرد.

مادر خواست به تنهایی با من صحبت کند، شاکی از لجبازی‌های دختر و درس نخواندنش و مدام در فکر پر بار کردن پیج اینستاگرام و البته شکمش و خواهش و تمناهای مالی برای اقدامات زیبایی از آرایشگاه گرفته تا جراحی. یکی دو روز اخیر هم خواهان تعویض گوشی‌اش شده، در حالی که این گوشی را سه ماه پیش خریده اما از آن خسته شده و دلش را زده. قیمت گوشی‌اش را از مادر پرسیدم: ۲۲ میلیون تومان. من که از این قیمت تعجب و نگرانی‌ام را به مادر ابراز کردم دلایلی از او شنیدم که به دید خودش منطقی بود؛ این که «دخترم در کودکی، پدرش را از دست داد، من شاغلم و بیشتر روز را خانه نیستم و دخترم تنهاست، خواهر و برادری ندارد، سرگرمی ندارد و به‌خاطر کرونا و نرفتن به مدرسه دوستانش را نمی‌بیند».

مادر درمانده بود: حالا گوشی مدل بالاتر می‌خواهد. من دیگر توان مالی‌اش را ندارم از طرفی حوصله دعوا و قهر و اخم‌هایش را هم ندارم.

پرسیدم: فکر می‌کنید قدرتان شما باشد؟

جواب: اصلا

- به نظرتان دوستان دارد؟

- ایدا

- با خرید این گوشی سه ماه پیش درس خواندنش چطور

است؟

- خوب نیست فقط حاضری می‌زند بعد می‌خوابد.

- با هم گفتگو می‌کنید، قدم می‌زنید یا فیلم می‌بینید؟

- مرا قبول ندارد.

- اگر قبل از این که ۲۲ میلیون را بابت خرید گوشی می‌دادید کمتر از یک صدم آن را هزینه می‌کردید و با یک کارشناس روانشناسی مشورت می‌کردید این کار را نمی‌کردید!

مادر نگاهش را به پایین برد.

هنوز در شگفتی کار این مادر و هفته به هفته مشاوره و دردسرهای مشکلات او و دخترش بودم که مدتی بعد پدر و مادری مستاصل از پسر ۱۳ ساله خود مراجعه کردند که او بدون اجازه والدین ماشین برداشته و با دوستانش بیرون رفته و منجر به کوبیدن ماشین به دیوار شده؛ خشم پدر و مصادره کردن گوشی نوجوان به عنوان تنبیه و پس ندادن گوشی پس از چهار هفته از یک طرف و اعتصاب پسر با غذا نخوردن و از اتاق بیرون نیامدن و سیگار کشیدن و ... از طرف دیگر.

قیمت گوشی: ۵۳ میلیون تومان!

دلایل خرید گوشی با این قیمت: چون تمام دوستانش و

می‌کند. همین هزینه‌های گزافی که برای گوشی فرزند زیر ۱۸ ساله خود می‌دهند، خودش گویای ضعف آنها است و بدتر از این‌ها، مدیریت نکردن استفاده از گوشی و تبلت و اینترنت که کودک یا نوجوان هر طور بخواهد و هر زمان و هر مکان که بخواهد بدون قانون از این وسایل استفاده کند، از فرزند پروری سهل گیرانه‌ی پدر یا مادر سرچشمه می‌گیرد.

در این دوران کرونا شاهد بودم و هستم که خانواده‌ها برای کودکان زیر سن دبیرستان، گوشی و تبلت شخصی تهیه کرده و آن را به اینترنت مجهز می‌کنند و اجازه می‌دهند او صفحه اینستاگرام داشته باشد و در کانال‌ها و گروه‌هایی در تلگرام و واتس‌آپ عضو باشد. به جز گروه‌ها و کانال‌های مربوط به مدرسه که کودک برای مسائل درسی خود نیاز دارد در آنها عضو باشد، کودکان نیازهای دیگری در این شبکه‌ها ندارند! می‌دانید در کشور ما که فیلتر سنی در سایت‌ها وجود ندارد و بچه‌ها برای دانلود کردن هر چه که مایل باشند بدون نظارت بزرگتر وارد سایت‌های گوناگون می‌شوند، چه مخاطراتی به همراه دارد؟ آیا پیامدهای خواندن و دیدن مطالب، تصاویر و فیلم‌هایی را که برای سن کودک‌تان مناسب نیست می‌دانید؟ آیا شما کودک زیر ۱۳ سال‌تان را به تنهایی به خیابان می‌فرستید، که اجازه می‌دهید به تنهایی وارد سایت‌های گوناگون بشود و بچرخد!؟

اما دلایل این ضعف‌ها، که والدین بدون منطق، بدون مشورت با کارشناس و بدون آینده‌نگری، تسلیم خواسته‌های فرزندشان می‌شوند می‌تواند از مسائل درونی والد یا والدین از جمله افسردگی، شخصیت مرزی، دو قطبی، خودنمایی و رفتارهای متظاهرانه، خودشیفتگی و ... منشا بگیرد؛ علاوه بر این‌ها، تعارض و ناهمخوانی بین زن و شوهر در برخورد با بچه‌ها، جای پای خود را به طور محکم در سیستم تربیتی می‌گذارد و پدران و مادران بسیاری را آشفته و درمانده می‌کند و این سوال را برایشان

برادر ۱۹ ساله‌اش داشتند و او هم می‌خواست... به جای جشن تولدی که به خاطر کرونا برایش نگرفتیم... حریفش نشدیم.

پدر پا روی پا روی مبل لم داده بود از خودش و وضع مالی - اش می‌گفت و با نگاه به سقف از مشکلاتی که پسرش برایش درست کرده تعریف می‌کرد، با ذکر این نکته که تقصیر رفتارهای مادرش است.

لجبازی‌های پدر در اتاق مشاوره، قبول نداشتن مشاوره، خودشیفتگی او که فکر می‌کرد تمام رفتارهایش درست است و انداختن تمام قصورات تربیتی به گردن مادر، ضعف‌های ارتباطی مادر و عدم قاطعیت‌اش با نوجوان، خبر از آن دو می‌داد و مشخص بود با فرزندان‌شان به درستی رفتار نمی‌کنند.

- رو به پدر گفتم: چرا اینجایی؟

(سکوت پدر)

- پس منتظر خلاف‌های سنگین‌تر از طرف پسرستان و سر درآوردن از دادگاه هستید تا متوجه اشتباهات‌تان بشوید!

پدر خودش را جمع کرد پا را از روی پا برداشت، روی لبه‌ی مبل قرار گرفت و نگاهش را از سقف به طرف کف اتاق برد.



این که حریفش نشدیم، این که همه دوستانش داشتند او هم می‌خواست، گرفتیم تا شاید بهتر درس بخواند، او متقاعدمان کرد، تقصیر مادرش (یا پدرش) است، گران‌تر خریدیم تا بداند دوستش داریم و عباراتی از این دست که بی‌شمارند، باعث تبرئه‌ی پدران و مادران نمی‌شود، بلکه ضعف‌های شخصیتی و رفتاری آنان را رو

به سن او، زمان خاموش کردن گوشی در شب با توجه به سن او، قرار ندادن رمز روی گوشی یا تبلت توسط او، یا در اختیار گذاشتن رمز آن به پدر و مادر و نظارت والدین روی گوشی او می‌باشد.

تمام این قانون‌ها و رعایت آنها در سایه‌ی ثبات رفتاری و کلامی پدر و مادر و هماهنگ بودن آن دو با یکدیگر میسر می‌شود. ■

سرای سالمندان یهودی ایران

با بیش از نیم قرن سابقه و با کادری مجرب در خدمت سالمندان همکیش می‌باشد. از کلیه‌ی عزیزانی که مایل هستند با این مرکز همکاری کنند در خواست می‌شود کمک‌های نقدی و غیر نقدی خود را با هماهنگی دفتر سرا ارسال نمایند.

نشانی: خیابان دماوند، نرسیده به میدان امام حسین، کوچه عاشق‌بها، پلاک ۲
تلفن ۷۷۵۵۴۱۶۹-۷۷۵۵۲۰۳۰
ساعت کار ۸ الی ۱۶
اینستاگرام: Iran.Jewish.nursing.home

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

افتخار دارد با انواع کتاب‌های جدید در خدمت همکیشان عزیز باشد.

منتظر دیدار شما عزیزان هستیم.

نشانی: خیابان جمهوری - خیابان شیخ هادی - کوچه هاتف. تلفن: ۶۶۷۰۴۲۴۷

به وجود می‌آورد که کجای کارمان ایراد داشت که چنین بچه‌ای (لجباز، نافرمان، بی‌انگیزه، بی‌رغبت به درس، سرکش و ...) داریم؟

ایراد اصلی آنجایی است که والدین باور دارند که فرزندشان مشکلاتی دارد اما نمی‌دانند و آمادگی ندارند بدانند که سیستم خانواده و نوع تربیت والدین یا نوع ارتباط خودشان ایراداتی دارد.

برخی از والدین تاثیر کودکان دیگر در مهد کودک و مدرسه، تلویزیون، همسالان و بچه‌های فامیل را در اخلاق و رفتار فرزندشان پررنگ می‌دانند و این‌ها را دلایل اصلی بدرفتاری کودک یا نوجوان شان می‌بینند. اما مهم است بدانید که اگر تربیت مقتدرانه و درستی در خانواده شکل گرفته باشد تاثیرپذیری بچه‌ها از متغیرهای دیگر، ناچیز است.

خانواده‌های زیادی را می‌شناسم که برای تنبیه کردن فرزندشان، گوشی او را می‌گیرند و تا مدت‌ها پیش خود نگه می‌دارند. گویا گوشی نقطه حساس و وسیله‌ای است در دست والدین که وقتی قصد ادب کردن فرزندشان را دارند از این وسیله استفاده می‌کنند و او را تنبیه می‌کنند؛ بلکه گوشی نقطه حساس زندگی بچه‌های امروز است اما برای تنبیه کردن‌شان نباید از این نقطه ورود کنید. این کار ارتباط شما را با آنها خراب‌تر می‌کند، آنها را از شما دورتر کرده، باعث می‌شود اعتمادشان نسبت به شما از دست برود.

نظارت کردن بر فرزند زیر ۱۸ سال وظیفه‌ی والدین است؛ برای همین قانون است که در این سنین بچه‌ها نباید برای گوشی و تبلت خود رمز بگذارند. اما از طرفی پدر و مادر نباید بدون اجازه‌ی او و به قصد میج گیری به حریمش وارد شوند و به مطالب و عکس‌ها و فیلم‌های او دسترسی پیدا کنند. بهتر است موقع خرید گوشی یا در اختیار گذاشتن گوشی شخصی برای او، قانون‌های استفاده از آن را به او گوشزد کنید. به طور مختصر این قانون‌ها شامل: ساعت استفاده از گوشی و اینترنت در روز با توجه

یهودیان نیوزیلند



سیما افلاقی (رفوآ)

مترجم زبان انگلیسی

"ژوزف بارو مونتیفور"^۲ که در واقع پایه‌گذار تاریخ یهودیان در این کشور محسوب می‌شود. او همانند سایر بازرگانان تجارت روغن نهنگ و کتان داشت و مدت ۱۸ ماه در آنجا ماند و سپس به انگلستان بازگشت.

"ساموئل پولاک"^۳ یهودی ثروتمند دیگری بود که به این سرزمین مهاجرت کرد و بین سال‌های ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۷ در آنجا اقامت داشت. وی پس از بازگشت به انگلستان دو کتاب درباره جاذبه‌های نیوزیلند نوشت و با حضور در مجلس عوام انگلستان مدعی شد که سکونت بی‌برنامه مهاجران اروپایی موجب از بین رفتن فرهنگ "مائوری" خواهد شد و لذا خواستار این شد که دولت انگلستان این کشور را تحت قیمومیت خود قرار دهد. این خواسته پذیرفته شد و در سال ۱۸۴۰ این سرزمین طی معاهده‌ای در زمره کشورهای قرار گرفت که ملکه انگلستان بر آنان حکومت می‌کرد.

در زمان عقد معاهده، تعداد یهودیانی که در این کشور سکونت داشتند به کمتر از سی نفر می‌رسید. اغلب اینان یهودیان فقیری بودند که از انگلستان مهاجرت کرده بودند. امکانات مالی مهاجرت آنان را یهودیان ثروتمند انگلیس از جمله خانواده "گلد اسمید"^۴ فراهم کرده بودند. آنان برای این کار چند هدف را دنبال می‌کردند، اول اینکه فکر می‌کردند این سرزمین برای این افراد که تحت ظلم و ستم حکومت‌های اروپایی قرار گرفته بودند می‌توانست بهشتی موعود باشد که در عین حال بتوانند یک جامعه یهودی را در

نیوزیلند یا زلاند نو در جنوب غربی اقیانوس آرام قرار گرفته و از دو جزیره بزرگ و تعدادی جزیره کوچک تشکیل شده است. این کشور حدود پنج میلیون نفر جمعیت دارد و نزدیکترین همسایه آن استرالیا است که در فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری آن واقع شده است. پایتخت این کشور شهر ولینگتون^۱ است.

نیوزیلند آخرین سرزمینی بوده که بشر به آن پای گذاشته است. این کشور در حال حاضر در زمره کشورهای توسعه یافته و مرفه جهان قرار دارد و در سال ۲۰۱۳ موفق به دریافت رتبه هفتم شاخص توسعه انسانی در جهان شد. این کشور در سال ۱۸۴۰ طی پیمانی تحت قیمومیت انگلستان و پادشاهی ملکه الیزابت درآمد. در این کشور نخست وزیر مقام رسمی کشور است و مقام پادشاهی مقامی تشریفاتی محسوب می‌شود. زبان رسمی آن انگلیسی و "مائوری" (زبان ساکنان اولیه نیوزیلند) است.

تاریخ زندگی یهودیان نیوزیلند

"مائوری"ها اولین انسان‌هایی بودند که از جزایر "پولی نزی" اقیانوسیه پای به این سرزمین آتشفشان‌های فعال گذاشتند. آنها نام این سرزمین را Tamaki Makau Rau به معنای "تنگه هزار عاشق" گذاشتند چون به این سرزمین علاقه بسیاری داشتند و برای به دست آوردن آن با افراد قوم خود جنگ‌های بسیاری کرده بودند. از دیگر ساکنان اولیه این کشور یهودیان مهاجر بودند. اولین یهودی که در سال ۱۸۳۰ وارد این کشور شد فردی بود به نام

^۲ Joseph Barrow Montefiore
^۳ Samuel Polak
^۴ Gold Smid

^۱ Wellington

یهودیان ساخته شد.

در اواخر قرن نوزدهم به دلیل وضع قوانین و محدودیت‌هایی علیه مهاجرت، راه بر مهاجران غیر انگلیسی از جمله مهاجران آسیایی و سایر فرهنگ‌ها بسته شد و مهاجران اندکی اجازه اقامت در این کشور را گرفتند.

قرن بیستم

با قدرت گرفتن حزب نازی آلمان، یک گروه بزرگ ۱۰۰۰ نفری از یهودیان آلمانی به این سرزمین مهاجرت کردند اما در نتیجه محدودیت‌هایی که برای پذیرش مهاجران وضع شده بود تنها تعداد کمی از آنان خصوصاً در دوران قبل و بعد از هولوکاست توانستند اجازه اقامت در این سرزمین را بگیرند. مردم نیوزیلند با این تصور که ملیت این افراد آلمانی است آنها را متحدان دشمن خود یعنی آلمان می‌دانستند و ادعا می‌کردند که این یهودیان پس از خاتمه جنگ پای به این سرزمین گذاشته‌اند و موقعیت‌های شغلی نیوزیلندی‌ها را خواهند گرفت. بنابراین حتی گروه کهنه سربازان نیوزیلندی در آن زمان مدعی بودند که این یهودیان نه تنها باید به سرزمین خود برگردانده شوند، بلکه باید اموال و ثروتی را که آنان در طول اقامت خود در این سرزمین به دست آورده‌اند به خانواده‌های سربازان ببخشند. زیرا زمانی که سربازان جان خود در میدان جنگ به خطر انداخته بودند این یهودیان در کمال امنیت در نیوزیلند زندگی می‌کردند. البته با گذشت زمان این طرز تلقی تغییر کرد و اکنون مهاجران یهودی بسیاری به این سرزمین مهاجرت می‌کنند.

موج دوم مهاجرت یهودیان به این کشور در دهه ۱۹۵۰ با مهاجران یهودی مجارستانی و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با مهاجرت یهودیان اتحاد جماهیر شوروی سابق شکل گرفت.

آنجا تشکیل بدهند و هدف دوم آنان سرمایه‌گذاری بود که با تجارت کتان و خرید زمین‌های زیاد به انجام رسید.

در همان سالی که نیوزیلند تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت، یهودیان اولین مجمع یهودیان شهر "اوکلند"^۵ را تشکیل دادند و زمینی را برای گورستان مخصوص به خود خریداری کردند.

سرمایه‌داران یهودی انگلستان تلاش کردند با ترغیب همکیشان خود برای مهاجرت به نیوزیلند جامعه‌ای یهودی را به خصوص در شهر ولینگتون پایه‌گذاری کنند و به همین منظور یکی از افراد سرشناس یهودی به نام "آبراهام هورت"^۶ را که از بستگان مالکان بانک "ماگوتا و گلد اسمید" انگلستان بود به همراه دو برادر نجار به نام‌های "بنجامین و سلیمان لوی" به آنجا فرستادند تا ضمن سرمایه‌گذاری در این کشور به اوضاع مذهبی یهودیان هم سرو سامانی بدهند. دو برادر "لوی" در سال ۱۸۴۰ اولین کنیسا را در شهر "ولینگتون" ساختند و "سلیمان لوی" سال‌ها مسئولیت تدریس عبری به کودکان یهودی را بر عهده داشت. با این وجود خود وی با یک دختر مسیحی ازدواج کرد و تنها فرزند هشتم آنان آئین یهودیت را پذیرفت. در سال ۱۸۴۱ خانواده "گلد اسمید" به همراه برادران لوی اولین بیمارستان یهودی را در همین شهر ساختند و به منظور حفظ شریعت یهودیت از انگلستان چندین خاخام برای انجام مراسم مذهبی و بریت میلا (ختنه) و قصاب برای انجام ذبح کاشر را به آنجا دعوت کردند. در سال ۱۸۴۳ اولین مراسم شرعی در کنیسای تازه ساخته شده به اجرا درآمد.

پیدا شدن معادن طلا از اواسط سال‌های ۱۸۰۰ میلادی جمعیت مهاجران ساکن نیوزیلند را به سوی شهرهایی در جنوب نیوزیلند هدایت کرد و در بین آنان یهودیان آلمانی و لهستانی بسیاری بودند که در آنجا موقعیت‌های شغلی خوبی پیدا کردند و همانجا بود که چندین کنیسا و آرامگاه برای

^۵ Aucland

^۶ Abraham Hort

نقش سیاسی یهودیان در حکومت نیوزیلند

جامعه یهودیان نیوزیلند علیرغم تعداد کم جمعیتی در عرصه سیاست نیوزیلند بسیار فعال هستند. "سر جولیس ووگل"^۷ بین سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۶ و "سر جان کی"^۸ برای مدت کوتاهی نخست وزیر نیوزیلند بودند و در حال حاضر سی و هشتمین نخست وزیر نیوزیلند هم تبار یهودی دارد. پنج یهودی هم بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۰ در دوره‌هایی شهردار اوکلند بوده‌اند.

فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی یهودیان در نیوزیلند

هر چند جمعیت یهودیان تنها ۰.۲۵ درصد جمعیت نیوزیلند را تشکیل می‌دهد اما آنان در جامعه نیوزیلند حضور پر قدرتی دارند. آنها یک جامعه متشکل و سازماندهی شده و فعال هستند.

جالب است بدانیم که اولین پزشک زن و اولین وکیل زن در تاریخ این کشور یهودی بودند و سایر یهودیان هم در مشاغل مانند پزشکی و یا حقوق و هنر به کشور خود خدمت می‌کنند.

هر چند جامعه یهودیان نیوزیلند جامعه کوچکی است اما از تمامی امکاناتی که برای حفظ آئین دین خود نیاز دارد برخوردار است. احداث کنیساها، متعدد، دعوت خاخام‌ها از کشورهای دیگر و یا تاسیس انجمنی که مراسم خاکسپاری را طبق آئین مذهبی انجام دهد زندگی راحتی را برای آنان فراهم کرده است. در "اوکلند"، کلاس‌های تدریس تلمود برای مردان برگزار می‌شود و خانم‌ها بیت‌میدراش (مدرسه دینی) مخصوص به خود را دارند و هر هفته با برگزاری مراسم مختلف افراد یهودی گرد هم می‌آیند. همچنین برای افراد سالمند و یا بی‌بضاعت یهودی هم سازمان‌هایی مشغول به خدمات رسانی هستند.

در این کشور آنان دارای کودکان، مدارس و حتی

کالج مخصوص به خود هستند، روزنامه Hadassah مخصوص به آنهاست که در نیوزیلند خوانندگان بسیاری دارد و آنها حتی تیم‌های ورزشی خود را دارند. در شهر "اوکلند" یهودیان دو مرکز فرهنگی دارند که در مرکز شهر واقع شده و شامل دو کنیسا و مرکز یادبود هولوکاست و غذیه فروشی کاشر است. در جنوب شرقی شهر اوکلند هم کتابخانه زیبایی وجود دارد که به یهودیان اختصاص دارد.

در سال ۲۰۱۰ وزیر کشاورزی نیوزیلند انجام شحیطا (ذبح شرعی یهودی) را مخالف قوانین این کشور دانست و آن را ممنوع کرد. اما با پیگیری‌های جامعه یهودیان، آنان سرانجام موفق شدند مجوز شحیطای کاشر بوقلمون را بگیرند اما در مورد شحیطای گاو و یا گوسفند هنوز مجوزی کسب نکرده‌اند و به همین دلیل گوشت کاشر (حلال) را از کشور استرالیا وارد می‌کنند.

علیرغم وضعیت بسیار خوب اقتصادی و آزادی‌های مذهبی و اجتماعی، بسیاری از جوانان یهودی با هدف یافتن موقعیت‌های شغلی و مذهبی بهتر به استرالیا مهاجرت می‌کنند و در نتیجه مرکز یهودیان "اوکلند" برای جلوگیری از کاهش جمعیت جامعه خود تلاش می‌کند تا یهودیان ساکن جنوب آفریقا را به مهاجرت به این سرزمین ترغیب کند. در سال‌های اخیر هم جمعیت مذهبی "خباد" در برخی شهرهای نیوزیلند شروع به فعالیت کرده است.

کنیساها در نیوزیلند

در طی قرن نوزدهم چندین کنیسا در شهرهای بزرگ نیوزیلند از جمله "ولینگتون"^۹، "هوکیتیکا"^{۱۰}، "دیونین"^{۱۱}، "کریسچرچ"^{۱۲} و "اوکلند"^{۱۳} ساخته شده است. اکنون هفت کنیسا در نیوزیلند وجود دارد.

^۹Wellington

^{۱۰}Hokitika

^{۱۱}Dunedin

^{۱۲}Christchurch

^{۱۳}Auckland

^۷Julius Vogel

^۸John Key

جمعیت یهودیان نیوزیلند

یهودیان عمدتاً در شهرهای "اوکلند" و "ولینگتون" زندگی می‌کنند و به زبان‌های عبری، ییدیش و انگلیسی تکلم می‌نمایند. صرفنظر از برخی از فعالیت‌های محدود ضدیهودی، رویکرد دولت نیوزیلند نسبت به مهاجران یهودی بسیار مثبت بوده و آنها در معرض هیچگونه تبعیض اجتماعی و یا سیاسی قرار نگرفته‌اند و آزادانه مناسک مذهبی خود را به جای می‌آورند.

منابع:

1. Heritage New Zealand
2. Hadassa Magazine
3. The Encyclopedia Of New Zealand
4. Wikipedia

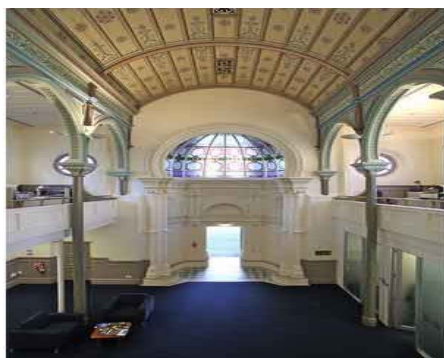
در سال ۱۸۴۸ کل جمعیت نیوزیلند ۱۶۰۰۰ نفر برآورد شد که ۶۱ نفر آنان یهودی و در شهرهای "ولینگتون" و "اوکلند" ساکن بودند. سرشماری سال ۲۰۱۳ جمعیت یهودیان نیوزیلند را ۶۸۶۷ نفر و کل جمعیت نیوزیلند را ۴.۵ میلیون نفر برآورد کرده است. در حالی که در برآوردی که در سال ۲۰۰۹ انجام شده بود تعداد یهودیان ۱۰۰۰۰ و در برآوردی دیگر تعداد آنان ۲۰۰۰۰ نفر اعلام شده بود. به هر حال در سرشماری سال ۲۰۱۹ تعداد یهودیان پایبند به آئین یهودیت ۸۰۰۰ نفر اعلام شده است.



Benjamin Levy 1818-1853



Solomon Levy, 1817–1883,
Wellington



Prince street synagogue



A Jewish cemetery in Auckland



تشابه زبان‌های عبری و عربی

استاد رومن دلریمه

پژوهشگر و مدرس زبان عبری و تعلیمات دینی یهود

اوائل انقلاب بود که از طرف اداره آموزش و پرورش منطقه هفت تهران به بنده ابلاغ شد که در مدرسه

«شهید اشرفی اصفهانی» واقع در خیابان شریعتی به ریاست آقای کلهر، معاون باشم. بعضی از دبیران محترم مسلمان به‌خصوص دبیر محترم عربی که قرآن مجید را به‌خوبی می‌دانستند وقتی که لغات عربی و عبری را که هم‌ریشه هستند برایشان مقایسه می‌کردم تعجب می‌کردند، مثل «سَالِمٌ عَلَیْهِم (سلام بر شما)» که عربی آن «سلام علیکم» است، و یا «قِرَا بِشِمِ رِبَاخ» که عربی آن «اقراء بسم ربک» (بخوان بنام خدایت) است. بنابراین در صدد برآمدم که در نشریه بینای محبوب انجمن کلیمیان تهران نمونه‌هایی از صدها لغات هم‌ریشه برای علاقه‌مندان درج شود.

عبری	تلفظ عربی	معنی عربی	عبری	تلفظ عربی	معنی عربی	عبری	تلفظ عربی	معنی عربی
שָׁלוֹם	شالِم	سلام	חַנוּת	حانوت	حانوت	שָׁלוֹם	شالِم	سلام
אֱלֹהִים	الَّهِ	الله	אֲצִיל	اصیل	اصیل	אֱלֹהִים	الَّهِ	الله
רַחֲמָן	رحمان	رحمن	עֵדֵן	عدن	عدن	רַחֲמָן	رحمان	رحمن
תּוֹרָה	تورا	تورات	צִל	צל	ظل	תּוֹרָה	تورا	تورات
עֲלֵיכֶם	عَلَيْكُمْ	علیکم	אָמֵן	آمین	آمین	עֲלֵיכֶם	عَلَيْكُمْ	علیکم
עֲלֵיהֶם	عَلَيْهِمْ	علیهم	קִדְשׁ	قدس	قدس	עֲלֵיהֶם	عَلَيْهِمْ	علیهم
אָב	أب	پدر	זָכָר	ذکر	جنس‌نر	אָב	أب	پدر
אִם	أُم	مادر	חַי	حی	زنده	אִם	أُم	مادر
יוֹם	يَوْم	یوم	מֶלֶךְ	ملک	پادشاه	יוֹם	يَوْم	یوم
בֵּן	ابن	پسر	בֵּין	بین	بین	בֵּן	ابن	پسر
נַחְנוּ	نَحْنُو	ما	צִדֵק	صدق	صداقت	נַחְנוּ	نَحْنُو	ما
הֵם	هُمْ	آنها	מִזְבֵּחַ	مذبح	قربانگاه	הֵם	هُمْ	آنها
זְמַן	زَمَن	زمان	יָתוֹם	یتیم	بی‌پدر	זְמַן	زَمَن	زمان
עֲנַב	عَنْب	انگور	בָּטֵל	باطل	باطل	עֲנַב	عَنْب	انگور
מֶלַח	مَلَح	ملح	דָּב	دو	دب	מֶלַח	مَلَح	ملح
זָהָב	ذَهَب	ذهب	כֹּהֵן	کاهن	کاهن	זָהָב	ذَهَب	ذهب
זוּג	زَوْج	زوج	כָּזָב	کذاب	دروغ	זוּג	زَوْج	زوج
שָׁנָה	شَانَا	سنه	כּוֹפֵר	کافر	خدانشناس	שָׁנָה	شَانَا	سنه
רֶשׁ	رَأْس	رأس	כְּתִיבָה	کتیبا	کتیبه	רֶשׁ	رَأْس	رأس
יָם	يَم	یم	לָשׁוֹן	لاشُن	لسان	יָם	يَم	یم

مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه

و نقش آن در پیشرفت فرهنگی جامعه‌ی کلیمیان (۱۲۸۱-۱۳۰۵ ش)

گردآوری: نسترن جاذب

مهمترین کارکرد مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه، ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی کلیمیان شهر بود. انجمن آلیانس کرمانشاه از پیشگامان جنبش آموزش زنان در کرمانشاه بود. این انجمن امکان جابجایی طبقاتی جامعه‌ی یهودی را از فرودستان شهری به طبقه‌ی متوسط فراهم کرد.



انجمن کلیمیان کرمانشاه (هبرا) در سال ۱۳۴۰

مقدمه

پس از آن، تلاش‌های این انجمن برای توسعه‌ی این مدارس در سایر شهرهای یهودی‌نشین ایران هم ادامه یافت. مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه در سال ۱۹۰۴ م / ۱۲۸۳ ش به مدیریت مسیو سدی افتتاح شد. این مدرسه یکی از مراکز اصلی آموزش جدید و مهم‌ترین پایگاه فرهنگی کلیمیان کرمانشاه بود و نقشی مؤثر در ارتقای سطح دانش عمومی و پیشرفت مدنی آنان ایفا کرد.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم قمری انجمن فرهنگی بین‌المللی یهود، اقدام به ایجاد مدارس به سبک نوین در ایران را آغاز نمود. این تشکیلات در آوریل ۱۸۹۸ م مقارن با ایام سلطنت مظفرالدین شاه موفق شد تا اولین مدرسه‌ی آلیانس را در تهران افتتاح کند.

فرضیه‌ی اصلی پژوهش

تأسیس مدرسه‌ی آلیانس بر مبنای فرهنگ آموزشی فرانسه و با هدف ارتقاء دانش عمومی جامعه‌ی یهودیان ایران و آشنا کردن آنان با حقوق شهروندی‌شان برای ایفای نقش مؤثر در برنامه‌های توسعه‌ی ملی و محلی انجام شد و آموزش زبان و ادبیات فارسی در این نهاد آموزشی موضوعی ثانوی بود.

پیشینه‌ی پژوهش

تاریخ مدارس آلیانس در کرمانشاه چندان مورد توجه پژوهشگران تاریخ و فرهنگ محلی قرار نگرفته است. مفصل‌ترین گزارش تاریخی از تأسیس مدرسه‌ی آلیانس در کرمانشاه در سالنامه‌ی معارف کرمانشاه آمده است. در این کتاب عبدالحسین سلطانی رئیس معارف وقت کرمانشاه گزارشی تاریخی از رویدادهای مدرسه‌ی آلیانس تا سال ۱۳۰۵ شمسی عرضه می‌کند. ادوارد ژوزف ادیب و مترجم کرمانشاهی روایتی از درون و نگاهی از نزدیک به سیستم آموزشی مدرسه دارد. او از نخستین دانش‌آموخته‌های مدرسه‌ی آلیانس است که مشاهدات خود را از دوران تحصیل در آلیانس (۱۲۹۰ ش) تقریر کرده است.

نگاهی به جامعه‌ی یهودیان کرمانشاه در قرن نوزدهم

جامعه‌ی یهودیان کرمانشاه در قرن نوزدهم، جامعه‌ای بسته و منزوی بود. یهودیان در محله‌ی فیض‌آباد زندگی می‌کردند؛ جایی که رود آبشوران از آن عبور می‌کرد. فاضلاب شهر هم داخل این رود ریخته می‌شد. بوی گند آب و فضولات انباشته شده در حاشیه‌ی آبشوران زندگی ساکنان این محله را دشوار و مشام آنان را به‌ویژه در فصل تابستان آزرده می‌کرد. البته این وضعیت ویژه‌ی یهودیان نبود و طبقات فرودست مسلمان نیز در همسایگی آنان وضعی مشابه داشتند. محله‌ی یهودی‌نشین فیض‌آباد در نزدیکی یکی از پنج دروازه‌ی شهر قرار داشت. این دروازه به‌دلیل سکونت قوم یهود در مجاورت آن به

دروازه‌ی یهودی‌ها معروف بود.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی جمعیت یهودیان کرمانشاه به ۱۳۶ خانواده می‌رسید؛ ولی به چند دلیل از جمله کوچ یهودیان بغداد و اقامت آنان در کرمانشاه جمعیت یهودیان اندکی افزایش یافت. هوگو گروته جغرافی‌دان و قوم‌شناس آلمانی - که در حدود سال 1906م از جمعیت شهر کرمانشاه بازدید کرده است - در گزارش سفر خود به کرمانشاه می‌نویسد جمعیت کرمانشاه در این ایام حدود ۷۰ هزار نفر بود و تعداد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ یهودی در آن زندگی می‌کردند که از این میان ۵۰ نفرشان بازرگانان یهودی بودند که از بغداد به کرمانشاه مهاجرت کرده بودند؛ همچنین ۸۰ کلدانی مسیحی نیز در شهر ساکن بودند تعداد ۳۰۰ خانوار یهودی براساس مشاهدات ژان اوین سفیر فرانسه در سال ۱۹۰۶ م کرمانشاه مقیم بودند که به حرفه‌های کوچک یا دوره‌گردی در اطراف شهر مشغول بودند و مانند بسیاری از پیروان حضرت موسی به لهجه‌ی سریانی صحبت می‌کردند. آنها با بغداد رابطه‌ی تجاری داشتند و ده خانواده از تجار یهودی بغداد در آن کرمانشاه ساکن شده بودند. براساس گزارش تاریخ یهود ایران در کرمانشاه ۱۴۰۶ خانوار یهود زندگی می‌کردند.

مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه و نقش آن در پیشرفت فرهنگی...

آموزش مختص پسران و به زبان عبری به قاعده‌ی کلی نظام تربیتی جامعه‌ی یهودیان ایران بود و هدف آن آشنایی و خواندن تورات و اجرای آیین‌ها و مناسک مذهبی مانند نماز و نیایش بود. این آموزش در مآخانه یا مکتب‌خانه‌هایی که در خانه‌ی خاخام‌های یهود و یا کیسه‌ها بود، صورت می‌گرفت. اندکی از یهودیان از پدران خود حسابداری ایرانی موسوم به سیاق را آموخته بودند و برخی از آنها به‌عنوان شاگرد و یا پادو برای تاجران و اطباء کار می‌کردند و دفاتر حساب آنان را رتق و فتق می‌نمودند.

تحولات جامعه‌ی یهود کرمانشاه در اواخر قرن

نوزدهم

و متوسطه شامل زبان عبری، تعلیمات دینی، زبان و ادبیات فرانسه، فارسی، ریاضیات، علوم طبیعی، فیزیک، و تاریخ و جغرافیا بود.

آموزش زبان فرانسه به‌عنوان زبان علمی، و آموزش زبان عبری به‌عنوان زبان دین یهود در صدر آموزش قرار داشت. آموزش زبان عبری در مدرسه‌ی آلیانس ویژه‌ی دانش‌آموزان کلیمی بود. در این ساعت دیگر دانش‌آموزان آزاد بودند تا در محیط مدرسه به بازی و سرگرمی بپردازند؛ ولی اگر دانش‌آموزی به فراگیری آن مایل بود و در آن استعدادی نشان می‌داد، از حضور او ممانعت نمی‌شد. ادوارد ژوزف دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه بوده است. او در گزارش مختصر خود از خاطرات یک روز هنگام درس عبری، تحصیلی‌اش در مدرسه‌ی آلیانس جزئیاتی جالب را بیان می‌کند همه‌ی مسلمان‌ها و مسیحی‌ها از اتاق خارج شدند، جز من که در جای خود نشسته بودم. خلیفه یادگار دستور داد که از کلاس بیرون بروم. گفتم که من عبری یاد گرفته و می‌توانم تورات بخوانم. گفت بردار و بخون. من هم خواندم و خلیفه یادگار اجازه داد که بمانم.

مهاجرت گروهی از یهودیان بین‌النهرین به

کرمانشاه

در اوایل قرن نوزدهم جامعه‌ی یهود بغداد مرکزیت داشت و جوامع یهودی همجوار خود را در ایران، عثمانی و هند هدایت می‌کرد. بغداد نه تنها مرکز تجاری یهودیان بلکه مرکز دینی آنان نیز بود. در آن روزگاران میان یهودیان ایران و عراق روابط تجاری و همکاری در زمینه‌ی مطالعات دینی برقرار بود. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گروهی از یهودیان بغداد بر اثر سیاست‌های دولت عثمانی به ویژه سختگیری در دوران والی‌گری داوود پاشا و نیز نداشتن تمایل به شرکت در خدمات نظامی دولت عثمانی تصمیم به مهاجرت گرفتند. در آن ایام جوانان یهودی از طرف ترک‌ها برای شرکت در ارتش و حضور در میدان جنگ در فشار بودند. آنان برای فرار از خدمت اجباری راهی ایران شدند.

نخستین نشانه‌های دگرگونی در جامعه‌ی یهود کرمانشاه اواخر قرن نوزدهم نمایان شد. این تحولات یهودیان را از حالت انزوا و انفعال خارج کرد و مقدمات تأسیس مدرسه‌ی آلیانس را فراهم کرد. این تحولات را در سه عنوان کلی می‌توان بررسی کرد:

۱. فعالیت میسیونرهای مسیحی در کرمانشاه؛
۲. مهاجرت گروهی از یهودیان بین‌النهرین به کرمانشاه؛
۳. تشکیل انجمن محلی آلیانس.

متون و برنامه‌ی آموزشی آلیانس

مدارس آلیانس در ایران براساس سیاست‌های کلی سازمان آلیانس جهانی شکل گرفته بود. زبان فرانسه زبان علمی آموزشی در این مدارس بود. مدیران آلیانس عمدتاً فرانسوی و دیپلمه‌ی دارالمعلمین پاریس بودند. آنان در این مأموریت می‌کوشیدند تا فرهنگ و نظام تعلیم و تربیت فرانسه را اشاعه دهند. هما ناطق درباره‌ی برنامه‌ی آموزش مدارس آلیانس می‌نویسد: شاگردان متن‌هایی از الکساندر دوما، ویکتور هوگو و ولتر می‌خواندند. افزون بر این، کتاب علوم، تاریخ و جغرافیا هم می‌آموختند. امتحانات پایان سال را به زبان فرانسه می‌گذراندند و کارنامه‌ی تحصیلات ابتدایی را پس از شش سال و دیپلم را پس از ۹ سال می‌گرفتند. در این پروسه‌ی آموزشی انتظار می‌رفت تا دانش‌آموختگان آلیانس بتوانند در آزمون و امتحانات زبان فرانسه شامل انشا، ترجمه، دیکته و مکالمه، زبان فارسی شامل انشا، دیکته، و روخوانی، زبان عبری شامل تعلیمات دینی و روخوانی تورات، همچنین حساب، و تاریخ و جغرافیا نمره‌ی قبولی بگیرند. بدین‌منظور مدیران آلیانس می‌کوشیدند تا جمعی از یهودیان ایرانی تحصیلکرده و آشنا به زبان فرانسه و ترجیحاً دارنده‌ی تصدیق‌نامه‌ی آلیانس را به عنوان آموزگار و دبیر به خدمت گیرند.

برنامه‌ی آموزشی مدرسه‌ی آلیانس برای دوره‌ی ابتدایی

برجسته‌ی اداره‌ی گمرک - به مدیریت آلیانس انتخاب شد.

عایدات مدرسه‌ی آلیانس

مدرسه‌ی آلیانس نهادی غیردولتی بود و کمیته‌ای محلی آن را اداره می‌کرد و بودجه‌ی آن از طریق شهریه‌ی دانش‌آموزان و جمع‌آوری اعانه از خانواده‌های سرشناس و ثروتمند کلیمی فراهم می‌شد. کمک‌های خارجی بیشتر به صورت ارقام آموزشی و کتب درسی به کمیته‌ی در محلی آلیانس می‌رسید. در گزارش سال ۱۳۰۵ سالنامه‌ی معارف کرمانشاه آمده است
برج سرطان ۱۲۹۲ تجار کلیمی به اسم این که یک قسمت از تجارت شهر در دست آنها است، مطالبه‌ی سهمی از عایدات عدلی یک شاهی گمرکی نمودند و بعد از چندین جلسه سلطانی، مذاکرات یک ثلث از عایدات مذکور به مدرسه‌ی آلیانس اختصاص داده شد.
سلطانی رئیس معارف کرمانشاه در سال ۱۳۰۵ در گزارش خود به وزارت معارف از کمبود و کاهش بودجه‌ی اداره‌ی معارف و مجموعه‌ی مدارس و پرسنل گله می‌کنند و یادآور می‌شود جمع بودجه‌ی ۱۳۰۵ از جمع بودجه‌ی ۱۳۰۴ خیلی کمتر و بالغ بر ۲۶۷۷۲ تومان گردیده و چون از این مبلغ ماهی یکصد تومان (سالانه ۱۲۰۰ تومان) اعان‌های که باید به مدرسه پرداخت نماییم از آن کسر میشود، جمع بودجه ۲۹۷۰ تومان کمتر از بودجه‌ی سال ۱۳۰۴ می‌باشد.
شهریه‌ی دانش‌آموزان منبع دیگری بود که آلیانس با استفاده از آن مخارج خود را تأمین می‌کرد. شهریه‌ی ماهانه‌ی مدرسه حداقل ۳ قران بود که شاگردان تهیدست و خانواده‌های کم‌بضاعت یهود از پرداخت آن معاف بودند. در سال تحصیلی ۱۳۰۹ ش از تعداد ۴۶۰ دانش‌آموز مدرسه ۱۴۳ تن به رایگان تحصیل می‌کرده‌اند. (ادامه دارد) ■

منابع

- محمد علوی کیا، کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
- گنجینه اسناد، سال ۲۹، دفتر دوم، تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۱۱۴.

تعدادی از این خانواده‌های یهودی در کرمانشاه مقیم شدند. آنها از تحولات دنیای مدرن باخبر بودند و آشنایی داشتند و همچنین در زمینه‌ی «عصر تنظیمات» با جنبش اصلاحات عثمانی موسوم به تجارت با ملل هم‌جوار هم صاحب دانش و تجربه بودند. ورود آنان به کرمانشاه، جامعه‌ی بسته و منزوی کرمانشاه را اندک تکانی داد و آماده‌ی پذیرش مفاهیم نو کرد.

یکی از اقدامات سنجیده‌ی کمیته‌ی محلی آلیانس کرمانشاه، تأمین ساختمانی مستقل برای مدرسه بود که به مالکیت انجمن آلیانس درآمد. ساختمان مدرسه در زمان خود محکم و مناسب بود و در مرکز شهر در جوار مراکز مهم دولتی معروف به دیوانخانه قرار داشت.

مدرسه‌ی آلیانس خود را مستقل از پروگرام دولتی می‌دانست و تا مدت‌ها به بازرسی و نظارت مفتش‌ان اداره‌ی معارف تن نمی‌داد. تنها پس از استقرار سلطنت رضاشاه و دستورالعمل یکسان‌سازی مدارس نوین در اجرای پروگرام دولتی بود که این مدرسه به تدریج و به اکراه به نظارت تن داد و برگه‌های احصائیه را تنظیم و به اداره‌ی معارف کرمانشاه ارسال کرد.

مدیران آلیانس کرمانشاه

مدرسه‌ی آلیانس کرمانشاه در سال ۱۹۰۴ م / ۱۲۸۳ ش با مدیریت مسیو سدی تأسیس شد. پس از نوامبر ۱۹۰۵ م / ۱۲۸۴ ش مسیو ساکه sagues به ریاست مدرسه برگزیده شد. در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۰۸ م / ۱۲۸۷ ش موسیو کهن kuan مدیر شد و پس از او مسیو فرانکو franku مدیر مدرسه‌ی آلیانس شد. او یهودی اهل فرانسه بود.

نظامت مدرسه را هم در این دوره و تا مدت‌ها پس از آن میرزا حسن خطاط هنرمند خوشنویس شهر برعهده داشت که زبان فارسی و مشق خط را نیز آموزش می‌داد. پس از مسیو فرانکو یک چند میرزا حسن خطاط کفالت او را برعهده گرفت؛ تا این که در ۱۹۲۴ م / ۱۳۰۲ ش یکی از ایرانیان کلیمی تحصیلکرده‌ی پاریس به نام ابراهیم (آبراهام) نهورای اهل اصفهان - کارمند

تاریخچه گذرگاه ادیان توحیدی و ارتباط آن با کنیسیای تاریخی حیم



تابلوی شناسه شهرداری تهران
در ابتدای خیابان سی تیر روبروی موزه ایران باستان.

ایران، اسلام و در قاره اروپا مسیحیت بود و عده‌ی کثیری نیز در ایران که دین رسمی آنان، کلیمی و زرتشتی بود و جزو اقلیت‌های مذهبی به‌شمار می‌آمدند در آن دوران در امور تجاری، فرهنگی و اجتماعی در ایران، نقش بسزایی ایفا می‌کردند. قاعدتاً بعدها این نیاز بطور جدی احساس شد که این وحدت رویه بین ادیان الهی در ایران هرچه سریعتر شکل بگیرد. در اوایل دهه ۱۲۹۰ خورشیدی با صلاحدید و مشورت با احمدشاه قاجار (آخرین پادشاه سلسله قاجاریه)، آرام آرام خیابانی در تهران در حال شکل گرفتن بود که بعدها به گذرگاه ادیان توحیدی شهرت یافت.

این خیابان از محدوده خیابان سردار سپه (که بعدها به سال ۱۳۲۴ خورشیدی) به خیابان سپه، تغییر نام داد آغاز و تا خیابان شاه (خیابان جمهوری اسلامی فعلی) به‌طول تقریبی ۱۲۰۰ متر امتداد یافت که بعدها با تصمیماتی که در بلدیة وقت تهران و شهرداری تهران (بعد از انقلاب) اتخاذ شده تا انتهای خیابان میرزا کوچک خان جنگلی امتداد یافته و تا محدوده خیابان چرچیل (نوفل لوشاتو فعلی و روبروی درب اصلی سفارت روسیه در ایران) پایان

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

معمولاً تاریخ معاصر جوامع مختلف بشری و ممالک مختلف را در سده‌ی آخر حیات آن کشورها و یا نهایتاً در یک قرن و نیم گذشته آنها جستجو می‌کنند، البته کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست اما اکثر مورخان، دوران تاریخ معاصر در ایران را از دهه‌ی ۱۲۸۰ خورشیدی به بعد یعنی از زمان وقوع انقلاب مشروطه مورد بررسی قرار می‌دهند.

شرحی مختصر بر زندگی نامه احمد قوام السلطنه

احمد قوام، ملقب به قوام السلطنه، سیاستمدار ایرانی پایان دوران قاجاریه و سلسله پهلوی اول و دوم بود که پنج دوره نخست وزیر ایران شد. قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان در سال ۱۳۰۰ خورشیدی و قائله آذربایجان در سال ۱۳۲۵ در دوران نخست وزیری قوام رخ داد. او در زمان قاجار، لقب قوام السلطنه یافت و محمدرضاشاه پهلوی به وی لقب «حضرت اشرف» را اعطا کرد. (تولد: ۱۳ دیماه ۱۲۵۱ هـ ش) - (وفات: ۲۸ تیرماه ۱۳۳۴ هـ ش - تهران)

تفکر و ایده‌ی اولیه نزدیک کردن و وحدت ادیان

توحیدی در ایران

احمد قوام السلطنه، همواره تفکر وحدت و دوستی ادیان الهی در ایران را در سر داشت و مهمترین دلیل این تفکر را می‌توان ارتباط تجاری، فرهنگی و سیاسی که همواره بین دولت‌های ایران و اروپا و بخش‌های عمده‌ای از شبه قاره هند برقرار بود، برشمرد، چون دین رسمی در

پذیرفت.

نقطه عطف تاریخچه گذرگاه ادیان توحیدی

در اوایل ماه سپتامبر ۱۹۵۹ میلادی (شهریورماه ۱۳۳۸ خورشیدی)، یک گروه جهانگرد خارجی که متشکل از ۶ نفر از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، آلمان، ایتالیا، سوئیس، اسپانیا و سوئد بودند، جهت سفر به ایران و بازدید از جاذبه‌های توریستی ایران، وارد کشور شدند و در طول سفر از تمام شهرهای ایران که از لحاظ تاریخی و جهانگردی قابل توجه بودند، بالاخص اصفهان، کاشان، شیراز، همدان، یزد، تبریز، مشهد و چند شهر دیگر بازدید کردند و در آخرین مرحله سفرشان راهی تهران شدند. دو تن از افراد با سابقه و آگاه گروه که از بقیه با تجربه‌تر بودند به نام‌های آلکس فونسز (Alex Foonses) اسپانیایی و ریچارد بونز (Richard Boons) انگلیسی همراه مارتین هِنسِن (Martin Hensen) سوئدی که قبلاً به ایران سفر کرده و از تهران بازدید کرده بودند، قبل از بازگشت به کشورشان، بازدید از جاذبه‌های گردشگری خیابانی در تهران، به نام خیابان قوام السلطنه را به بقیه اعضای گروه پیشنهاد کردند که مورد استقبال سایر اعضای گروه قرار گرفت و مکان‌ها و تمامی عبادتگاه‌های مذهبی که در مسیر این خیابان قرار داشت، به خصوص کلیسای انجیلی مسیحیان و کنیسه‌های تاریخی حَییم کلیمیان و آتشکده آدریان زرتشتیان، مورد توجه این گروه جهانگرد اروپایی قرار گرفت. آنان بلافاصله پس از بازگشت به کشورهايشان و مطرح کردن این مطلب به دولت‌های متبوع خود، باعث ایجاد یک تغییر شگرف در زمینه صنعت نوین جهانگردی در ایران شدند که بعدها باب افتتاح جدیدی را در زمینه صنعت توریسم بین ایران و کشورهای خارجی، به‌خصوص کشورهای اروپایی گشود.

تاریخ مختصری از خیابان میرزا کوچک خان

جنگلی در بخش شمالی خیابان ۳۰ تیر

در تاریخ مدون بلدیة تهران آمده است که اراضی شمالی خیابان شاه (جمهوری اسلامی فعلی) تا سالیان متمادی در زمان قاجاریه (حد فاصل خیابان فردوسی و خیابان حافظ) متعلق به دو قدرت بزرگ سیاسی آن زمان، یعنی بریتانیای کبیر (انگلستان) و دولت روسیه تزاری (اتحاد جماهیر شوروی سابق) بوده است. در اوائل دهه ۱۲۴۰ خورشیدی، بر سر مالکیت این اراضی، بین سُفرای انگلستان و روسیه، اختلافات و درگیری‌های شدیدی بروز می‌کند که چندین سال بطول می‌انجامد. پس از مدتی با ورود بلدیة تهران به این قائله، بخش جنوبی این اراضی که قسمتی از آن (بخش غربی) که متعلق به دولت روسیه تزاری بود به بلدیة تهران فروخته شده و در نهایت جدال بین دولت‌های انگلستان و روسیه، پایان می‌پذیرد. در بخش شمالی خیابان جمهوری (حد فاصل خیابان قوام السلطنه تا خیابان چرچیل) خیابانی توسط بلدیة وقت ایجاد و ساخته می‌شود که با نظر سفیر روسیه به نام خیابان پطر کبیر، یکی از امپراتوران و سلاطین دولت روسیه تزاری نامگذاری گردید، (به سال ۱۲۵۱ خورشیدی) و در بخش شرقی این اراضی نیز خیابان دیگری به نام خیابان بریتانیای کبیر ایجاد شد که اراضی روسیه و انگلستان را به‌طور کامل از یکدیگر جدا می‌کرد که بعدها به نام خیابان لندن معروف و در نهایت به نام خیابان بابی ساندز معروف شد. توضیح این که تا سال ۱۳۶۰ (بعد از انقلاب)، نام پطر کبیر بر روی خیابان شمالی امتداد خیابان قوام السلطنه باقی ماند و پس از آن به نام خیابان میرزا کوچک خان جنگلی معروف شد.

عنوان فرد تأسیس کننده کنیسای مذکور ذکر شده است که این موضوع کاملاً خلاف واقع بوده و در حقیقت از موسسان کنیسای تاریخی حیییم، می توان به نام مرحوم اسحاق صدق اشاره کرد که در سال ۱۲۹۲ خورشیدی پس از خروج کلیمیان از محدوده بازار قدیم تهران (محلۀ عودلاجان و سرچال)، اقدام به خرید قطعه زمینی در محدوده خیابان قوام السلطنه (سی تیر) نمود و در واقع کنیسایی که در آن زمین احداث شد، اولین کنیسا و عبادتگاه مذهبی کلیمیان پس از خروج و کوچ از محله قدیمی کلیمیان در محدوده خیابان سیروس (مصطفی خمینی فعلی) بوده است.

لازم به توضیح می باشد که این کنیسا در حال حاضر به **موزه ملی کلیمیان ایران** تبدیل و در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۸۴ خورشیدی به شماره ۱۳۵۶۶ توسط سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

اماکن موجود در طول مسیر و محدوده خیابان سی تیر

موزه ایران باستان، محدوده باغ ملی، مدرسه علمیه مجدالدوله در محدوده بیمارستان سینا، وزارت امور خارجه، هنرستان ماندگار صنعتی تهران (آرت ایران و آلمان)، کلیسای انجیلی حضرت پطروس، کنیسای تاریخی حیییم و موزه ملی کلیمیان ایران (تأسیس به سال ۱۲۹۲ خورشیدی توسط مرحوم اسحاق صدق)، موزه آبگینه و سفالینه، پاساژ و بازار قدیمی نوبهار در ۳ طبقه (تأسیس در اوایل دهه ۱۲۷۰ خورشیدی توسط مرحوم اسحاق صدق که اولین ساختمان بلند مرتبه تهران در زمان خود به شمار می رفت)، کلیسای آرتدکس (حضرت مریم مقدس) در محدوده خیابان میرزا کوچک خان جنگلی، آتشکده آدریان زرتشتیان، انجمن زرتشتیان تهران و دبیرستان فیروز بهرام تهران.

تاریخچه خیابان قوام السلطنه (سی تیر)

خیابان طویلی که از سمت خیابان سپه (امام خمینی) آغاز می شود و تا تقاطع خیابان جمهوری اسلامی و میرزا کوچک خان جنگلی ادامه دارد، امروزه به نام خیابان سی تیر (یا خیابان ملل) شهرت دارد و در حقیقت می توان گفت که یکی از قدیمی ترین خیابانهای پایتخت محسوب می شود. در اوایل تأسیس این خیابان، به دلیل وجود مریضخانه ای که در جنوبی ترین بخش آن وجود داشت (که بعدها به نام بیمارستان سینا شهرت یافت)، به خیابان مریضخانه (در نزد عوام) شناخته می شد، اما بعدها به دلیل وجود خانه قوام السلطنه در آن، این خیابان به نام قوام السلطنه تغییر نام داد. پس از مدتی در روز ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ شمسی به دستور آیت اله کاشانی، جهت سرنگونی دولت قوام، مردم به خیابانهای تهران ریختند و همین واقعه تاریخی مبنای تغییر نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی گردید. با توجه به اینکه مرحوم آیت اله کاشانی، رهبر مذهبی قیام سی تیر بر علیه کابینه قوام السلطنه بود و تاریخ درگذشت ایشان ۲۳ اسفندماه ۱۳۴۰ خورشیدی بوده، بعد از گذشت ۱۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۶۷، به پاسداشت مقام روحانی مرحوم آیت اله کاشانی طی جلسه ای در شهرداری تهران، خیابان قوام السلطنه دقیقاً در بیست و هفتمین سالگرد درگذشت آن مرحوم، به خیابان سی تیر تغییر نام داد.

تصحیح و اصلاح یک اشتباه در اینترنت و فضای

مجازی در مورد مؤسس کنیسای حیییم کلیمیان

متأسفانه در سالهای اخیر در برخی پایگاههای اینترنتی و سایت های خبری، نام مؤسس کنیسای حیییم کلیمیان که در واقع یکی از ارکان و مکانهای بسیار مهم در محدوده گذرگاه ادیان توحیدی محسوب می گردد، نام سلیمان حیییم (مؤلف کتاب لغتنامه یا دیکشنری حیییم) به



نمای اصلی بنای کنیسای تاریخی حئیم به همراه ورودی آن .



نمایی از ساختمان موزه ایران باستان در ابتدای خیابان سی تیر (تقاطع خیابان سپه - امام خمینی) .



حیاط مدرسه علمیه مجد الدوله تهران در محدوده بیمارستان سینا . تاسیس به سال ۱۳۰۲ شمسی .

پایان سخن

درست است که احمد قوام السلطنه، از خدمتگزاران زمان قاجار و حکومت های پهلوی اول و دوم بود، اما تفکری ماندگار و شگرف در زمینه اتحاد و وحدت رویه بین ادیان توحیدی که همانا ایجاد خیابان سی تیر (گذرگاه ادیان) از خود بجای گذاشت که پس از گذشت یک قرن و اندی همچنان پابرجاست و جزء مهمی از جاذبه های مذهبی و گردشگری و وحدت ادیان الهی در پایتخت کشور کهن ایران زمین به شمار می آید. باشد که نسل های آینده با بهره گیری از تجارب ذی قیمت نسل فعلی از این گنجینه ماندگار تاریخی و مذهبی به طور کافی و وافی بهره برداری درست و شایسته را بنمایند. ■

(با تشکر و سپاس فراوان از آقای آلبرت صدق، مسئول کنیسای حئیم و موزه ملی کلیمیان ایران بابت همکاری صمیمانه ایشان در نگارش این مقاله)



بخش جایگاه تورات مقدس (هخال) کنیسای حئیم کلیمیان .



آتشکده آدریان ، انجمن زرتشتیان تهران و دبیرستان فیروز بهرام
زرتشتیان تهران واقع در خیابان میرزا کوچک خان جنگلی .



کلیسای تاریخی آرامنه
(کلیسای انجیلی پطروس مقدس)



موزه تاریخی (آبگینه و سفالینه) در بخش شمالی خیابان سی تیر
- پائین تر از خیابان جمهوری .



کلیسای آرامنه ارتدوکس (مریم مقدس) - واقع در بخش شمالی
خیابان سی تیر (خیابان میرزا کوچک خان جنگلی) .

منابع

- ۱- مقاله خیابان سی تیر و گذرگاه ادیان (نوشته الهام مؤدب- شماره ۵۰ نشریه افق بینا
 - ۲- خاطرات سیاسی قوام السلطنه (غلامحسین میرزا صالح)
 - ۳- احمد قوام السلطنه در آئینه تاریخ (از مشروطه تا ۱۳۲۰ ه.ش) نوشته فاطمه تقوی زاده
 - ۴- ناگفته‌هایی از دوران نخست‌وزیری احمدقوام‌السلطنه (دکتر باقر عاقلی)
 - ۵- تاریکخانه تاریخ (احمد قوام، جادوگر سیاست ایران) نوشته محمد ناطقی، الیاس گرجی، مجتبی شهرآبادی
 - ۶- در تیررس حادثه (مروری بر زندگی سیاسی قوام السلطنه) نوشته حمید شوکت
 - ۷- بولتن آرشیو مرکزی روزنامه اطلاعات (تیرماه ۱۳۴۵ و مهرماه ۱۳۴۷ خورشیدی)
 - ۸- از بلدیة تا شهرداری تهران (مهندس محمدرضا حسن بیگی)
- ۹- <https://fa.wikipedia.org>

گویش کلیمیان و لئای عاوون کار



لئا دانالی

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان

در فارس جمعیت قابل توجهی داشته‌اند و شمارشان به ۱۰۰۰۰ می‌رسیده و حتی والی برخی شهرهای شیراز به لطف سعدالدوله وزیر یهودی دوره ایلخانی یهودی بوده‌اند. در روزگار صفویان، هم جمعیت‌های یهودی در فارس از شهرهای جهرم، لار و شیراز گزارش شده‌اند.

اطلاع تامل بر انگیز دیگری که از برجیان می‌یابیم وضعیت امروز یهودیان شیراز است که در سده‌های اخیر که جامعه یهودیان شیراز، با همه فراز و فرودهایش، یکی از نیرومندترین و بادوام‌ترین جوامع یهودی در سرزمین پارس بوده. در دوره معاصر هم با فاصله بزرگترین جامعه یهودیان در سرزمین پارس بوده است (بیش از ۱۴۰۰۰ تن) و روزگاری نزدیک به یک پنجم جمعیت شیراز را دربرداشته است. این جامعه با اصلاحات رضاخانی از محله بیرون زده و در همسایگی غیریهودیان ساکن شده، در همین دوره است که کوچ ایشان به تهران شروع شده و از آنجا به دیگر جای های جهان تا اینکه بعد از انقلاب جمعیت قابل توجهی از یهودیان شیرازی در آمریکای شمالی ساکن شدند. و البته نمی‌دانم شیراز و وضع بی‌مثالش را یافتند یا هنوز دل‌تنگند؟

چنان جمعیت یهودیان شیرازی ساکن در خارج از ایران از جمعیت داخلی پیشی گرفته که دکتر برجیان تحقیقاتش را بر پایه داده‌های ۴۰۰۰ تن از یهودیان پراکنده شیرازی ساکن در نیویورک و پیرامون آن مخصوصاً بروکلین گردآوری کرده.

برجیان گزارش داده که «در بروکلین هفت کنیسه منحصر به شیرازی‌ها دارند. بیش از هزار یهودی شیرازی که در روستای گریت‌نک (Great Neck) زندگی

گویش کلیمیان از جمله گویش‌های ایرانی است که در برهه‌های مختلف از جانب زبان‌شناسان و ایران‌شناسان و پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته به سبب آنکه بکر بوده و بسیاری از ویژگی‌های زبان پهلوی را در خود حفظ کرده. در خلال پژوهش در این گویش‌ها می‌توان کلیدی برای یافتن دیگر معماهای زبانی پیدا کرد و البته ایران و ایرانی را بهتر شناخت پژوهشگران نامداری چون احسان یارشاطر، ایران کلباسی و ... در این زمینه پژوهش‌هایی داشته‌اند. از هم‌کیشان خودمان هم که دغدغه فرهنگ و زبان یهودیان ایرانی را داشته‌اند خدایامرز آقای ایوب ابراهیمی کتابی راجع به گویش یهودیان اصفهان در امریکا منتشر کرده‌اند و اشکنک یوسف ستاره شناس سال‌هاست که در این زمینه ویدئو و صدا ضبط کرده و با همکاری دیگرانی چون بیژن آصف، آمرزیده ایرج یگانه و ... فرهنگ لغات همدانی و اصفهانی و شیرازی و ... را در سایتش ارائه داده اما تنور پژوهش در این زمینه همچنان گرم است از جمله آقای حبیب برجیان اخیراً مقاله‌ای درباره گویش یهودیان شیراز منتشر کرده‌اند که بیشتر گویش‌ورانشان در گروه‌های پراکنده بیرون از ایران زندگی می‌کنند. برجیان به‌جز اطلاعات زبانشناسی دقیقی که حاصل پژوهش‌اش است می‌دهد مثل جایگاه جغرافیایی و دسته این گویش و همانگی‌اش با گونه‌های بومی روستایی رایج در فارس. و اینکه یهودی-شیرازی در سده پانزدهم میلادی را بازمانده‌ای تک‌افتاده از زبان شیرازی میانه فرض می‌کند. و در نهایت نتیجه می‌گیرد که یهودی-شیرازی یک‌راست از گویش شیراز/کازرون میانه برآمده است. همین‌طور می‌فهمیم که یهودیان از سده‌های میانه

کرده‌اند تشکر فراوان کرده.

دو مقاله‌ای که ذکرش رفت به زبان انگلیسی و با رتبه علمی پژوهشی در یکی دو سال اخیر منتشر شده‌اند. ترجمه مقاله دکتر برجیان در مقدمه لغات شیرازی سایت 7dorim هم موجود است.

اطلاعات علمی که این مقالات می‌دهند بسیار ناب است اما در حیطة گفتار من نیست. آنچه از این مقالات ذهنم را به خود مشغول می‌کند کلمه درحال انقراض و منقرض شده است و می‌دانید ماجرای گویش در ذهن من و دنیای من به کلی متفاوت است. در هر گویش و زبانی راه ارتباط فقط نوع ادا کردن کلمات و لغاتی که در آن به کار می‌رود نیست. از طرز راه رفتن و لباس پوشیدن و حتی نگاه کردن می‌تواند در ذهن من صدایی شبیه گویش ایجاد کند که فقط من و شما همکیشان عزیزم قادر به درک آن هستیم.

مثلا صبح شبات همسر عزیزم به کنیسای محله رفته و من هم که او را همراهی نکرده‌ام برای قدم زنی و هواخوری راهی میدان نقش جهان شده‌ام. یکی دو دور که دور میدان زده‌ام خسته شده‌ام. احساس می‌کنم فشارم پایین افتاده. بنابراین با کیف رودوشی کوچکی که تمام مسیر در روز شبات آن را با خودم حمل کرده‌ام به بقالی کنار میدان مراجعه می‌کنم و یک بسته پفک نمکی غیر کاشر ایتیان می‌کنم که درجه عاون را تا ضریب ۴ (حمل و نقل در روز شبات، خرید در روز شبات، پفک غیر کاشر، نرفتن کنیسا با همسر) بالا برده‌است. بعد کنار میدان روی نیمکت چوبی می‌نشینم و مشغول خوردن پفک می‌شوم. در همین حین که بخارات نارنجی لب و دهانم را فراگرفته، همکیش صالحی که پای پیاده دارد از کنیسای محله برمی‌گردد شبات شالم قرص و محکمی تقدیم حضورم می‌کند. هر زبان شناسی در هر فرهنگ لغتی شبات شالم را معادل سلام روز شنبه می‌گذارد، اما فقط یک همکیش درک می‌کند که این شبات شالم در ذهن من البته برابری می‌کند با شرم بر تو باد ای لثای عاون کار و لازم به ذکر

می‌کنند، کنیسه را با دیگر یهودیان پارسی به اشتراک می‌گذارند. ایشان زبان خودشان را Judi "یهودی" و maaley "محلای" می‌خوانند. در نیویورک، یهودی-شیرازی یک زبان نزدیک به نابودی است که تنها در میان پیران و تنها در خودمانی‌ترین شرایط به کار می‌رود.»

... و خانم دکتر سالومه غلامی هم راجع به گویش یهودیان همدان مقاله‌ای منتشر کرده‌اند. ویژگی‌های متمایز گویش یهودی همدانی را بررسی کرده‌اند. طبق گزارش او در ۱۹۰۳، پنج‌هزار یهودی در همدان ساکن بوده‌اند اما تا امروز تعداد ایشان به سه خانواده و ۹ نفر کاهش یافته. خانم غلامی به عنوان آخرین بازمانده با آقای نجات رصد که هفتاد و اندی ساله‌اند و ساکن همدان و از معلمان بازنشسته و اکنون حزان زیارتگاه استر و مردخای هستند مصاحبه کرده و همچنین آقای بیژن آصف هم که معرف حضور همگان هستند و نامشان در بین اعضای انجمن تهران می‌درخشد از دیگر مصاحبه شوندگان ایشان بوده‌اند. به قول خانم غلامی که پژوهش‌شان را در ۲۰۱۷ شروع کرده‌اند، اکثر بناهای یهودیان همدان مثل مدرسه آلیانس و حمام و کنیسا و قصابی دیگر رها شده و فعالیتی ندارند. و به سختی می‌شد یهودی همدانی و گویش‌ور یهودی‌همدانی پیدا کرد. در حقیقت گویش یهودی همدانی را می‌توان جزو گویش‌های منقرض شده در شمار آورد. و البته جز قلت جمعیت این انقراض دلیل دیگری هم دارد و اینکه یهودیان همدانی دیگر گویش خود را به عنوان زبان مادری یا زبان نخست به فرزندانشان نمی‌آموزند و این میراث در دل و زبان سالخوردگان دفن می‌شود. البته اینکه چرا یک گویش به عنوان زبان اول و مادری هم انتخاب نمی‌شود دلایل و انگیزه‌های گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. دکتر غلامی بر گویش یهودیان یزد هم پژوهش کرده و حاصل آن را در قالب همین مقاله پژوهشی منتشر کرده. در پانوشت مقاله از انجمن کلیمیان تهران، دکتر حاخام حمامی‌لاله‌زار و دیگر گویش‌ورانی که با او همکاری

داشت را برایتان می‌آورم:

شیفرا و روقا بعد از فوت پدر و مادرشان ازدواج نکرده بودند و در خانه دراندشت پدری که حیاط مرکزی داشت در معیت خانواده برادرشان که زن و بچه داشت زندگی می‌کردند. از ارث پدری آنقدر مانده بود که دست جلوی کسی دراز نکنند و مایه معاش چنان نبود که به کاری مشغول شوند. یکی از سرگرمی‌ها و وظایفشان نظارت بر کردار و رفتار زن برادرشان بود که بسیار خون در جگرشان ریخته بود و اصلا ناخوش احوالشان کرده بود، دچار دل‌درد شده بودند و به طبیب محتاج، از قضا دکتر محله اسحاق-پور از همکیشان بود و از کثرت رفت و آمد دو خواهر به مطبش به عجز آمده بود. بار آخری که برای دل‌درد به مطب رفته بودند خودشان به سنگ کلیه مشکوک شده بودند و دکتر اسحاق‌پور هم شک را تایید کرده و گفته بود احتمالا ذرات سیمان یا شن خورده‌اید که به این روز افتاده‌اید و باید در غذا خوردن بیشتر ملاحظه کنید. خواهران که بی‌کس و یتیم بودند زار و نالان کشان کشان خود را به خانه‌ی محترم خانم که سنگ صبورشان بود رسانده بودند و چنین شکایت آورده بودند که: «جن بزارم سیمتس بریته تو خورا کمون».

محترم خانم هم انگشت وامصیبتا به دندان گزیده و بر بیچارگی این خواهران غریب می‌موید و می‌گوید: «جیگرم خین بیا.»

در نهایت می‌دانم که حال روزگار همیشه یکسان نیست، همه اقوام همیشه پابرجا نبوده‌اند و تغییر و مهاجرت و سیر تحول و شاید پویایی یک جامعه را به ما نشان می‌دهد، اما باز هم با کاربرد گویش منقرض شده برای جودو-همدانی و در حال انقراض برای جودو-اصفهانی و شیرازی انگار کمی راه گلویم گرفته باشد و دندان‌هایم بی‌آنکه بفهمم می‌سایند. نمی‌دانم هیچ پژوهش‌گر دیگری وقتی راجع به گویش درحال انقراض می‌کاود دندان‌هایش را به هم می‌فشرد؟ ■

است این معنایی است که در ذهن من دارد و احتمالا در ذهن گوینده معنای دیگری دارد که من از آن بی‌خبرم. این موضوع به همین‌جا ختم نمی‌شود. در روز تعطیل در خیابان جلفا مشغول قدم زدنم که نحوه راه رفتن افتان و خیزان پسری خوش قد و بالا که شانه‌هایش کمی افتاده‌اند و شلوار چسبان مشکی به پا دارد توجه‌ام را به خود جلب می‌کند. دقیق‌تر می‌شوم آقا اسحاق خودمان است که در کنار دختر خانمی زیبا و خوش‌تیپ قدم می‌زند که گویا از همکیشانمان نیست (اگر چه اگر همکیش هم بود در کلیت ماجرا تفاوتی به وجود نمی‌آورد). من همچنان توجه‌ام جلب این منظره است چیزی نمی‌گویم اما اختیار از کف داده و خیره مانده‌ام، اسحاق از دور متوجه حضور من می‌شود و مثل گربه‌ای که رد بویی شیمیایی که نباید را در محدوده‌اش حس کرده باشد موهای بدنش سیخ شده شانه‌هایش راست شده‌اند و به سرعت در معیت بانوی زیبا در کوچه پس‌کوچه‌ها گم می‌شوند. این هم نمونه‌ای دیگر از مکالماتی است که فقط ما همکیشان درکش می‌کنیم با این‌که کلامی در آن رد و بدل نمی‌شود و عسلا (أصلا) در واژه‌نامه‌ها نمی‌گنجد. از همه جا بی‌خبر برای خرید پوشاک اتفاقا به مغازه همکیشی رفته‌ام که نمی‌دانسته‌ام همکیشیم، بعد از کمی کند و کاو و پسند وارد مرحله چانه زنی می‌شوم که مغازه‌دار می‌گوید شما بن‌عبری هستید؟ خود این سوال در موقعیت‌های مختلف (مجرد بودن یا متاهل بودن و ...) چندین معنی دارد که این هم باز قابل روایت در واژه‌نامه‌ها نیست. جز این‌ها نوای حگ سامیخ، ایلانوت مبارک و... که در موعدهای مختلف وقتی بی‌حواس از کوچه رد می‌شوی بسیار دلچسب و دلگرم‌کننده است که معنایش فقط تبریک نیست.

بسیارند از این موارد که حتما نزد شما هم کم نیست. حتما همه ما از کودکی داستان‌هایی از پدربزرگ و مادربزرگ خاله و دایی و ... شنیده‌ایم که جز گویش حرف‌های نگفته بسیاری از شرایط و طرز فکر و یهودیان هر استان دارند. مثلا این یکی که برایم طنزهای خاصی



آشنایی با مشاهیر یهودی جهان «پل نیومن»

گردآوری: نیهوشا پایاب

زندگی‌نامه

پل لئونارد نیومن ۲۶ ژانویه سال ۱۹۱۵ در کلیولند اوهایو متولد شد. پدرش آلمانی و مادرش مجارستانی بود. پل لئونارد نیومن Paul Leonard Newman بازیگر برنده جایزه اسکار و کارگردان آمریکایی و انسان‌دوست و دوست‌دار مسابقات اتومبیل‌رانی بود. پل نیومن جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای ایفای نقش در فیلم رنگ پول در سال ۱۹۸۷ بدست آورد.

این سوپرستار خوش‌چهره که با موی سفید هم همچنان به دل بردن از مخاطبان مشغول بود، قصد بازنشستگی نداشت و درست سال بعد از آن اسکار افتخاری، با بازی درخشانش در رنگ پول اسکورسیزی، در هشتمین نامزدی به این جایزه رسید.

البته این پایان کار نبود و دو بار دیگر هم در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳ نامزد این جایزه شد تا تعداد نامزدی‌هایش دورقمی شود. و تمام این‌ها بخشی از افتخارات پل لئونارد نیومن است او برنده شش جایزه و نامزد هشت جایزه دیگر گلدن گلوب، برنده یک جایزه و نامزد سه جایزه دیگر امی، برنده یک جایزه و نامزد چهار جایزه دیگر بفتا، برنده خرس نقره‌ای بازیگری جشنواره برلین، و برنده جایزه بهترین بازیگر مرد و نامزد دو نخل طلای جشنواره کن (در مقام کارگردان) و ده‌ها جایزه و نامزدی دیگر است.

پل نیومن در ۲۶ سپتامبر سال ۲۰۰۸، بعد از مدتی مبارزه با بیماری سرطان ریه در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

با آغاز جنگ جهانی دوم پل دانشکده را رها کرد و به نیروی دریایی پیوست و به عنوان بی‌سیم‌چی ناوگان دریایی به خدمت پرداخت. اما در سال ۱۹۴۶ و با پایان جنگ نیومن در کالج کانیون ثبت نام کرد و برحسب عادت همیشگی به عضویت تیم فوتبال کالج درآمد.

بعد از فارغ التحصیلی از کالج، پل نیومن به مدرسه درام بیل رفت و یک سال در آنجا به فراگیری بازیگری پرداخت. او سپس به نیویورک رفت و به آکتورز استودیو پیوست. پل تحت تعلیم استراسبرگ تئورسین بزرگ سینما قرار گرفت.

استراسبرگ معتقد بود که نیومن استعداد بازیگری شگرفی دارد و می‌تواند به بازیگری هم اندازه مارلو براندو مبدل شود. اما بنا به نظر استراسبرگ متاسفانه پل نیومن بیش از حد زیبا بود و همین موضوع باعث می‌شد که بیش از آن که از استعدادش استفاده کند، دیگران را مجذوب زیبایی ظاهریش کند.

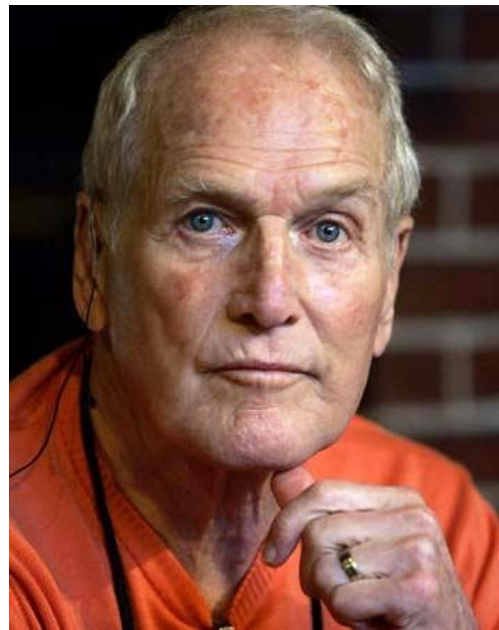
خانواده وی مرفه بود و پدرش تاجری موفق در زمینه فروش لوازم ورزشی بود. در دوران کودکی کمتر کسی از اعضای خانواده گمان می‌کرد که پل در آینده به بزرگترین بازیگر سینما در عصر خود بدل شود. مادرش معتقد بود که پل چهره مناسب و فیزیک دوست‌داشتنی‌ای دارد و ممکن است بتواند به عنوان مدل در آینده کاری پیدا کند.

اما پدرش معتقد بود که پل می‌بایست تجارت خانوادگی را ادامه دهد. پدرش ریشه‌ای آلمانی - یهودی داشت و مادرش یک ایرلندی کاتولیک بود. پل در دوران کودکی به فوتبال آمریکایی علاقه‌مند شد و مطمئن بود که در آینده یکی از قهرمانان مطرح و موفق این رشته خواهد شد.

هنگامی که پدرش از او خواست در دانشکده به رشته اقتصاد بپردازد، پذیرفت. اما اگر چه در این رشته با جدیت به مطالعه پرداخت و به نظر دانشجوی موفق می‌آمد ولی نتیجه امتحانات رضایت‌بخش نبود و خیلی زود همه فهمیدند که او به درد این رشته نمی‌خورد.

جام نقره‌ای - ۱۹۵۴، کسی آن بالا مرا دوست دارد! / شکنجه - ۱۹۵۶، داستان هلن مورگان / تا وقتی کشتی راه بیفتد - ۱۹۵۷، تابستان گرم طولانی / گربه روی شیروانی داغ / پسرها دور پرچم جمع شوید! - ۱۹۵۸، فیلادلفیایی‌های جوان - ۱۹۵۹، از تراس - ۱۹۶۰، خروج - ۱۹۶۰، بیلیاردباز / نغمه‌های پاریسی - ۱۹۶۱، پرنده شیرین جوانی / ماجراهای یک مرد جوان - ۱۹۶۲، هاد / نوع تازه‌ای از عشق / جایزه - ۱۹۶۳، چه راهی برای رفتن! / تجاوز - ۱۹۶۴، لیدی ال - ۱۹۶۵، جنگ مخفی هری فریگ - ۱۹۶۸، پیروزی / بوچ کسیدی و ساندنس کید - ۱۹۶۹، دبلیو. اس ای - ۱۹۷۰، گاهی پنداری بزرگ / روزگاری پشت فرمان - ۱۹۷۱، پول توجیبی / زندگی و دوران قاضی روی بین - ۱۹۷۲، مامور مکینتاش / نیش - ۱۹۷۳، آسمانخراش جهنمی - ۱۹۷۴، استخر غرق‌کننده - ۱۹۷۵، بوفالو بیل و سرخ‌پوستان - ۱۹۷۶، ضربه محکم - ۱۹۷۷، گروه پنج‌نفره - ۱۹۷۹، وقتی که زمان به آخر رسید - ۱۹۸۰، برانکس، قلعه آپاچی / بدون سوءنیت - ۱۹۸۱، همراه من بیائید / رأی نهایی - ۱۹۸۲، هری و پسرش - ۱۹۸۴، رنگ پول - ۱۹۸۶، مرد چاق و پسر کوچولو / بلیز - ۱۹۸۹، آقا و خانم بریج - ۱۹۹۰، کلاسی به سبک آمریکایی - ۱۹۹۳، وکیل مدافع هادساکر / فریب نمی‌خورم - ۱۹۹۴، گرگ و میش - ۱۹۹۸، پیامی در بطری - ۱۹۹۹، جایی که پول هست - ۲۰۰۰، سال‌های پر اشتباه - ۲۰۰۱، جاده پردیشن - ۲۰۰۲، شهر ما - ۲۰۰۳.

در سال ۱۹۹۹ نیز فیلم پیامی در بطری ساخته کوین کاستنر از او به نمایش درآمد که چندان موفق نبود. تنها فرزند پسر او در سال ۱۹۷۸ به علت استفاده بیش از حد مواد مخدر درگذشت. وی از همسر اول خود دو دختر و یک پسر دارد که پسرش فوت کرد و از همسر دوم صاحب سه دختر است. ■



پل برای اولین بار در سال ۱۹۵۳ در یک نمایش به نام پیک نیک در برادوی ظاهر شد و بعد از این نمایش بود که با کمپانی برادران وارنر قراردادی امضا کرد و اولین بار با فیلم جام نقره‌ای در سال ۱۹۵۴ وارد عالم هنر هفتم شد.

در آن سال‌ها مارلون براندو شاخص‌ترین چهره بازیگری آمریکا و حتی جهان بود اما اصول حرفه‌ای خود را داشت و حاضر نبود در هر فیلمی بازی کند به همین خاطر تهیه‌کنندگان به دنبال چهره‌ای شبیه او بودند تا بتوانند جایگزین براندویش کنند.

او همچنین تهیه‌کنندگی و کارگردانی چندین فیلم سینمایی را نیز برعهده داشته است که از آن جمله می‌توان به فیلم راشل راشل (۱۹۶۸) اشاره کرد که در آن از همسرش جوان وود وارد در نقش اول بهره برد.

از دیگر فیلم‌های او می‌توان به تاثیر اشعه گاما بر روی گل‌های کاملیا اشاره کرد. فیلم راشل راشل نامزد دریافت اسکار بهترین فیلم نیز گردید. پل نیومن در دهه هشتاد و نود بسیار کم کار شد و مهمترین فیلم او در دهه هشتاد رنگ پول بود که در کنار تام کروز برگشتی باشکوه به پرده نقره‌ای را تجربه کرد.

برخی از آثار هنری پل نیومن :

منابع

- ۱- سایت Seemorgh.com
- ۲- سایت همشهری ۶ مهر ۱۳۸۷

دو یهودی در میان برندگان جوایز نوبل سال ۲۰۲۱



مهندس آرشد آبائی

مدرس و محقق در موزه‌ی یهودیت

هر سه برنده جایزه نوبل اقتصاد در مراکز پژوهشی آمریکا فعالیت می‌کنند.

هر سه پژوهشگر در عرصه اقتصاد ناظر بر بازار کار فعالیت داشته و به «روابط علت و معلولی» در این بازار پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه، به رابطه علت و معلولی بین مهاجرت و تاثیر آن بر دستمزد و همچنین سطح اشتغال در یک کشور. جاشوا دیوید انگریست متولد سال ۱۹۶۰ در خانواده ای یهودی در اوهایو است. این استاد موسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی) در بین اقتصاددانان برتر جهان، به عنوان صاحب‌نظر در زمینه‌هایی همچون اقتصاد کار، اقتصاد شهری و اقتصاد آموزش شناخته می‌شود و به دلیل استفاده از طرح‌های تحقیقاتی شبه‌تجربی، مانند متغیرهای ابزاری، برای مطالعه تاثیر سیاست‌های عمومی و تغییرات در شرایط اقتصادی یا اجتماعی معروف است. او یکی از بنیان‌گذاران و مدیر مشترک «موسسه بررسی اثربخشی و نابرابری» دانشگاه ام‌آی‌تی است. انگریست در سال ۱۹۸۹ دکترای خود را از دانشگاه پرینستون دریافت کرد و پس از اتمام دوره دکترا به عنوان دانشیار به دانشگاه هاروارد رفت. او در سال ۱۹۹۶ به دانشگاه ام‌آی‌تی پیوست و در سال ۱۹۹۸ به درجه استاد تمامی ارتقا یافت. ■

منابع

- 1- Isna.ir
- 2- DW.com
- 3- https://en.wikipedia.org/wiki/David_Julius
- 4- https://en.wikipedia.org/wiki/Joshua_Angrist

۵- دنیای اقتصاد - ۱۴۰۰/۷/۲۰

دیوید جولیوس (David Julius) و جاشوا دیوید انگریست (Joshua Angrist) هر دو دانشمندانی یهودی از آمریکا هستند که به ترتیب در رشته‌های پزشکی و اقتصاد به‌طور مشترک با پژوهشگرانی دیگر برنده جایزه‌های نوبل ۲۰۲۱ شدند.

جایزه نوبل پزشکی (David Julius)



دیوید جولیوس و آردم پاتاپوتیان موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی ۲۰۲۱ شدند. عرصه کار این دو پژوهشگر حسگرهای طبیعی بدن است. این دو زیست‌شناس مولکولی موفق به کشف دریافت‌های حسی بدن در برابر محرک‌های بیرونی شده‌اند.

دیوید جولیوس در چهارم نوامبر سال ۱۹۵۵ در نیویورک در خانواده‌ی یهودی و روس تبار به دنیا آمد. وی زیست‌شناس و استاد دانشگاه کالیفرنیا، سان‌فرانسیسکو است. موسسه کارولینسکا در استکهلم، پایتخت سوئد، روز دوشنبه چهارم اکتبر (۱۲ مهر) خبر انتخاب این دو زیست‌شناس مولکولی را به عنوان برندگان جایزه نوبل پزشکی اعلام کرد. گفته می‌شود که کشف این دو دانشمند می‌تواند در درمان بسیاری از بیماری‌ها و از جمله درمان دردهای مزمن موثر واقع شود.

جایزه نوبل اقتصاد

(Joshua Angrist)



برندگان جایزه نوبل اقتصاد سال جاری عبارتند از دیوید کارد، جاشوا انگریست و گیدو ایمبنس.

بیمارستان دکتر سپیر مهم است چون تخت جمشید مهم است



مرجان یشایبی

(روزنامه‌نگار و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی)



این که شکل مدیریت بیمارستان باید چگونه باشد، منابع مالی آن از کجا تامین شود یا بیمارستان باید چطور در مدار پیشرفت‌های علمی شتابان این روزها خود را قرار دهد یا به صورت بیمارستان بماند یا درمانگاه شود، یک بحث تخصصی را می‌طلبد که آنطور که شنیده‌ام و از مصاحبه‌های آقای یوسف ستاره‌شناس با مسئولان بیمارستان و انجمن فهم می‌شود، خوشبختانه در جریان است و باید در جلساتی با حضور کارشناسان بررسی شود، اما هر چه هست، نام پرآوازه بیمارستان دکتر سپیر، پرچم جامعه یهودی است که باید برای همیشه در اهتزاز باقی بماند، چه بیمار یهودی در آن درمان بشود و چه نشود.

در سال ۱۳۲۱ گروهی از یهودیان کنیسه ملا حنینا در محله عودلاجان برای مقابله با بیماری شایع آن روزها، طاعون، و همچنین ترویج بهداشت و پاکیزگی در بین اهالی محله کلیمیان، تصمیم به تأسیس درمانگاه در محل یکی از کنیسه‌های محله عودلاجان گرفتند. مراجعان اولیه بیشتر زنان یهودی بودند که فرزندان خود را به دلیل مشکلات آب آشامیدنی به این درمانگاه می‌بردند. به تدریج

بیمارستان دکتر سپیر فعلی یا آن‌طور که پیش از انقلاب نام داشت، کوروش کبیر، فعالیت‌های درمانی خیریه خود را با نام درمانگاه کانون خیرخواه در خیابان مصطفی خمینی، سیروس سابق، در سال ۱۳۲۱ آغاز کرد. درمانگاه بعدها گسترش یافت و بیمارستان کوروش کبیر نام گرفت. بعد از انقلاب نام این مجموعه به دکتر سپیر تغییر کرد.

این که در یکی از کشورهای اسلامی موسسه‌ای یهودی با آن قدمت و گستردگی خدمات درمانی ارائه می‌دهد، بسیار ارزشمند است. صحبت از چند زایمان و پانسمان زخم نیست، بلکه این بیمارستان خیریه تاریخی پشت سر دارد که با حفظ نهاد و ساختمان بیمارستان باید حفظ شود.

هیچ گزارشی داخلی یا خارجی، درباره جامعه یهودی ایران نمی‌توانید پیدا کنید که با نقش پررنگ بیمارستان دکتر سپیر گره نخورده باشد. بیمارستان نماد حضور و زندگی دیرپای ما در این سرزمین است و از منظری به نظرم همانطور که تخت جمشید را باید به عنوان نمادی از تاریخ ایرانی حفظ و مرمت کرد، بیمارستان هم در واقع سمبل ظهور و تحول زندگی یهودیان ایرانی در عصر مدرنیته است که باید حفظ شود. ساختمان‌ها تنها برای سود و زیان و بازدهی حفظ نمی‌شوند. بسیاری از آنها سمبل یک تاریخ و هویت هستند و درست‌یه همان دلیل باید حفظشان کرد.

اما بسیاری از مردم یهودی و متأسفانه برخی مسئولان جامعه با نگاه صرف هزینه فایده مالی به بیمارستان نگاه می‌کنند و با یک استدلال ساده که «حالا که دیگر مردم یهودی از آن بیمارستان استفاده نمی‌کنند، خرجش هم زیاد است، پس جمعش کنیم برو!» موافق یا حتی با کمال تأسف به دنبال بستن بیمارستان هستند.

این که شکل مدیریت بیمارستان باید چگونه باشد، منابع مالی آن از کجا تامین شود یا بیمارستان باید چطور در مدار پیشرفت‌های علمی شتابان این روزها خود را قرار دهد یا به صورت بیمارستان بماند یا درمانگاه شود، یک بحث تخصصی را می‌طلبد که آنطور که شنیده‌ام و از مصاحبه‌های آقای یوسف ستاره‌شناس با مسئولان بیمارستان و انجمن فهم می‌شود، خوشبختانه در جریان است و باید در جلساتی با حضور کارشناسان بررسی شود، اما هر چه هست، نام پرآوازه بیمارستان دکتر سپیر، پرچم جامعه یهودی است که باید برای همیشه در اهتزاز باقی بماند، چه بیمار یهودی در آن درمان بشود و چه نشود. ■

با گسترش درمانگاه، مراجعه بیماران غیریهودی نیز به درمانگاه افزایش یافت. پزشک یهودی روح الله سپیر جزو اولین پزشکان این مجموعه بود که حین مداوای بیماران، خود در اثر بیماری تیفوس در سال ۱۳۲۲ از دنیا رفت. بعد از انقلاب این بیمارستان به یادبود او به نام وی خوانده شد.

بیمارستان با خوشنامی چندین دهه به کار خود ادامه داد و در زمان انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی در مداوای مجروحان تظاهرات ایفا کرد. سازمان اطلاعات دولت محمدرضا شاه پهلوی از تمامی بیمارستان‌ها خواسته بود که در صورت مراجعه انقلابیون به ساواک گزارش ارسال کنند تا آنان دستگیر شوند. بیمارستان کوروش کبیر آن زمان، از معدود بیمارستان‌هایی بود که مجروحان انقلاب را درمان می‌کرد و به ساواک گزارش ارسال نمی‌کرد. از این رو، آیت‌اله خمینی، رهبر انقلاب، شخصاً پس از پیروزی انقلاب نامه تشکری برای مسئولین این بیمارستان ارسال کردند. پس از آن نیز، طی هشت سال دفاع مقدس، بیمارستان دکتر سپیر با تمام امکانات خود امدادرسان و درمانگر رزمندگان ایرانی بود.

اما صد افسوس که درحال حاضر این بیمارستان بیش از دو سال است که تعطیل است.

آنچه در بالا خواندید، معرفی رسمی بیمارستان دکتر سپیر در فضای مجازی است که به آسانی می‌توان به آن دست پیدا کرد، اما بیمارستان طی این نزدیک به ۸۰ سال فعالیت خود، میراث‌دار بسیاری از خاطرات و نماد شخصیت تاریخی یهودیان ایرانی است. نسلی از ما در بیمارستان دکتر سپیر به دنیا آمده و فرزندان خود را نیز در این بیمارستان به دنیا آورده‌اند و تقریباً کمتر پزشک یهودی را می‌بینید که در زمانی کوتاه یا بلند در این بیمارستان خدمت نکرده باشد.

گذشته از آن، بیمارستان که درش به روی هر مراجعی با هر دینی باز بود، کانون امید و درمان و بیمارستانی خوشنام برای مردم منطقه عودلاجان است. همه آنچه که گفتم، از بیمارستان دکتر سپیر نقشی ورای یک کانون درمان می‌سازد.

(Style Life) عامل بسیار تغییر پذیر است. در واقع اگر فردی ژن‌های بروز دیابت را داشته باشد، اما شیوه زندگی خود را اصلاح کند احتمال ابتلا به دیابت بسیار کم می‌شود و برعکس این موضوع نیز صادق است.

تغییر شیوه زندگی برای پیش‌گیری از دیابت

دو اصل اساسی در اصلاح شیوه زندگی برای پیش‌گیری از دیابت وجود دارد، اول کاهش کالری دریافتی و دوم افزایش کالری مصرفی، تمامی برنامه‌های پیش‌گیری از دیابت و حتی کنترل دیابت بر اساس این دو اصل تنظیم می‌شود.

به طور کلی توصیه بر فعالیت بدنی متوسط تا شدید به مدت ۳۰ دقیقه در روز و حداقل ۵ روز در هفته شدیداً توصیه می‌شود. البته این توصیه در جلوگیری از چاقی، جلوگیری از بیماری‌های قلبی و کنترل چربی‌های خون نیز موثر است، مسلماً مدت طولانی‌تر و یا فعالیت ورزشی حرفه‌ای می‌تواند بسیار مفید باشد و این توصیه حداقل میزان فعالیت موثر است.

در مورد کاهش کالری دریافتی اگرچه نمی‌توان برای همه‌ی افراد یک نسخه پیچید اما توجه به نکات زیر می‌تواند مفید و موثر باشد:

- استفاده خوراکی‌های حاوی قندهای ساده مثل شکر به حداقل برسد (شامل انواع شکلات‌های شیرین، تنقلات شیرین و اکثر شیرینی‌جات)
- استفاده از چربی‌ها به حداقل برسد (شامل مواد غذایی سرخ‌کردنی، مواد غذایی پروسس شده مثل سوسیس و کالباس، چربی‌های حیوانی و به میزان کمتر چربی‌های گیاهی)
- کم کردن مواد غذایی حاوی نشاسته (مثل نان، برنج، ماکارونی، سیب‌زمینی و فرآورده‌های حاوی آرد هر کدام از این‌ها)
- کاهش استفاده از گوشت قرمز و پر چرب
- استفاده از سبزیجات و میوه‌ها به صورت روتین در وعده‌های غذایی

در انتها لازم است به این نکته دقت کنید که این روش‌ها، به صورت آماری تاثیر گذاری خود را در کاهش ابتلای افراد به دیابت و بسیاری از بیماری‌های مزمن نشان داده‌اند اما با این حال همچنان ریسک بروز بیماری در بعضی افراد وجود دارد که بهترین روش جهت کنترل بیماری در این افراد تشخیص زودرس و شروع درمان به موقع است که در این مطلب نمی‌گنجد ■

چگونه دیابت

نگیریم به زبان ساده



دکتر آرش آرمین

دیابت یا بیماری قند خون یکی از شایع‌ترین بیماری‌های غیر مسری و همچنین عامل بسیاری از ناتوانی‌ها و مرگ و میر در جهان می‌باشد. طی دو سال اخیر به دنبال شیوع کرونا اکثر بیماری‌های مزمن تحت-الشعاع قرار گرفتند و متأسفانه عوارض این بیماری بسیار بیشتر شده است، از طرفی کم شدن فعالیت‌های بدنی به عنوان یک عامل مهم و تاثیر گذار در ممانعت از بروز دیابت بسیار کمتر از قبل از شیوع کرونا شده و این خود تاثیر زیادی در افزایش مبتلایان به این بیماری خواهد داشت.

دیابت چیست؟

دیابت یک بیماری مزمن است که در آن بدن نمی‌تواند از قند موجود در خون استفاده کند، علت این ناتوانی کمبود انسولین در خون است و یا این‌که علی‌رغم وجود انسولین، سلول‌ها نسبت به آن مقاوم شده و نمی‌توانند از قند خون موجود استفاده کنند.

چرا دیابت به وجود می‌آید؟

برای جواب دادن به این سوال اول باید تفاوت دیابت نوع یک و دو را بیان کنیم. دیابت نوع یک، یک بیماری خود ایمنی است، یعنی به علت نامعلوم سیستم ایمنی نسبت به سلول‌های تولید کننده انسولین (در لوزالمعده) حساس شده و باعث تخریب آنها می‌شود. اما دیابت نوع دو یک بیماری چند عاملی است، یعنی در بروز آن عوامل متعددی از جمله ژنتیک و شیوه‌ی زندگی موثر هستند. تاکنون نزدیک به ۱۰ ژن مستقیم و غیر مستقیم در بروز دیابت نوع دو موثر شناخته شده‌اند.

چگونه دیابت نگیریم؟

در مورد دیابت نوع یک که عموماً در کودکان با سنین کم (معمولاً شروع در دهه اول زندگی) بروز می‌کند متأسفانه پیش‌گیری خاصی وجود ندارد. اما همانطور که مشخص است، عوامل موثر در بروز دیابت نوع دو را می‌توان به دو دسته تغییر پذیر و تغییرناپذیر تقسیم کرد. در حال حاضر توانایی علم پزشکی و ژنتیک برای دستکاری ژن انسان و اصلاح ژن‌های موثر در بروز دیابت بسیار ناچیز است بنابراین ژنتیک را به عنوان عامل تغییرناپذیر در نظر می‌گیریم. اما در مقابل شیوه زندگی

با لطف پروردگار، واکسن آن ویروس، کشف شد. واکسینه شدیم.
از منزل بیرون آمدیم و به سر کار برگشتیم.
اما، توشه‌ای از آن روزها، به همراه داریم.
زنده نگهداشتن امید، در دل‌هایمان، دانستن قدر لحظه به لحظه‌ی زندگی‌مان و استوار نگهداشتن نهال عشق عزیزانمان، در قلبمان.

و این که فراموش نکنیم:
"آری! آری!
زندگی زیباست
زندگی آتشگهی دیرینه پا بر جاست
گر بیفروزش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست
ور نه خاموش است و خاموشی گناه ماست ■

این روزها



شرکان انورزاده

فعال اجتماعی

این روزها، عجیب در فکرم. بیشتر از هر وقت دیگری.
این روزها، عجیب، با دقت‌ترم، بیشتر از هر وقت دیگری.
این روزها، عجیب تند می‌گذرند، بیشتر از هر وقت دیگری.
این روزها، معنای بیشتری دارند، بیشتر از هر وقت دیگری.
این روزها، متفاوت‌ترند، متفاوت‌تر از هر وقت دیگری.
انگار، افکارم، تازگی‌ها متفاوت شده. نوع دیگری شده. با دقت‌تر شده‌ام. در خودم، بیشتر تفحص کرده‌ام. با خودم آشنا تر شده‌ام و همین‌طور، با اطرافیان و جهان هم.

از حدود دو سال پیش، که جهان، تغییر کرد و نوع جدیدی از زندگی را به اجبار تجربه کردیم، دقتم به همه چیز بیشتر شد و همین‌طور، شکرگزاری و قدردانی‌ام.

قدر لحظات ناب زندگی را بیشتر دانستم و عشق و علاقه‌ام، به خانواده، دوستان، عزیزان و همکارانم را بیشتر، احساس کردم.

بیشتر از خداوند، سپاس‌گزار شدم.
سعی کردم بذری امید را در دلم زنده نگهدارم و پرورشش دهم.

چهار فصل سال را به گونه‌ی جدیدی دیدم که هرگز ندیده بودم. به واژه‌های دوستی، محبت، صمیمیت و عشق، دوباره و دوباره فکر کردم و بیشتر سعی کردم که در این روزها، بیشتر محبت کنم و بیشتر عشق بورزم.

سعی کردم شاد باشم و به اطرافیانم شادی ببخشم.
حدود دو سال، که جهان با آن ویروس منحوس، دست به گریبان بود، گذشت.

به یکدیگر، برای گذر از آن روزها، امید دادیم، نوید آمدن روزهای بهتر را دادیم.

خودمان را در منزل سرگرم کردیم. کارهای عقب افتاده‌مان را انجام دادیم و با امیدواری، به انتظار روزهای خوش آینده، نشستیم.

دل تنها

المیرا سعید

هر چه کردم بعد تو با این دل تنگ کسی یار نشد
جز تمنای وصال، به نگاهی دیده بیدار نشد

در این بازار صاحب نام، بسی کاروان‌ها که می‌آمد
در این میانه دگر کس متاع دل تنها را خریدار نشد

زلیخا شد دلم، بیچاره افتاد در چاه غمت
پی یوسف شب و روز کس چو من رسوای این دیار نشد

روزها پی هم، همه شب پر کشید دل در هوای تو
کیوتر نگاهم سر هر بام بهر دانه بی قرار نشد

یاد تو، غبار تنهایی دل بر باد داد
دل دیوانه شبگرد من ز تاریکی و شب دگر زار نشد

جرم من بود چون شقایق عاشقی
غلتیدم در خون خود و نشانم بر سر دار نشد

اینو میگن عذاب وجدان

استاد رومن دلریم

چه. هرکس که عذاب وجدان می‌کشد حتما یک موضوع بدی برایش پیش آمده و باعث ناراحتی دیگران شده که جز پشیمانی و افسوس چاره‌ای ندارد.

معلم کمی سکوت کرد و بعد ادامه داد: حالا من یک نمونه از عذاب وجدان را برای شما شرح می‌دم: همه بچه‌ها سکوت کردند و با دقت به حرف‌های معلم گوش می‌دادند. معلم گفت: من شاگرد دبیرستان بودم. مدیر ما آدم سخت‌گیری بود. تازه مدرسه‌ها باز شده و درس شروع شده بود. چند تا شاگرد جدید به کلاس ما آمده بودند، هنوز اسمشان را هم یاد نگرفته بودیم. دست چپ یکی از بچه‌ها همیشه تو جیب شلوارش بود. هیچوقت دستش را از جیبش در نمی‌آورد بیرون.... ما هنوز با هم صمیمی نشده بودیم و نمی‌توانستیم پرسیم «چرا دستت را بیرون نمی‌آوری؟» یک روز تو حیاط مدرسه داشتیم بازی می‌کردیم. مدیر مدرسه آمد توی حیاط بچه‌ای را که دستش توی جیبش بود صدا کرد. بچه دوان دوان و بدون اینکه دستش را از جیبش دریاورد رفت جلوی مدیر ایستاد. ما که به اخلاق مدیرمان آشنا بودیم و می‌دانستیم از این عمل پسره چقدر ناراحت میشه دست از بازی کشیدیم و منتظر ایستادیم ببینیم موضوع چیه. آقای مدیر از پسره خیلی عصبانی شده بود. داد زد: چرا دستت را تو جیبت کردی؟ بچه جوابی نداد و سرش را پایین انداخت. تمام ما اطراف مدیر جمع شدیم. مدیر دوباره داد زد: با تو بودم گفتم دستت را در بیار. پسره باز هم تکان نخورد. مدیر این دفعه بلندتر داد کشید مگه کری؟ بچه با صدای آرام و بغض کرده‌ای جواب داد: شنیدم آقا. آقای مدیر که خیلی عصبانی شده بود گفت: اینجا جای ژست گرفتن و گردن کلفتی نیست. گفتم دستتو در بیار.... چون بچه گوش نداد و باز دستش را از جیبش دریاورد، مدیر چنان با سیلی زد بیخ گوشش که برق از چشم بچه پرید. ضرب دست مدیر اینقدر قوی بود که پسره نتوانست طاقت بیاورد. افتاد روی زمین و دستش از جیبش درآمد!!! ما تا این منظره را دیدیم حاج و واج ماندیم. سکوت هولناکی همه جا را فرا گرفت. بعد هم صحبت‌های درگوشی شروع شد. وضع خود مدیر از ماها هم

وقتی معلم این داستان را شرح می‌داد من از شنیدنش به قدری احساساتی شده بودم که گریه‌ام گرفت. چند روز پیش یعقوب داشت کتاب فارسی می‌خواند. رسید به جایی که به نام «عذاب وجدان» بود. معلم درباره عذاب وجدان شرح زیادی داد و پرسید: فهمیدین عذاب وجدان چیه؟ همه بچه‌ها یک صدا جواب دادند بله آقا فهمیدیم.... معلم گفت: هرکس خوب فهمیده یک نمونه از عذاب وجدان را شرح بده. هیچکس جواب نداد. معلم دوباره سوالش را تکرار کرد. داود تو بگو ببینم تا حالا هیچ دچار عذاب وجدان شدی؟ داود خیلی کوتاه جواب داد: نخیر آقا معلم نشدم. ولی سلیمان که می‌خواست خودنمایی کند، انگشتش را بلند کرد: آقا معلم من بگم؟ معلم با مهربانی سرش را حرکت داد بگو ببینم تو عذاب وجدان کشیدی؟ بله آقا معلم... خیلی هم کشیدم! خوب بگو ببینم. کدومش را بگم آقا؟! معلم گفت انقدر داستان برات پیش اومده که همش عذاب وجدان داشته؟ بله آقا چندتاس. معلم گفت: یک کدامش را بگو. سلیمان گفت: همیشه باید احترام بزرگترها را نگه داشته و حافظ کوچک‌ها باشیم.... چون سلیمان حرفش را با این جمله شروع کرده بود معلم پرسید خب خب بگو ببینم بعد چطور شد؟ سلیمان آب دهنش را قورت داد و گفت: یک مادری از پنجره نگاه می‌کنه و می‌بینه پدر شوهرش پشت در است. به پسرش میگه «برو در را باز کن پدر بزرگت آمده به او بگو من خانه نیستم» بچه می‌ره در را باز می‌کنه و می‌گه «پدر بزرگ مادرم بیرون رفته» پیرمرد جواب داد «به مادرت بگو هر وقت می‌ره کوچه یادش نره سرش را از تو پنجره برداره!!!».

معلم پرسید سلیمان این موضوع سر خودت آمده؟ خیر تو روزنامه‌ها خواندم. پس تو چرا دچار عذاب وجدان شدی؟ این موضوع مربوط به تو نبوده. من که عذاب وجدان نکشیدم.... مادر اون بچه کشید.

این دفعه معلم از بچه‌های دیگر سوال کرد: کی خودش دچار عذاب وجدان شده؟ بیاد موضوع را بگه... چند نفر یک چیزهایی گفتند ولی همه مربوط به دیگران بود. معلم گفت: اینطور که معلومه هیچ کدامتان نمی‌دونید عذاب وجدان یعنی

میم مثل مادر

سمر بروفیم

مادر که می‌شوی دیگر خیلی چیزها برایت بی‌معنی می‌شوند،

مثل خواب، مثل خوراک،

حواس پنج‌گانه‌ات قوی‌تر می‌شوند و حس ششمی هم به نام حس مادرانه به تو اضافه می‌شود.

بیشتر می‌شنوی حتی وقتی خوابی،

بیشتر می‌بینی حتی وقتی چیزی برای دیدن نیست،

خواست به شوری و شیرینی غذا بیشتر است،

به گرمی و سردی غذا، مبادا زبان فرزند عزیزتر از جانت بسوزد و مرواریدهای با ارزش و درخشان از چشم-

هایش بر گونه‌هایش جاری شوند.

خواست به عطری که می‌زنی هست مبادا باعث حساسیت جگر گوشه‌ات شود.

به حس ششم رسیدیم،

حس ناب مادرانه که با هیچ حسی در دنیا عوض نمی‌کنی.

با گریه‌اش گریه می‌کنی، با لبخندش می‌خندی، درد که دارد بیشتر از خودش حس می‌کنی، از جانت مهم‌تر می‌شود.

مادر که می‌شوی گاهی حتی خودت را فراموش می‌کنی. و مادر که می‌شوی حس می‌کنی، بدون این که حضور داشته باشی یا به زبان بیاورد می‌فهمی،

غمش راه شادایش راه حال خوب و بدش راه مریضی و سلامتی‌اش راه،

چشم‌هایت فقط چشم‌های او را می‌خواند.

از نگاهش پی به راز دلش می‌بری.

مادر شدن سنگین است، حس آزادی دخترانه را به حس پرمسئولیت مادری دادن دشوار است، اما باز هم جانت را می‌دهی برای مادر بودن، برای سختی کشیدن، برای بی‌قراری‌های شبانه‌روزی، برای پرستار شدن، غمخوار شدن و بند بودن شادی‌ات به شادی موجودی با ارزش که در بطن خودت شکل گرفته، کسی که بیشترین انتظار را برای دیدنش کشیدی.

۹ ماه حمل کردن تکه‌ای از وجود، با تمام سختی‌های راه، فقط از یک مادر برمی‌آید و بس.

آری مادر بودن هر لحظه لب پرتگاه بودن است.

مادر راه حسش را و وجودش را دست کم نگیریم،

زیرا زندگی، فقط با وجود مادر جاریست ■

بدترشد. مثل مجسمه بی‌حرکت ایستاده و جم نمی‌خورد، خودش هم نمی‌دانست چیکار کند و چه جوری سر و ته قضیه را جور بیاورد. چون پسر دست چپ نداشت و دست مصنوعیش درآمده و افتاده بود روی زمین! تازه می‌فهمیدیم چرا همیشه دست چپش را توی جیبش می‌گذاشته. مدیر که چشمش پر از اشک شده بود خم شد و بچه را از روی زمین بلند کرد و گفت: چرا قبلاً نگفتی؟ بعد دست پسر را گرفت و بردش توی اطاق دفتر. اما این کارها فایده نداشت. پسر از فردا به مدرسه نیامد و اینقدر خجالت کشیده بود که مدرسه دیگری هم نرفت. بعد شنیدیم که مدیر از خود پسر و پدر و مادرش عذرخواهی کرده و قول داده بود همه جور ارزش مواظبت کنه اما پسر دیگه حاضر نشد به مدرسه بره.

وقتی معلم ما این موضوع تلخ را گفت سکوت سردی کلاس را فرا گرفت و همه ما به قدری تحت تاثیر این داستان قرار گرفته بودیم که تا مدتی نمی‌توانستیم حرفی بزنیم. وقتی هم زنگ تفریح را زدند و معلم خواست از کلاس بره بیرون گفت: مدیر ما تا آخر عمر دچار عذاب وجدان است.

اینو می‌گن عذاب وجدان ■

نشریه افق بینا آماده دریافت و چاپ آگهی‌های شما همکیشان عزیز می‌باشد. در صورت تمایل با دفتر نشریه بینا در محل انجمن کلیمیان تهران تماس حاصل فرمایید.

از دوستان عزیز می‌خواهیم که تبصری در نویسندگی دارند و تمایل دارند با مجله همکاری کنند خواهشمندیم مطالب خود را به ایمیل مجله ارسال نمایند.

بدیهی است در صورت هم‌خوانی با اهداف مجله، مطلب به نام نویسنده چاپ خواهد شد.

معرفی کتاب

زن در یهودیت

علی غلامی، زهره سادات میرجعفری

مرکز نشر هاجر (مرکز مدیریت موزه‌های علمی)

فواهران، ۱۳۹۹

بخش اعظم این کتاب که به‌طور جامع به موضوع زن و خانواده در یهودیت پرداخته است، حاصل مصاحبه با حاخام دکتر یونس حمادی لاله زار مرجع دینی کلیمیان ایران و نیز حضور در کلاس درسی آرش آبائی در دوره‌ی دکتری مطالعات زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب بوده است. همچنین مدخل‌هایی از دانشنامه جوداییکا که مرتبط با موضوع کتاب هستند نیز ترجمه شده که آن بخش نیز توسط آرش آبائی ویرایش شده است.

این کتاب که در قالب متن آموزشی تنظیم شده است در پانزده گفتار به عناوین زیر می‌پردازد:

تاریخ تحولات یهودیت؛ اعتقادات و اصول دینی یهودیت؛ زن و متون دینی یهود؛ زن در شریعت و آیین‌های یهود؛ زن، عبادات و حضور در مناسک و آیین‌ها؛ زن و نقش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ آموزش زن و یوشش، او؛ ازدواج و خانواده در یهودیت. ■

درسنامه زبان عبری

تالیف ربی کمال - ترجمه و پژوهش: دکتر معصومه

ملکی، دکتر جواد اصغری - دانشگاه تهران، ۱۳۹۹

کتاب درسنامه‌ی زبان عبری کتابی جامع درباره‌ی زبان عبری و دستورزبان آن است که موضوع پایان‌نامه‌ی دکتری معصومه ملکی بوده است (ترجمه و تعلیق و شرح کتاب اللغة العبریه ربی کمال و تطبیق قواعد صرفی و نحوی عربی با آن، معصومه ملکی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مهرماه ۱۳۹۸). بخش دستورزبان این کتاب ترجمه‌ای است از «دروس اللغة العبریه» اثر ربی کمال منتشر شده توسط جامعه دمشق

که در سال ۱۹۵۸ تالیف شده و تا سال ۲۰۱۱ بارها تجدید چاپ شده است. سایر بخش‌ها حاصل تحقیق و پژوهش ملکی و دکتر اصغری به عنوان استاد راهنمای پایان نامه است.

بخش اول کتاب به زبان‌های سامی و زبان عبری و ادبیات آن اختصاص یافته است. بخش دوم، موضوع اصلی کتاب و دستورزبان عبری را تشکیل می‌دهد که در ۷۴ بند و ۱۳۰ صفحه، کلیه‌ی موارد مربوط به این مبحث را تشریح می‌نماید. بخش‌های سوم تا دهم به ترتیب مثال-هایی را در ادبیات عبری به این شرح شامل می‌شود:

قصه‌ها و لطیفه‌ها، عبری جدید (مکالمه و تمرین)، گزیده‌هایی از روزنامه‌های عبری، گلچینی از ادبیات جدید عبری، گزیده‌هایی از ادبیات عبری اندلسی، گزیده‌هایی از مثل‌ها و حکمت‌ها، متون برگزیده از عهدقدیم، و کتاب یونس.

بخش پایانی این کتاب به واژه‌نامه‌ی عبری به فارسی در حدود واژگان مندرج در متون آن اختصاص دارد. لازم به ذکر است که آرش آبائی داوری پایان‌نامه‌ی مذکور، و نیز داوری کتاب و ویرایش بخش‌هایی از آن را برعهده داشته است. ■



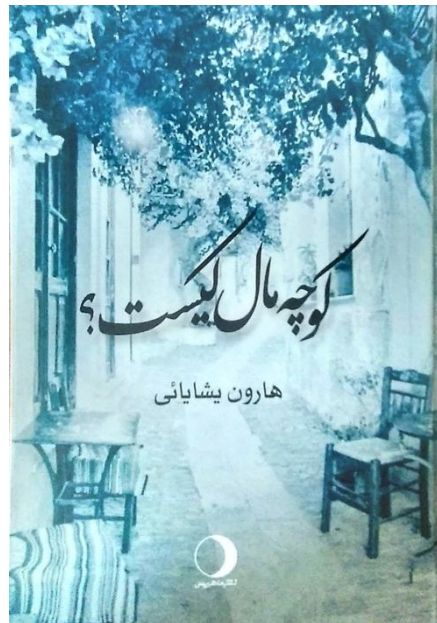
بر کشیدن معنا از متن کتاب مقدس

مهندس آرش آبائی

کتاب «تفسیر باپیل» (کتاب مقدس شامل عهد قدیم و عهد جدید) راهنمای تخصصی و کاربردی مطالعات کتاب مقدس و جزئیات تفسیری آن است. فصل اول این کتاب آشنایی با تفسیر نام دارد: «تنها با وجود تفسیر است که می‌توان از برقراری ارتباط و فهم سخن گفت. وقتی کسی با دیگری سخن می‌گوید، شنونده باید تصمیم بگیرد که چه چیزی گفته شده است و چه معنایی از آن گفته برمی‌آید». کتاب در فصل اول به سطوح رایج تفسیر می‌پردازد. در قرون میانه، چهار سطح کشف معنا در متن عبارت بودند از: معنای ظاهری، تمثیلی، مجازی و معطوف به آخرت. از سوی دیگر چهار لایه‌ی تفسیر متن توسط مفسران یهودی عبارت بودند از: پشاط (معنای آشکار)، رمز (تمثیلی)، دراش (وعظی) و سُد (عرفانی یا باطنی). فصل دوم با عنوان نقد متن، تلاش دارد تا با ارائه‌ی راهکارهایی، از میان اختلاف متون، به عبارت‌پردازی اصلی دست یابد. همچنین بر آشنایی با زبان‌های اصلی کتاب مقدس (عبری، یونانی، لاتین و سریانی) جهت پیگیری بهتر مسائل مربوط به نقد متنی تأکید می‌نماید. در فصل سوم ضمن معرفی نقد تاریخی، مخاطب را توجه می‌دهد که فهم و تفسیر بسیاری از قسمت‌های عهد جدید، در گرو فهم تاریخ تفسیر پاره‌متن‌هایی از عهد قدیم است. عناوین فصل‌های چهارم تا سیزدهم به ترتیب عبارتند از: نقد دست‌ورزبانی، نقد ادبی، نقد صورت، نقد سنت، نقد بازتدوین، نقد ساختارگرایانه، نقد رسمی/قانونی، تفسیر با تمرکز بر مسائلی خاص، روش‌های تلفیق روال-های تفسیری، بهره‌بردن از دستاوردهای تفسیر باپیلی. مولفان کتاب هایس و هالدی؛ و مترجمان کتاب، اعظم پویا (پویا زاده) و سعید شفیعی هستند. چاپ اول کتاب تفسیر باپیل در ۲۳۹ صفحه توسط نشر نی در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است ■

کوچه مال کیست؟

چاپ کتابی جدید از چهره‌ی ماندگار جامعه‌ی کلیمی
فرانک عراقی



«کوچه مال کیست» نام کتاب جدیدی از هارون یشایایی است که به تازگی از نشر ماهریس در ۸۸ صفحه روانه‌ی بازار شده است. این کتاب در ادامه‌ی کتاب قبلی وی به نام «روزی که اسم خود را دانستم» مشتمل بر داستانهای کوتاه است.

در کوتاه داستان‌های این کتاب، نویسنده می‌کوشد زندگی کسانی را روایت کند که خود با آنها زندگی کرده و مناسبات بین ساکنان یکی از قدیمی‌ترین محلات تهران را به خوبی می‌شناسد. عودلاجان یکی از پنج محله‌ی قدیمی تهران است که موجودیت آن اینک رو به ویرانی است و ساکنان قدیم آن محل به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند و دیگرانی ساکن کوچه پس کوچه‌های آن شده‌اند که گذشته‌ی این محله را نمی‌شناسند. با این همه، شرح زندگی مردم محله که هنوز هم بعضی در گوشه و کنار آن زندگی می‌کنند، خواندنی است ■

برای تهیه‌ی این کتاب می‌توانید به فروشگاه پرناسا واقع در کنیسه‌ی عبدالله زاده مراجعه کنید.



احمد آقا و مضرات سکسکه

استاد رحمن دلریم

آشغال بودن ... آشغال واقعی ... محصل حقیقی اینه. حالا هرچی دلتون می‌خواد از هر کجای کتاب که باشه ازش سوال کنین مثل بلبل به شما جواب میده. بله مثل بلبل. پس از پایان این مراسم معرفی غرورآمیز، کمی خودم را گرفتم و گفتم: و حتی تا زمان دستگیری موسی چومبه! آقای دبیر هم با خوشحالی زیاد دنباله حرفم را گرفت. بله تا زمان دستگیری موسی چومبه. یکی از بازرس‌ها که تا آنوقت مشغول ورق زدن کتاب تاریخ بود، زیرچشمی نگاهی به من انداخت و بعد کتاب را بست و با صدای شمرده گفت: راجع به عهدنامه گلستان هرچه می‌دونی بگو، این سوال را من حداقل بیست بار خوانده و بدون اینکه یک «واو» جا انداخته باشم حفظ کرده بودم. به همین جهت با خوشحالی زیاد شروع کردم به جواب دادن: آقا عهدنامه گلستان هُق عهدنا هُق... هُق... هُق... هُق... بازرس که متوجه ناراحتی من شده بود به لیوان آبی که روی میزش بود اشاره کرد. یک قولوپ آب خوردم و دوباره شروع کردم: آقا، عهدنامه گلستان در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قا... هُق جا... هُق قا هُق جا... هُق هُق هُق!!

خیر سکسکه دست بردار نبود و من آن روز آنقدر سکسکه کردم و هق هق زدم که حوصله بازرس‌ها سر رفت و آقای دبیر در حالی که از زور عصبانیت سیبیلش را می‌جوید، به طرف من آمد و اگر زود نمی‌جنبیدم حتما یک فصل کتک حسابی در حضور بازرس‌های وزارتی نوش جان می‌کردم. به هر صورت خیلی به موقع از جلسه امتحان فرار کردم ولی عجیب اینکه پس از خروج از جلسه امتحان درست مثل آبی که روی آتش ریخته باشند سکسکه‌ام قطع شد.

آن سال با هر جان‌کندی بود دوره دبیرستان را تمام

اگر به کتاب «لغت» نگاه کنیم می‌بینیم در مقابل کلمه «سکسکه» نوشته شده: سکسکه صدائی است که بر اثر پر بودن معده و یا اختلالات عصبی بدون اراده شخص از او سر می‌زند! گرچه این تعریف از نظر علمی و پزشکی کم و بیش درست است ولی من آن را مطلقاً قبول ندارم. به نظر من «سکسکه صدای خودرایی و نابهنگامی است که برای آدم چهار عیب بزرگ دارد. بدین معنی که هم او را (۱) رفوزه می‌کند، (۲) هم کارش را از دستش می‌گیرد، (۳) هم موجب افتادنش در تله ازدواج می‌گردد (۴) و هم باعث می‌شود که زنش از او طلاق نگیرد! هر تعریفی دیگر در کتاب‌های لغت دیده شود به عقیده من چرت و مزخرف است، ناراحت نشوید. من به هیچ وجه قصد جسارت نسبت به علمای زبان ندارم، این عقیده شخصی خودم است و من درباره آن دلیل بیاورم بله، من برای شما دلیل می‌آورم و در این مورد هیچ دلیلی قاطع‌تر از سرگذشت خودم نیست.

سکسکه، تا آنجا که یادم می‌آید برای نخستین بار در سال آخر دبیرستان گریبان‌گیر من شد. خوب یادم است که موقع امتحان تاریخ دبیر مربوطه به اتفاق دو نفر بازرس عالی‌وزارتی ما را امتحان می‌کردند.

چند نفر از همکلاسی‌هایم قبل از من به جلسه امتحان رفته و خیط کرده بودند، معلم ما کفرش درآمده بود و زمانی که من وارد شدم در جلوی بازرس‌ها از خجالت عرق می‌ریخت. گویا بازرس‌ها، بی‌سواد و بی‌اطلاعی بچه‌ها را تماماً به حساب کار نکردن او گذاشته بودند. بگذریم. تا چشم آقای دبیر به من افتاد با خوشحالی از جایش بلند شد، دست‌هایش را به هم مالید و در حالی که بادی به غیغب انداخته بود رو به آن دو نفر کرد و گفت: آقاییون، اون‌هائی که تا به حال دیدین محصل نبودن ...

و تئاتر را ترک کردم.

ناراحتی من از این شکست به قدری زیاد بود که همان شب تب کردم. مادرم که از مدت‌ها پیش توی نخ من بود، درحالی‌که یخ روی پیشانی‌م می‌مالید گفت: ننه باز حرفمو گوش نکن صد دفعه بهت گفتم اگه دختر ملوک خانم رو بگیری این دردسرها برات پیش نمی‌یاد. همه این ناراحتی‌ها مال اینه که سرت به بالین کسی نیست. با ناله گفتم: ننه چون آخه عروسی با دختر ملوک خانم چه ربطی به سکسکه من داره؟!!

-نگو ننه این‌ها همه‌ش حسابه... لابد من یه چیزی می‌دونم که این حرفو می‌زنم، من گیس‌هامو تو آسیاب سفید نکردم ننه.

دردسرتان ندهم، دو روز بعد مادرم دست به کار شد و بدون این‌که چیزی به خود من بگوید جریان را روبه‌راه کرد و قرار شد مجلسی ترتیب بدهند تا من و شمسی دختر ملوک خانم با هم آشنا شویم. مجلس خیلی خانوادگی بود. من بودم و پدرزن آینده‌ام. پس از تعارف تکه پاره کردن‌های معمولی، مادر زن آینده از شغلم پرسید. کمی قرمز شدم و گفتم: شغل اصلی من ... هق! ... بله ... سکسکه‌ام باز شروع شده بود. شمسی در حالی‌که به شدت می‌خندید از اطاق بیرون رفت و من از خجالت تا انگشت پا سرخ شدم. میان حضار پیچ پیچ شروع شد و من که شر شر عرق می‌ریختم با عصبانیت از خانه بیرون آمدم. فردا نامه‌ای از شمسی به این مضمون به دستم رسید: احمد عزیز امیدوارم از من ناراحت نشده باشی. من تو را پسندیدم، امیدوارم با هم زوج خوشبختی بشویم. ضمناً خنده من جنبه تمسخر نداشت، من اصولاً از مردهای سکسکه‌ای خوشم می‌آید. منتظر اقدام فوری تو هستم. همسر آینده‌ات شمسی. عروسی ما سرگرفت. «شب عروسی» «روز پاتختی» «روز مادر زن سلام» همه هم مرتباً سکسکه‌ام برقرار بود و من از این‌که همسرم سکسکه دوست دارد روی پای خود بند نبودم. پیش خود می‌گفتم گور بابای دنیا بگذار تمام مردم از سکسکه بدشان بیاید، همینقدر که شمسی از سکسکه خوشش می‌آید برایم

کردم و از آنجائی‌که به هنرپیشگی علاقه زیادی داشتیم به یکی از تئاترها مراجعه کردم. قبلاً خدمتتان عرض کردم که در اغلب نمایش‌های دبیرستانی شرکت می‌کردم و استعدادم در این زمینه بد نبود. مدیر تئاتر هم پس از یک سلسله آزمایش‌های مقدماتی متوجه استعدادم شد و مرا با حقوق مکفی استخدام کرد. قرار شد در نمایش آینده که در ماه بعد شروع می‌شد نقش «هملت» را در نمایش‌نامه معروف «شکسپیر» بازی کنم. تمرین‌ها شروع شد و من در موقع تمرین، چنان درخشیدم که کارگردان داشت از ذوق دیوانه می‌شد. به خصوص که جمله معروف TO BE OR NOT TO BE (بودن یا نبودن) را ادا می‌کردم صدایم چنان گیرا و دلچسب می‌شد که حتی بازیگرانی هم که اغلب از موفقیت من رنج می‌بردند، برایم کف می‌زدند و می‌گفتند تاکنون صدائی که تا این حد مناسب شکسپیر باشد نشنیده‌اند.

بالاخره وقت موعود فرا رسید و نمایش شروع شد. شب اول نمایش طبق معمول آقای مدیر تئاتر از همه رجال و بزرگان شهر دعوت کرده بود. مدعوین همگی آمده بودند و سالن از جمعیت موج می‌زد. مدیر تئاتر که به موفقیت ما ایمان داشت و بخصوص روی بازی من خیلی حساب می‌کرد، به تمام روزنامه‌ها و مجلات آگهی داده و پروپاگاندا کرده بود. مقدمات کار به خوبی فراهم شد و نمایش سیر طبیعی داشت... من با چنان عظمت و ابهتی در صحنه ظاهر شدم که اغلب تماشاچیان جا خوردند... و اکنون موقع ادای همان جمله معروف فرا رسیده بود، با صدای بلند شروع کردم: TO BE هق OR NOT هق هق! ... TO BE ... هق هق هق!! یکی از تماشاچیان خیلی جنتلمن از گوشه سالن فریاد زد: چخه، پدرسگ صاحب، و دیگری داد زد: آب بیار و من روی صحنه از حال رفتم وقتی حالم جا آمد در اطاق گریم روی تخت افتاده بودم. مدیر تئاتر و کارگران بالای سرم ایستاده بودند وقتی چشم‌هایم را باز کردم مدیر با غیظ تمام گفت: لطفاً آدرس تونو به منشی من بدین که هروقت رل سکسکه‌دار پیدا کردیم خبرتون کنیم. از خجالت سرم را پائین انداختم

دوتایی راه می‌افتادیم به محضر یا به دادگاه برویم و از دست هم خلاص بشویم باز این سکسکه لعنتی سر و کله‌اش پیدا می‌شد و دوباره شمس بیخ ریش مخلص می‌ماند.

حالا متوجه شدید که چرا عرض می‌کنم «سکسکه صدای خودرای و ناپهنگامی است که برای آدمی چهار عیب بزرگ دارد بدین معنی که هم او را رفوزه می‌کند، هم کارش را از دستش می‌گیرد، هم موجب افتادش در تله ازدواج می‌گردد و هم باعث می‌شود که زنش از او طلاق نگیرد؟! ■

ای خدا از شر این مهمان بده ما را نجات

استاد (ممن دلریم)

این کرونا از چینی‌های چین پر گرفت
آمد و اعضای چند فامیل در بر گرفت
بار اول یوسف شصت ساله‌ای شد مبتلا
من ز یوسف آشر از من خانی از آشر گرفت
تحفه درد و بلا را همچو توپ فوتبال
این یکی با پا و آن دیگری با سر گرفت
آن به این تحویل داد و این به آن تقدیم کرد
مصطفی چون فوت شد پشت سرش اکبر گرفت
آمد این ناخوانده مهمان از دیار خارجی
راه این مهمان سرای بی در و پیکر گرفت
این کرونای چینی‌ها آمد و زالوصفت
سخت چسبید و رمق از یهودا گرفت
ای خدا از شر این مهمان بده ما را نجات
زانکه این ملت به جای خیر از ایشان شر گرفت

کافی است. از بخت بد از روز چهارم سکسکه‌ام قطع شد و دیگر به سراغم نیامد که نیامد. شمسی، با آن سلیقه غیرعادی‌اش چنان از این وضع دلخور بود که حد نداشت. شب و روز سرم نق می‌زد که: من به خاطر اون سکسکه قشنگ عاشق تو شدم حال می‌بینم که تو مرا فریب داده‌ای!!!! دو سه روز هم با سکسکه‌های مصنوعی! سرگرم شد ولی روز سوم شمسی که دستم را خوانده بود گفت: خوبه، خوبه، نمی‌خواد خودتو ناراحت کنی، یعنی من پس از ۲۲ سال که از سنم رفته نمی‌تونم سکسکه واقعی و تقلبی رو از هم تشخیص بدم؟ ولی من هم واقعا از این وضع و آن اخلاق عجیب و غریب خسته شده بودم، زیاد طول و تفصیل ندهم. شمسی تا سه ماه هر طور شده بود صبر کرد ولی بالاخره طاقتش تمام شد و از من، به علت عدول از شرایط ضمن عقد به دادگاه شکایت کرد. من گرچه ظاهرا به روی خودم نمی‌آوردم ولی در ته دل خوشحال بودم که بالاخره از دست این زن غیرعادی خلاص می‌شوم. اما روز محاکمه، او صحبتی کرد که وضع را دگرگون ساخت و روز محاکمه ضمن اشاره به من با کمال نمک بحرامی!!.. به قاضی گفت: آقای قاضی، این شوهر من معشوقه دیگری هم داره و من از دادگاه محترم تقاضا دارم دستور دهند صیغه طلاق جاری شود. با شنیدن این تهمت شمسی خون در رگ‌هایم به جوش آمد. رنگ و رویم را باختیم و با عصبانیت فریاد زدم: دروغه آقای قاضی! ... دروغ محضه! ... هق ... هق ... هق ... هق!!!

شمسی، در حالی که از شدت خوشحالی اشک می‌ریخت فریاد زد آقای قاضی ... من شکایتمو پس می‌گیرم ... پس می‌گیرم ... پس!! و بعد جلو قاضی زانو زد و گفت: خواهش می‌کنم دستور بدین پرونده مختومه اعلام بشه و آنوقت دست در گردنم انداخت و همانطور که مرا در آغوش می‌فشرد گفت آخ ... احمد جون باز هق بزنی یک دفعه دیگه بزنی بزنی!!!

آن روز با خوشحالی از دادگاه بیرون آمدیم ولی باز بدبختی من شروع شده بود چون هرچند وقت یکبار دعوی «سکسکه» در منزل ما به‌راه می‌افتاد و همچو که



دنده عقب

شیپوچی

-خیر! غیرت و تعصب یه مرد واقعی اجازه نمیده ناموشش بره سرکار.

+خب چرا خواهرمو نداشتی به درسش ادامه بده؟
-اون که تا لیسانس خونده بود اگه بیشتر می خوند هوا برش می داشت خواستگارشو رد می کرد... بالاخره اولین هدف یه دختر باید ازدواج کردنش باشه.

+ همینارو گفتمی بابا که آجی به زور شما ازدواج کرده و الان بدبخت شده و در به در دنبال طلاقه...!

-من که نظرم را گفتم من و مادرت هم زمان ازدواج خیلی مشکلات داشتیم. خواهر تو هم بهتره با شوهرش بسازه چون که می دونی این حق مرده که زنشو طلاق بده... حالا گیریم که چهارتا مشت و لگد هم از شوهرش خورده باشه و شوهرش طفلی تفریحی با دوستاش شیشه کشیده باشه و فوق فوقش چند بار هم با خانم غریبه دیده باشنش. اینا که دلیل نمیشه. ایشالله از زندون آزاد می شه میاد و یه بچه دیگه میارن و زندگیشون قوام پیدا می کنه... مادرت هم الان عادت کرده و خوشحاله.

+ واسه همین شبا شیش جور قرص میخوره تا بخوابه؟ آره خیلی حرفای قشنگ میزنی بابا حق با توعه؟!؟!؟!؟! حالا تا بیشتر تو سیاهی شب گم نشدیم و گرگا پارمون نکردن اجازه بده برای پیدا کردن بقیه مسیر از نقشه اینترنتی استفاده کنیم.

-وا مصیبتا... وا فریادا... وا شیون... خوب شد پدر خدا بیامرز مرد این روزا رو ندید...! پسر اول که نیاکان ما نقشه و راه بلد نداشتن و ما هم مجاز به استفاده از این جک و جونورا نیستیم... دوما که یه مرد میمیره، خوراک کفتارهای پیر میشه ولی آدرس از کسی نمیپرسه این یه اصله پسر...!

+جک و جونور چیه پدر من؟ الان مثل زن عمو خدایبامرز طعمه گراز وحشی می شیم...!

-تترس پسرم گرازها مارو نمی خورن. دیدی که وقتی به عمو اینا هم حمله کردن فقط زن عمو تو خوردن که از نژاد ما نیست!!!

+آهان بس که گوشت تلخیم!

-چیزی گفتمی پسرم؟

+نه فقط یه سوال دارم... چرا ما باید گرز و منجیق همراه خودمون داشته باشیم؟ خیلی سنگین اینا بابا!!!

-نمیدونم دیگه رسمه

+یه سوال دیگه نیاکانت نگفتند اگه سرد شد داشتیم یخ میزدیم باید چه غلطی کنیم؟

-آهان به سوال خوبی اشاره کردی نیاکان ما سردشون نمیشد!!!

+پدر من چرا صورت مسئله رو پاک میکنی؟...

+نیاکانت مگه ترموستات داشتن؟

-بیا پایین بچه سرمون درد گرفت ■

+ بابا خسته شدم... پس کی می رسیم شمال؟
-بچه جون اینقدر غر نزن می بینی که این زبون بسته ۷۰ کیلومتر راه اومده خسته س... آب و علوفه هم که نخورده!
+ خب پدر من چرا آخه ما باید با خر بیایم مسافرت؟

-پسر من دیگه این حرف رو نزن... تو که می دونی همه ی اجداد و نیاکان ما با خر و چهارپا می رفتن سفر... ما که نباید خلاف اونا عمل کنیم!

+آخه پدر من زمان اجداد و نیاکان ما که هنوز ماشین اختراع نشده بود... الان همه با ماشین و هواپیما و قطار و اتوبوس سفر می کنن... نه با خر!!!

- در هر صورت ما موظف به پیروی از نیاکانمون هستیم پسر. در هیچ جا از نیاکان ما یاد نشده که گفته باشن که سفر کردن با ماشین و هواپیما مجازه.

+ وای!!!!!!!!!!!! بابا...! چیه بگن مجازه؟ مگه اون موقع ایرباس و لامبورگینی بوده که راجع بهش نظر بدن... مثلا آیا مامان تا حالا به شما گیر داده که چرا خواهرتونو دعوت می کنید خونه؟
-مثل اینکه تو یادت رفته بچه جون که عمه نداریم!

+خب همین دیگه مامان جون گیر نداده به خواهرهای شما چون اصلا خواهر نداری... اون زمان هم که ماشین نبوده اصن که راجع بهش نظر بدن.

-خیلی خب لازم نیست تو فلسفه و منطق به من درس بدی.

+ حالا ما هیچی این زبون بسته چه گناهی کرده که باید از مسیر خاکی و پر از سنگ راه بیاد... مگه جاده شمال رو آسفالت نکردن؟

- خجالت بکش پسر... همه ی پدران من از همین جاده می رفتن شمال حالا تو به من میگی جاده رو عوض کنیم؟ شرم بر تو باد!

+آخه پدر من الان جاده ها آسفالت شده، تونل دارن، راحت ترن، چرا نباید ما از اون جاده ها استفاده کنیم؟

-ان این همه خانم خوشگل و آرایش کرده تو خیابون دیده میشه آیا درسته من مادرتو ول کنم برم با اونا؟

+ واقعا که... چه مثال واضحی زدین... ربطشون به هم مثل آقای گودرزی و شقایق خانم بود...! بیچاره مامان!!!

-اما من عاشق مادرت هستم پسر...

+واسه همینم هیچوقت به مامان اجازه ندادین بره سرکاری که علاقه داره؟

-زبونتو گاز بگیر پسر... مامانت بره سرکار؟ غیرتت کجا رفته؟

+آهان اینم نیاکانت گفتن که خانمها نباید برن سرکار؟



ارزش تاریخی نان در دین یهود

ترجمه و تالیف: مژده یمینیان

کارشناس تغذیه



تاریخ مصرف نان، به حدود ۱۲۰۰۰ سال قبل و به عصر نوسنگی برمی‌گردد. در آن زمان انسان‌ها، غلات را آسیاب کرده، سپس با آب مخلوط می‌کردند و از خمیر به دست آمده، روی سنگ‌هایی که پوششی از خاکستر داغ داشت، نان تهیه می‌کردند.

مصری‌ها، اولین افرادی بودند که با استفاده از مخمر، نان را به صورت ورآمده تهیه کردند، در واقع پختن نان با خمیر ترش، برای نخستین بار توسط مصری‌ها صورت گرفت. در یونان باستان هم نان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در مراسم مذهبی، کاربرد زیادی داشته است.

در اروپا، تقریباً از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، مصرف نان به صورت غذای اصلی مطرح شد.

نان در دین یهود، از اهمیت زیادی برخوردار است و در کتب مقدس یهود، از همان دوران زندگی حضرت ابراهیم از آن نام برده شده است.

«اوراهام (ابراهیم)، چشمانش را بلند نمود و اینک سه مرد را دید، نزدش ایستاده‌اند و از درگاه چادر، به استقبالش دوید. (به حالت احترام) تا زمین سجده کرد. گفت سرورم اگر به نظرت پسندیده آمده‌ام، لطفاً از نزد غلامت دور نشو. لطفاً اندکی آب گرفته، پاهایتان را بشوئید و زیر درخت تکیه دهید. لقمه نانی بگیرم، دلتان را تقویت کنید، بعد رد شوید»^۱.

در تورات مقدس در قسمت‌های مختلف به دفعات از نان نام برده شده است.

«ساقی و نانوی پادشاه مصر که در آن زندان

محبوس بودند، هر دو در یک شب خواب دیدند ...»^۲.
«یعقوب (یعقوب)، چنین نذر کرد: اگر خداوند با من باشد، در راهی که می‌روم، حفظم نماید، به من نان بدهد (سالم باشم) بخورم و لباس بدهد (سالم باشم) بپوشم»^۳.
«و یک گرده نان و یک قرص نان روغنی و یک نان نازک از سبب فطیروهایی که حضور خداوند است، بردار و همه را بر کف دست اهرون (هارون) و بر کف دست پسرانش بگذار و آنها را به حضور خداوند، تکان بده، سپس آنها را از دستشان بگیر و بر قربانگاه با آن قربانی سوختنی، به منظور بویی مطبوع به حضور خداوند دود کن. سهم خداوند طعمه آتش (قربانگاه) است»^۴.
در کتاب تورات، از آرد هم به عنوان هدیه‌ای مقدس برای خداوند و همچنین برای بخشیده شدن گناهان نام برده شده است.
«و شخصی که هدیه‌ای آردی به خداوند تقدیم

^۲ تورات، کتاب برشیت (آفرینش)، فصل ۴۰، آیه ۵.

^۳ تورات، کتاب برشیت (آفرینش)، فصل ۲۸، آیه ۲۰.

^۴ تورات، کتاب شموت (خروج)، فصل ۱۲۹، آیه ۲۳.

^۱ تورات، کتاب برشیت (آفرینش)، فصل ۱۸، آیه ۲.

«مصری‌ها به آن قوم اصرار کردند تا آن‌ها را وادار به شتاب کرده، از آن سرزمین روانه کنند، زیرا گفتند همه ما می‌میریم. آن قوم، خمیر خود را قبل از آن که ورآمد کند، حمل نمود. ظرف‌های (پر) خمیرشان در پارچه پیچیده شده، روی دوششان بود»^۷.

«نظر به این که خمیری که از مصر بیرون آورده بودند، ورآمده نبود، گرده‌های فطیر پختند. توشه‌ای هم برای خود تهیه نکرده بودند، برای این که از مصر بیرون رانده شده و نمی‌توانستند معطل شوند»^۸.

نان فطیر یا مصا^۹ یک نان ورنیامده، تخت، خشک و ترد می‌باشد که از آرد و آب، تهیه می‌شود. بنابراین قبل از آن که خمیر فرصتی برای ورآمدن داشته باشد، باید پخته شود. مصا یا نان فطیر، تنها فرم نان است که یهودیان در طول ایام عید پسخ (عید آزادی) مجاز به مصرف آن هستند. این نان برای ایام عید پسخ به صورت تخصصی، تحت نظارت پیشوایان دینی تهیه می‌شود.

«هفت روز فطیر بخور و روز هفتم (روز گذشتن از دریا)، عید خداوند است. این هفت روز فطیر خورده شود و حامص^{۱۰} (خمیر مایه‌دار) نزد تو دیده نشود و نزد تو در تمام قلمروت، خمیر مایه دیده نشود. در آن روز به پسر ت چنین توضیح بده، به خاطر (اجرای) این فرمان‌ها، خداوند برای من، موقع بیرون آمدنم از مصر، این همه معجزات انجام داد»^{۱۱}.

مصا، یک نان نمادین و نشانی از آزادی یهودیان است. همچنین مصا، نانی فقیرانه برای یادآوری دوران فقر یهودیان می‌باشد و به ما یادآوری می‌کند که همیشه متواضع باشیم و دوران سختی و فقر و زندگی به صورت

می‌دارد، تقدیمی‌اش آرد نرم باشد که روی آن روغن ریخته، بر آن کندر نهد. آن را نزد پسران اهرون که کاهن هستند، بیاورد و کاهن از آنجا از آرد نرم و روغن با تمام کندرش، مشت پری به عنوان یادبود برداشته، بر قربانگاه دود کند. برای خداوند بوی قربانی طعمه آتش (قربانگاه) خوشایند می‌باشد و باقیمانده آن هدیه آردی برای اهرون و پسرانش خواهد ماند. در میان هدیه‌های طعمه آتش (قربانگاه) متعلق به خداوند، این هدیه فوق العاده مقدس است»^{۱۲}.

در مزامیر حضرت داوود هم از نان نام برده شده است. «آیا همه گناهکاران، بی‌معرفت هستند که قوم مرا می‌خورند، چنانچه نان می‌خورند و خداوند را نمی‌خوانند»^{۱۳}. ارزش نان در دین یهود، به اندازه‌ای زیاد است که در هنگام مصرف مواد غذایی، اگر نان هم سر میز غذا باشد، هر فرد یهودی موظف است غذا خوردن را با خواندن براخای هموصی (دعای شکرانه مخصوص نان) آغاز نماید: «متبارک هستی، تو ای خدا، خالق ما، پادشاه عالم که بیرون می‌آورد نان را از زمین»^{۱۴}.

لازم به توضیح است، یهودیان موظف هستند، قبل از مصرف هر ماده غذایی، برای آن دعا بخوانند و خداوند را به پاس نعماتی که به انسان‌ها ارزانی داشته است، سپاس بگویند. هر گروه از مواد غذایی دعای مخصوص به خود را دارد، اما اگر در کنار سایر مواد غذایی، نان سر میز غذا باشد، غذا خوردن با خواندن دعای مخصوص نان آغاز می‌شود و هر فرد یهودی، تنها با خواندن دعای نان، می‌تواند بدون خواندن دعای شکرانه مواد غذایی دیگر، آن‌ها را تناول کند و به عبارت دیگر، نان، مواد غذایی دیگر را پوشش می‌دهد.

یکی از نان‌هایی که برای یهودیان ارزش تاریخی دارد و در کتاب تورات به کرات از آن نام برده شده است، نان فطیر (مصا) می‌باشد.

^۷ تورات، کتاب شموت (خروج)، فصل ۱۲، آیه‌های ۳۳، ۳۴

^۸ تورات، کتاب شموت (خروج)، فصل ۱۲، آیه ۳۹

^۹ Matzo or Matzoh or Matza or Matzah

^{۱۰} Chametz or Chometz or hametz or hames: مواد غذایی

تخمیر شده ای هستند که مصرف آنها مطابق هالاخا (قوانین شرع یهود) برای

یهودیان در زمان عید پسخ ممنوع می‌باشد.

^{۱۱} تورات، کتاب شموت، فصل ۱۳، آیه‌های ۸، ۹، ۷

^{۱۲} تورات، کتاب ویقرا (لاویان)، فصل ۲، آیه‌های ۳، ۲، ۱

^{۱۳} مزامیر داود، فصل ۱۴، آیه ۴

هفته توسط بانوان یهودی صورت می‌گیرد. در تورات، از خلا به عنوان نانی که به کاهن^{۱۴} داده می‌شد، اشاره شده است.

در قرون وسطی، نان خلا توسط بانوان یهودی که مسئولیت پخت آن را بر عهده داشتند، به شکلی ساده و هموار تهیه می‌شد. اما طبق نظر مگی گلزر^{۱۵} نویسنده کتاب برکت نان^{۱۶}، خلا برای اولین بار در قرن پانزدهم در کشورهای اتریش و آلمان جنوبی توسط خانم‌های خانه‌دار یهودی به صورت قیطانی یا نواری پخته شد که تهیه خلا به این شکل را از خانم‌های خانه‌دار غیریهودی که قرص‌های نان را برای روز یکشنبه به صورت بافته شده آماده می‌کردند، آموخته بودند. در آن زمان، یهودیان قیطان‌ها یا نوارهای بافته شده نان را به عنوان نمادی از موهای عروس (شباهت به عروس تشبیه شده است)، در نظر می‌گرفتند.

نام خلا برای اولین بار در سال ۱۴۸۸ میلادی، در یک کتاب اتریشی ذکر شد. اما مصرف خلا در لهستان رایج شد.

در امریکا برکس^{۱۷} یا همان نان سیب زمینی یهودیان اشکنازی، با نفوذ فرهنگ مهاجران اروپایی، به عنوان خلا شناخته شد. برکس نان شیرینی نبود و سطح آن با پوششی از تخم مرغ آغشته می‌شد. خلا در کشورهای لیتوانی و لهستان هم پخته می‌شد، اما در لهستان که مرکز کشت چغندر بود، به خلا شکر هم اضافه می‌کردند. بعضی از یهودیان اشکنازی به خمیرشان، تخم مرغ، روغن و گاهی اوقات، زعفران اضافه می‌کردند که زعفران باعث زرد شدن رنگ خلا می‌شد.

پس از مدتی در ایالات متحده، خلا تحت تاثیر تبلیغات گروه شوگرلابی (Sugar Lobby) تغییر پیدا کرد و به آن شکر اضافه شد و به دلیل فراوانی و ارزان بودن

بردگی را فراموش نکنیم. از طرفی خمیر ورآمده، حاکی از تکبر و باد و افاده می‌باشد.

برای پخت نان فطیر، باید دقت شود که مصا خیلی سریع آماده شود، تا خمیر فرصتی برای تخمیر نداشته باشد. حداقل زمان برای حامص شدن (ورآمدن) خمیر، ۱۸ دقیقه می‌باشد. بنابراین فرآیند پخت مصا از زمان مخلوط شدن آرد و آب، تا زمان پختن نباید از ۱۸ دقیقه بیشتر باشد.

ارزش غذایی مصا طبق نظر وزارت کشاورزی ایالات متحده امریکا^{۱۲} به صورت زیر می‌باشد:

هر صد گرم مصا با آرد کامل دارای ۳۹۵ کیلوکالری انرژی، ۱.۴ گرم چربی کل، ۰.۲ گرم چربی اشباع، ۸۴ گرم کربوهیدرات، ۳ گرم فیبر، ۰.۳ گرم قند، ۱۰ گرم پروتئین، ۱۱۲ میلی گرم پتاسیم، ۰.۶۵ میلی گرم منگنز، ۸۹ میلی گرم فسفر، ۰.۶ میلی گرم روی، ۳.۱۶ میلی گرم آهن، ۲۵ میلی گرم منیزیم، ۱۳ میلی گرم کلسیم، ۰.۳۸ میلی گرم ویتامین B1 ۳۸۹ میلی گرم ویتامین B3، ۰.۴۴ میلی گرم ویتامین B5، ۰.۱۱۵ میلی گرم ویتامین B6، ۱۷.۱ میکروگرم ویتامین B9 (فولات) و ۴.۳ گرم آب است.

یکی دیگر از نان‌های سنتی که مصرف آن در بین یهودیان بسیار متداول است و شهرت جهانی دارد، نان خالا^{۱۳} می‌باشد.

خلا یک نان نرم و پف کرده شیرین است که یهودیان در زمان شباهت و بعضی از اعیاد روی آن دعا می‌خوانند. شکل خلا که مزین‌کننده اصلی میز غذا می‌باشد، معمولاً به صورت قیطانی و بافته شده است و قشر و سطح خشک آن به علت پوششی از تخم مرغ، براق و درخشان می‌باشد.

یهودیان معمولاً به احترام شباهت (شنبه) مقدس، خلا را در وعده‌های شام، صبحانه و حتی نهار روز شباهت مورد استفاده قرار می‌دهند. پخت خلا برای شباهت، معمولاً هر

^{۱۴} Kohen کاهنان یهودی از تبار هارون برادر حضرت موسی

^{۱۵} Maggie Glezer

^{۱۶} A Blessing of Bread

^{۱۷} Berches

^{۱۲} USDA: United State Department Agriculture

^{۱۳} Challah

با گذشت زمان با نفوذ فرهنگ یهودیان مهاجر مجارستانی، برای تهیه خلا از مخمر استفاده شد و به خمیر خلا چه در خانه‌ها و چه در نانوبی‌ها، مقدار زیادی مخمر اضافه می‌شد. اضافه کردن مخمر به خمیر، باعث بزرگ‌تر شدن خلا شد.

لازم به ذکر است که روش تهیه خلا در کتاب‌های آشپزی یهودیان، از زمان بعد از جنگ جهانی دوم ثبت شده است و در طول زمان برای ایجاد طعم بهتر، مواد مختلفی به دستور تهیه خلا اضافه شده است. به عنوان مثال در بعضی از دستورهای پخت خلا، از کشمش نام برده شده است که برای مراسم خاص و در زمان اعیاد برای تهیه خلا به کار برده شده است. امروزه در اینستاگرام، عکس‌های اشتهابرانگیزی از خلا با اشکال جدید و متنوع، در معرض دید قرار می‌گیرد.

چند نوع خلای معروف در دنیا عبارتند از:

خلای کلاسیک: برای تهیه این نوع خلا از خمیر ساده شامل آرد غنی شده، آب، تخم مرغ، روغن، مخمر و نمک استفاده می‌شود. رنگ این خلا به دلیل وجود تخم مرغ زرد است و سطح آن هم به خاطر تخم مرغی که با قلم مو روی آن کشیده می‌شود، رنگ طلایی است و ظاهری لعابی و براق دارد.

خلای کلاسیک معمولاً یک خلای کاشر است که به صورت سنتی در زمان شبات و اعیادی مانند روش هشانا مورد مصرف یهودیان قرار می‌گیرد.

خلا با آرد گندم کامل: برای تهیه این خلا از آرد گندم کامل استفاده می‌شود و ارزش غذایی این خلا، کمی بیشتر از خلای کلاسیک است.

خلایی که خمیر آن ورز داده نمی‌شود: برای افرادی که خلا را در خانه تهیه می‌کنند و همچنین افرادی که در این زمینه مهارت زیادی ندارند، پخت این خلا خیلی آسان‌تر از خلای کلاسیک است.

خلای کدو تنبل: این خلا را مسیحیان، با اضافه

شکر، یهودیان از مواد اولیه ای نظیر شکر، تخم مرغ و تخم خشخاش استفاده می‌کردند.

توضیح مترجم: لازم به توضیح است که در سال ۱۹۶۰ میلادی، مردم امریکا متوجه شدند که مصرف چربی، برای سلامتی ضرر دارد و چربی عامل به وجود آمدن چاقی و بسیاری از بیماری‌ها است. بنابراین سعی کردند، مصرف چربی را کاهش دهند. در آن زمان، افرادی که شغل آن‌ها در رابطه با مواد غذایی بود، هم مجبور شدند برای جلب توجه مشتریان و برای فروش بیشتر، چربی را از مواد غذایی حذف نمایند، اما چون طعم غذاها تغییر پیدا کرده و طعم خوش قبل را نداشت، گروهی به نام Sugar Lobby در امریکا شکل گرفت که به تبلیغ مصرف شکر پرداختند و طرز تفکر آن‌ها به این صورت بود که شکر برخلاف چربی بی ضرر می‌باشد و اضافه نمودن آن به غذا باعث خوشمزه شدن غذا می‌شود. در نتیجه شکر جایگزین چربی شد و غذاها شیرین‌تر شدند. رواج مصرف شکر در امریکا بر فرهنگ غذایی یهودیان نیز تاثیر گذاشت و باعث شد یهودیان در تهیه غذاها از شکر بیشتری استفاده کنند (امروزه می‌دانیم که شکر به عنوان سم سفید تلقی می‌شود).

در اروپا نان سفید و شکر خیلی گران بود، به همین خاطر مردم نان سیاه (نانی که از آرد سیوس دار تهیه شده باشد) که معمولاً از چاودار تهیه می‌شد، مصرف می‌کردند. یهودیان هم در تمام طول هفته، نان سیاه مصرف می‌کردند و حتی نمی‌توانستند به احترام شبات، خلا را با آرد سفید تهیه کنند. پس از آن که یهودیان اروپایی به امریکا مهاجرت کردند، متوجه شدند که قیمت آرد سفید و شکر در امریکا خیلی ارزان‌تر از اروپا می‌باشد و از طرفی با اضافه کردن شکر، خلا خوشمزه‌تر می‌شود. بنابراین در امریکا خلا را با آرد سفید تهیه کردند و به آن شکر اضافه نمودند و به این صورت خلا به نانی شیرین تبدیل شد (مردم در آن زمان نمی‌دانستند که ارزش غذایی نان سیاه که از آرد سیوس دار تهیه می‌شود خیلی بیشتر از نان سفید می‌باشد که از آرد فاقد سیوس تهیه می‌شود).

تواند دستگاه گوارش را تحت تاثیر قرار دهد، فرد مبتلا نسبت به یک پروتئین خاص گندم به نام گلوتن^{۲۲}، واکنش نشان می‌دهد ■

منابع

- ۱-تورات مقدس
- ۲-مزامیر حضرت داوود
- 3-The history of bread www.Britannica.com
- 4-The history of bread – making, and the sorry state of modern supermakers bread ... www.supermakers.com
- 5-What is Matzah? www. Oukosher.org
- 6-www.en.m.wikipedia.org
- 7-Challah Bread Nutrition facts By Jennifer Purdie, MED/ updated on September 15, 2021 Medically reviewed by mia syn, MS, RDN
- 8-A Short history of challah bread, and how it got so sweet in america By Liz Susman Karp December 16, 2020

درگذشت خادم صدیق جامعه کلیمی، آقای ابراهیم دیلمانی را تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان طلب خیر داریم. انجمن کلیمیان تهران

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت شادروان الیزا مسعودی (مصری) روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه و تاسف فراوان، درگذشت مرحومه الیزا مسعودی (مصری)، فعال برجسته اجتماعی را به بازماندگان بزرگوار و محترم ایشان تسلیت گفته و با قلبی متاثر و دردمند، برای نشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است. بی‌تردید روح آن بانوی گرامی، صبور و خیرخواه، قرین رحمت الهی خواهد بود.

کردن کدو تنبل به مواد اولیه خلا برای جشن شکرگزاری^{۱۸} تهیه می‌کنند.

به‌طور کلی روش‌های تهیه خلا، تحت تاثیر فرهنگ مردم در نقاط مختلف دنیا، به شکل‌های متفاوت درآمده است و در بعضی از خلاهای مدرن، از ادویه‌های مختلف نظیر دارچین و سایر ادویه‌جات هندی هم استفاده می‌شود که به خلا، طعمی خاص و بی‌همتا می‌بخشد.

ارزش غذایی خلا طبق نظر وزارت کشاورزی ایالات متحده امریکا به صورت زیر می‌باشد:

۲۵ گرم خالص قیطانی که با گندم کامل تهیه شده است، دارای ۷۴ کیلوکالری انرژی، ۲ گرم چربی، ۱۱۶ میلی‌گرم سدیم، ۱۳ گرم کربوهیدرات، ۰.۳۵ گرم فیبر، ۱ گرم قند، ۲ گرم پروتئین و ۰.۲۶ گرم چربی اشباع می‌باشد. همچنین خلا دارای مقادیر جزئی ویتامین‌های B1، B2، B3، فولیک اسید و آهن است.

به‌طور کلی قند به کار رفته در خلا نسبت به نان‌های شیرین دیگر خیلی کمتر است، بنابراین نسبت به نان‌های شیرین دیگر، سالم‌تر است. همچنین چون خلا فاقد مواد لبنی می‌باشد، در مقایسه با نان‌های مشابه که در تهیه آن‌ها از شیر و کره استفاده می‌شود، برای افرادی که به قند شیر یا لاکتوز^{۱۹} حساسیت دارند، یک انتخاب مناسب می‌باشد، اما مصرف خلا برای افرادی که به بیماری سلیاک^{۲۰} مبتلا هستند و افرادی که نسبت به گندم، تخم مرغ و مخمر آلرژی دارند، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

توضیح مترجم: آلرژی^{۲۱} به گندم همان بیماری سلیاک نیست. در آلرژی به گندم، سیستم ایمنی بدن فرد مبتلا حداقل نسبت به یکی از پروتئین‌های موجود در گندم واکنش شدید نشان می‌دهد و در بیماری سلیاک که

^{۱۸} Thanksgiving: یکی از اعیاد رسمی و ملی در کشور امریکا برای تشکر

از دارایی‌های مادی و معنوی

^{۱۹} Lactose

^{۲۰} Celiac

^{۲۱} Wheat Allergy

شمشیر تیز خود درمانی!

امیر فراز نعیموت

کارشناس ارشد حقوق

از عادات غلط و اشتباه و بسیار زیان‌باری که متأسفانه در کشور ما بین مردم رواج دارد این است که در حین وقوع مشکلات خانوادگی، حقوقی، اجتماعی، جسمی و غیره، افراد در عوض مراجعه به کارشناس خبره، اقدام به استفاده از نسخه‌های بی‌اعتبار افراد نامعتبر و ناوارد می‌نمایند. به طور مثال شاید برای اکثر ما این تجربه وجود داشته باشد که حین بروز مشکلات جسمی مثل سرماخوردگی یا هر بیماری دیگر، با تجویز دارو و جوشانده و راهکارهای عجیب و غریب آشنایان و فامیل مواجه شویم. لازم نیست به پزشک مراجعه کنی، یک حبه سیر در آبجوش حل کن با ۲ قاشق جوش شیرین شب به شب غر غر کن سر یک هفته اگر خوب نشدی با من!!! یا به طور مثال فرض کنی در رابطه زناشویی دچار مشکل شده‌ای، پس از مطرح نمودن مشکل از فردای همان صبح به طور ناگهانی کلیه اطرافیان خاله و عمه و زن عمو و دایی فوق تخصص مسائل خانوادگی می‌شوند!!! شما به یک‌باره با خیل عظیمی از راهکارهای عجیب و غریب اطرافیان مواجه می‌شوید! خاله جون سه شب جوابش را ندهی و به او بی‌محلی کنی از این رو به آن رو می‌شود!

این‌که این افراد با توجه به کدام دانش علمی و تخصص این اجازه را به خود می‌دهند که در مقام یک پزشک و مشاور راهکار ارائه دهند به جای خود سوال بزرگ و ابهام‌بی‌جوابی است، اما از قدیم هم گفته‌اند که شنونده باید خودش عاقل باشد! پس باید این سوال را از خود بپرسیم که چرا و به چه دلیلی باید به گفته‌ها و نسخه‌های نامعتبر افراد فاقد تخصص اهمیت داد؟!؟

همان‌طور که هنگام خرابی اتومبیل یا وسایل برقی خانه سراغ متخصص می‌رویم، به طریق اولی و چند مرتبه مهم‌تر هنگام بروز مشکلات اجتماعی، سلامتی و حقوقی می‌بایست به متخصص امر مراجعه کنیم و از هیچ روش من در آوردی و خود سرانه‌ای جهت حل مشکل استفاده نکنیم.

هدف کلی اینجانب از کتابت این مقاله مختصر آن است که همگی این را در نظر داشته باشیم که هنگام بروز مشکلات حتماً باید به متخصص مراجعه نماییم، اما با توجه به تخصص نگارنده که حوزه مسائل قضائی و حقوقی می‌باشد، سعی بر آن شده است که در حد ظرفیت مجله وزین بینا عزیزان را از «خوددرمانی» در زمان بروز مشکلات حقوقی برحذر دارم.

خوشبختانه امروزه سهولت دسترسی به وکیل و کارشناس حقوقی از گذشته بیشتر شده است، لذا بهتر است حتماً قبل از تصمیم‌گیری با یک وکیل و حقوقدان مشورت کنیم. متأسفانه راهکارهای غلط و دردسرساز و برداشت و درک اشتباه از قوانین موجب می‌شود که یک پروسه حقوقی ساده به یک جریان پرهزینه زمان‌بر مبدل گردد. به طور مثال من بارها در جامعه شاهد آن بوده‌ام که خانواده فرد فوت شده به محض مرگ مورث اقدام به اخذ اثر انگشت از او در برگه‌های سفید می‌کنند یا در صدد آنند که واقعه مرگ شخص فوت شده دیرتر به ثبت برسد. اینها به علت اطلاعات غلط و کاملاً ناآگاهانه‌ای است که معلوم نیست از کجا و به چه عنوان سینه به سینه نقل شده است که امروز شاهد این اوضاع و احوال هستیم. عواملی همچون عدم اطلاع از شرایط قانونی انحصار وراثت، نرخ و مبالغ مالیاتی و سایر قوانین سبب بروز چنین مشکلاتی شده است. موضوع عجیب‌تر آن‌که حتی زمانی هم که به عنوان یک حقوقدان مسیر صحیح به افراد معرفی می‌شود، در اظهار نظری ناباورانه شخص مخاطب، نسخه‌ی پیچیده شده از سوی اطرافیان ناآگاه را نسبت به مسیر قانونی و درست ارجح می‌داند!! یا مثلاً عده‌ای بر این باورند که شخص می‌تواند قبل از مرگ خود یک یا چند نفر از وراثت را به

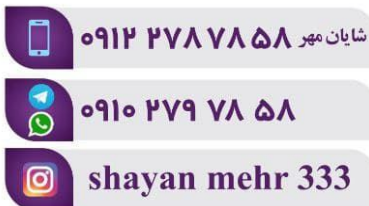
انتخاب خود گلچین کرده و از ارث محروم سازد! اما باید بدانید که نه در اسلام و نه به تبع آن قوانین جاری نه در یهودیت به هیچ عنوان امکان خروج یک نفر به انتخاب مورث از صف وارثین نیست و این حرفها متعلق به سریالهای زرد تلویزیونی است! یا به طور مثال اشخاص بر این باورند که دیه انسان در ماههای حرام (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب) دو برابر سایر ماهها است، در حالی که دیه در این ماهها فقط یک سوم از سایر ماههای سال قمری بیشتر می‌باشد. یا حتی عده-ای بر این باورند اگر شخص فاقد گواهی نامه مرتکب جرم و تخلف شود و بدون گواهینامه رانندگی کند و سبب مرگ شخصی بر اثر تصادف گردد به جرم قتل عمد قصاص می‌شود در حالی که چنانچه شخص در این حالت سبب مرگ ناخواسته شخصی گردد علاوه بر پرداخت دیه به مجازات حبس محکوم می‌گردد.

در پرونده‌های حقوق خانواده علاوه بر مسائل حقوقی، مسائل روانشناختی بخش اعظم مشکلات را شامل می‌شود و به طور قطع فقدان اطلاع از راهکارهای روانشناسی بزرگترین معضل در شکل‌گیری پرونده‌های طلاق می‌باشد. حال باید به خود بیاییم و ببینیم که چرا چه در زمان تصمیم به ازدواج و چه در زمان بروز مشکلات خانوادگی و یا حتی در زمان صلح و برای شناخت بیشتر از خود و طرف مقابل، در برابر رجوع به متخصص روانشناس و امور خانواده مقاومت می‌کنیم، اما توصیه‌های عمه و دایی و فلان مو سفید و یا پیش‌نماز کنیسا را با جان و دل می‌پذیریم و سر لوجه رفتار خود قرار می‌دهیم. تا زمانی که روانشناس، پزشک، حقوقدان و مشاور در دسترس ما است و ما به جای رجوع به ایشان و کسب راه حل علمی به توصیه‌های کودکانه افرادی که خود به شکل دیگری درگیر مشکلات لاینحل هستند عمل می‌نماییم، نباید انتظار نتیجه مثبتی داشته باشیم. خود کرده را تدبیر نیست! ■

فتوگالری مهر

Looked Professional

- فیلمبرداری و عکاسی حرفه ای از مجالس (نامزدی ، عروسی ، تولد ، برمیصوا...)
- باغ اختصامی جهت عکاسی و ساخت کلیپ
- پخش کلیپ شب مراسم روی Projection
- دارای بروزترین تجهیزات Crane/Helishot/4K
- تبدیل انواع فیلمهای قدیمی (آپارات ... VHS) به DVD
- چاپ عکس از روی رم ، فلش ، موبایل
- (با مجوز رسمی از اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران)





اخبار

مهندس امید ممبئی مقدم

مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

جشن تقدیر از نیروی انتظامی توسط انجمن کلیمیان تهران

۲۰ مهرماه ۱۴۰۰ مقارن با هفته نیروی انتظامی، سالن ابریشمی جامعه کلیمیان تهران شاهد برگزاری مراسم تقدیر و تشکر از فرماندهی محترم نیروی انتظامی تهران بزرگ، سردار رحیمی و معاونین و پرسنل فداکار نیروی انتظامی بود. رهبران دینی، نمایندگان ادیان توحیدی در مجلس شورای اسلامی و جمعی از اعضای انجمن‌های زرتشتیان، آشوریان و خلیفه‌گری ارامنه از جمله افراد شرکت کننده در این مراسم بودند.

از طرف جامعه کلیمیان نیز جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر همایون سامه‌یح (نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، جمعی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، بازرسان و دیگر فعالان اجتماعی در حوزه‌های مختلف جامعه کلیمی در این برنامه حضور داشتند. در این مراسم، ابتدا دکتر همایون سامه‌یح ضمن ایراد سخنرانی، از تمامی پرسنل نیروی انتظامی خصوصاً سردار رحیمی و همچنین از حمایت‌های بی‌شائبه این نیرو از جامعه ایرانیان کلیمی که خود نشانگر پیروی از اوامر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی (ره) و منویات مقام معظم رهبری مبنی بر احترام به ادیان توحیدی است، تشکر و تجلیل نمود.

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار نیز ضمن طی سخنان خود، با اشاره به محتویات کتب مقدس کلیمیان، به استوار بودن زندگی اجتماعی صحیح بر اصول عدالت، راستی، صلح و امنیت اشاره کردند و موضوع پرارزش ایجاد نظم و امنیت در جامعه را از بزرگ‌ترین خیرات و نعمات برشمردند و از زحمات بی‌دریغ پرسنل نیروی انتظامی تشکر نمودند. سردار رحیمی نیز به حمایت همه جانبه این نیرو و ایجاد نظم و امنیت برای همه اقشار جامعه اشاره کرد و بیان نمود که از نظر نظام مقدس جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی، هیچ تفاوتی بین ادیان توحیدی در ایران وجود ندارد و به همه آنها با نگاه برابر نگریسته می‌شود.

سپس مهندس بهادر میکائیل، همگامی کلیمیان ایران با سایر اقشار جامعه را در راستای ارزش‌های میهن عزیزمان یادآور شد و تقدیم شهدا، اسرا و جانبازان به انقلاب اسلامی از طرف جامعه کلیمی را تاکید بر وحدت ملت ایران دانست و از خدمات نیروی انتظامی تقدیر و تشکر کرد.

انتهای مراسم، با اهدای هدایا و الواح تقدیر به سردار رحیمی و تمامی معاونین ایشان و اجرای گروه موسیقی نوجوانان مرکز موسیقی و ضیافت شام همراه بود.

درخشش هنرمند کلیمی در نمایشگاه فرهنگسرای نیاوران

اثر هنرمند کلیمی، سمیرا شادپور، در نمایشگاه فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذاشته شد. مراسم افتتاحیه جشن نگاره فرهنگسرای نیاوران (پرواز بر فراز هنر)، ۲۳ مهرماه ۱۴۰۰ برگزار و یکی از آثار نقاشیخط این هنرمند با عنوان "دل" در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شد. این جشن نگاره با ارائه آثار نفیس هنرمندانی برجسته و پیشکسوتی همچون استاد نامی پتگر و استاد نیما پتگر همراه بود.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با کمال مسرت، کسب این موفقیت را به هنرمند جامعه کلیمیان تبریک می‌گوید.



اهدای ۱۰۸۰ جلد کتاب بالغ بر ۶۷۰ عنوان به زیرمجموعه‌های انجمن کلیمیان تهران



پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ انجمن کلیمیان تهران میزبان اعضای انجمن کلیمیان تهران، فعالان اجتماعی، اعضای کمیته علمی و آموزشی، مدیران مدارس کلیمی تهران، اعضای کمیته جوانان، انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس و هیئت مدیره سازمان‌های جوانان یهودی تهران بود.

مناسبت این برنامه اهدای ۱۰۸۰ جلد کتاب بالغ بر ۶۷۰ عنوان به کتابخانه‌های تمام مدارس یهودی تهران، کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان و سازمان‌های جوانان بود که توسط نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران دریافت گردیده بود.

از چهره‌های شاخص حاضران جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، مهندس آرش آبائی و همچنین مهندس بهادر میکائیل بودند.

ابتدا مهندس بهادر میکائیل ضمن تقدیر و تشکر از هیئت مدیره انجمن کلیمیان بابت برگزاری این جلسه و تلاش‌های دکتر سامیخ، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس، برای دریافت این کتب جدید، به اهمیت جایگاه فرهنگ کتاب و کتابخوانی و افت آن در جامعه ایرانی و به طبع آن جامعه ایرانیان کلیمی پرداخت.

رهبر دینی جامعه کلیمیان نیز ضمن سخنرانی خود عنوان نمودند که نام دیگر ادیان الهی، اهل کتاب است که مهم-ترین کتاب آنان کتاب آسمانی است؛ می‌توان آن را به کتب سودمند دیگر تعمیم داد و باید علاوه بر کتاب‌های آسمانی، کتب ارزشمند دیگر را نیز مطالعه کرد و اگر مولفی زمان زیادی را برای تالیف یک کتاب صرف می‌کند، ارزش آن را دارد که از آن کمال استفاده را نمود.

سخنران بعدی دکتر سامیخ بود که ضمن عرض خیر مقدم به تمام مدعوین، بیان نمود که در طی چند دهه اخیر بیشترین نزدیکی و همکاری بین انجمن‌های کلیمیان و نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس وجود داشته و حمایت نماینده از انجمن‌های کلیمیان شهرستان‌ها بسیار بیشتر شده است.

در مورد تهران حمایت از مدارس، بهشتیه تهران، سرای سالمندان و نهادهای خیریه فعالیت‌هایی انجام شده که از جمله آن می‌توان به اهدای ۱۰۸۰ جلد کتاب برای زیر مجموعه‌های انجمن کلیمیان تهران اشاره نمود.

وی در پایان از همکاری و همراهی‌های همکاران خود در انجمن کلیمیان تهران خصوصا خانم ایلن میشاعلیان و مهندس نغمه کدخدا بابت زحماتشان جهت دریافت این کتب تشکر و قدردانی نمود.

تازه‌های نشر پیروان ادیان توحیدی در بیست و نهمین دوره هفته کتاب

تازه‌های نشر پیروان ادیان توحیدی در بیست و نهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران معرفی شد. این نشست از سوی دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یکم آذرماه ۱۴۰۰ در سالن عاشوری موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.



از طرف جامعه کلیمیان تهران نیز مهندس آرش آبائی در این نشست حضور داشت.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در این جلسه مهندس آبائی به دو کتاب تازه‌ای که درباره کلیمیان منتشر شده اشاره کرد و گفت: کتاب «زن در یهودیت» تالیف علی غلامی، زن را در شریعت و آئین یهودیت از نظرهای مختلف از جمله عبادات، پوشش، ازدواج و تشکیل خانواده، نقش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده‌ی این کتاب، رهیافت‌های خود را از دایره‌المعارف جودائیکا و نیز کتاب زن در متون مقدس؛ زن در آئین یهودی اثر رضا علیجانی و همچنین مصاحبه با رهبر دینی کلیمیان ایران جناب حاخام دکتر حمامی لاله‌زار با موضوع زن و خانواده در یهودیت، و نیز درسگفتارهای آرش آبائی در دانشگاه ادیان و مذاهب بررسی کرده است.

آبائی در ادامه معرفی کتب افزود: «درسنامه زبان عبری» پژوهش ربیجی کمال با ترجمه جواد اصغری و معصومه ملکی منتشر شده است. در این کتاب زبان‌های سامی و زبان عبری و ادبیات آن دستور زبان عبری قصه‌ها و لطیفه‌های عبری جدید (مکالمه‌ها و تمرین‌ها) گزیده‌هایی از روزنامه‌های عبری گلچینی از ادبیات جدید عبری است که بخشی از آن از متون

کتاب مقدس یهود گردآوری شده است. این کتاب نیز با داوری و مشاوره آثائی همراه بوده است. سپس مهندس آثائی به مساله مهمی اشاره کرد و گفت: من طی چند سال در پاورقی مجله انجمن کلیمیان (افق بینا) به آموزش زبان عبری می‌پرداختم که در سایت انجمن نیز منعکس می‌شد. متأسفانه چندین نفر این مطالب را به نام خودشان به شکل کتاب منتشر کرده‌اند و وزارت ارشاد هم به آن کتاب‌ها مجوز نشر داده است و حتی از آن‌ها نپرسیده که شما که در زمینه خط و زبان عبری کتاب نوشته‌ای آیا می‌توانی یک خط از متن عبری را بخوانی؟ وی افزود: اگر کسی پژوهشگر و متخصص در یک موضوع است دیگر نمی‌تواند در همه حوزه‌ها کتاب بنویسد و باید این مساله به طور جدی در بخش مجوز کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بررسی شود.

برگزاری جشن حنوکا در مهد کودک یلدای ۲

به مناسبت ایام حنوکا، جشن شادی با حضور نونهالان و والدین آنها، ۱۱ آذر ۱۴۰۰ برگزار شد. این برنامه که با استقبال شایسته‌ای مواجه شده بود حدود دو ساعت و در مکان مهد یلدای ۲ اجرا شد.

دیدار نمایندگان ادیان توحیدی با ریاست و مدیر امور فرهنگی بنیاد شهید

دهم آذر ماه ۱۴۰۰ نمایندگان ادیان توحیدی به دعوت بنیاد شهید استان تهران، در جلسه‌ای درباره گرامیداشت مقام شامخ شهدا و خانواده‌های معزز آن عزیزان، به بحث و گفتگو پرداختند.

در این جلسه ابتدا دکتر مرتضوی، ریاست بنیاد شهید تهران بزرگ ضمن خیر مقدم قسمتی از وصیت‌نامه شهید کلیمی، شهید فریبرز موریم را قرائت کرد و به بیان برنامه‌های آتی این بنیاد پرداخت.



مهندس هرصل گلشیرازیان، عضو هیات مدیره و نایب

رئیس اول انجمن کلیمیان تهران و یونانیان بت کلیا رییس انجمن آشوریان از دیگر سخنرانان این جلسه بودند. در پایان مقرر شد در بهمن ماه مطابق روال هر ساله، جشن لاله‌ها در آرامستان آشوریان و همچنین کنگره بزرگداشت ادیان توحیدی با حضور رؤسای سه قوه در خرداد ماه ۱۴۰۱ برگزار گردد.

جمعه‌های طلایی در مجتمع آموزشی روحی شاد

مجتمع آموزشی روحی شاد با کارنامه‌ای موفق و درخشان در امور آموزشی، کلاس‌های آموزشی و تفریحی ویژه‌ای تحت عنوان "جمعه‌های طلایی" را برگزار می‌کند.

این طرح مختص دانش‌آموزان پسر کلیمی شاغل به تحصیل در پایه‌های تحصیلی هفتم، هشتم و نهم و از تمامی مدارس تهران است.

انجام ورزش فوتبال در زمین چمن، شرکت در کلاس‌های رفع اشکال و حل سوالات پرتکرار و پیشرفته دروس علوم و

ریاضی توسط دبیران مجرب، همراه با صرف ناهار در کنار دوستان، از جمله بخش‌های در نظر گرفته شده برای این طرح استثنایی است که جمعه‌های آخر هر ماه برگزار می‌شود.

نشست نمایندگان انجمن‌های اقلیت‌های مذهبی با دکتر فریدونی، مدیرکل اداره مجامع، تشکله‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۵ آذر ۱۴۰۰، نشست نمایندگان انجمن‌های اقلیت‌های مذهبی با دکتر فریدونی (مدیرکل اداره مجامع، تشکله‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و با حضور دکتر همایون سامیح (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، یوناتان بت کلیا (رئیس انجمن آشوریان)، رستم پور (از اعضای انجمن زرتشتیان) و آقایان علیپور و میردهقان و خانم مبرهن (از مسئولین وزارت ارشاد) برگزار گردید.



در این نشست در مورد ردیف بودجه فعالیت‌های فرهنگی ادیان توحیدی در دو سال اخیر بحث و گفتگو شد. لازم به ذکر است این بودجه توسط مسئولین وزارت ارشاد در جهت پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های آموزشی و نخبگان، هنرمندان و ناشران و غیره در جوامع اقلیت‌های مذهبی صرف می‌گردد.

از دیگر موارد مورد بحث در این جلسه، راه‌اندازی سامانه پایگاه اطلاعات و ارائه خدمات ادیان توحیدی توسط این وزارتخانه بود.

افتتاح خانه بازی مهد کودک یلدای ۲



خانه بازی مهد یلدای ۲ فعالیت خود را از تاریخ ۱۵ آذر ۱۴۰۰ آغاز کرد. برنامه افتتاحیه شامل بخش‌هایی همچون اهدای هدایا به نونهالان، موسیقی، پذیرایی، بازی در حیاط چمن مصنوعی و سالن بازی مهد بود. این برنامه حدوداً سه ساعته، با استقبال قابل توجهی همراه شد.

دیدار نمایندگان جامعه کلیمیان با وزیر ورزش و جوانان

۲۲ آذر ۱۴۰۰، دکتر همایون سامه‌یخ (نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان) به همراه مهندس بهداد میکائیل (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران) با وزیر ورزش و جوانان دیدار و گفتگو کردند.

بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل مربوط به ورزش جامعه کلیمیان تهران، شیراز، اصفهان و کرمانشاه، موضوع محوری این دیدار بود.

در این جلسه نامه‌ای نیز از طرف نماینده کلیمیان در مجلس شورای

اسلامی به وزیر ورزش و جوانان تحویل داده شد که پیرو آن، دکتر سجادی قول مساعدت و پیگیری در این خصوص را صادر کرد.



نشست مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران با رؤسای انجمن‌های ادیان توحیدی

نشست هم‌اندیشی فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری مربوط به اقلیت‌های دینی استان تهران با حضور دکتر خراسانی‌زاده مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

در این نشست دکتر خراسانی‌زاده هدف این جلسه را دریافت نظرات نمایندگان و جمع‌بندی نهایی برای اجرای برنامه‌های سال جاری دانست و تأکید کرد: برنامه‌های فرهنگی نباید صرفاً از بالا به پایین باشد بلکه بهتر است با در نظر گرفتن آرای مخاطبان، محوریت برنامه‌ها را مشخص کرد که در خصوص شهروندان عزیز از سایر ادیان هم این امر صادق است. وی در ادامه وجود تنوع و تکثر فرهنگی را فرصتی مناسب برای ارائه توانمندی‌های هموطنان اقلیت‌های دینی برشمرد.

دکتر همایون سامه‌یخ نجف آبادی، نیز ضمن اشاره به نقش فعال، پویا و برجسته جامعه کلیمیان در فعالیت‌های مختلف خیریه، ضمن تشکر از برگزاری این هم‌اندیشی پیشنهاد داد یکی از برنامه‌های ممکن برای اجرا می‌تواند، معرفی و تقدیر از سازمان‌ها و موسسات خیریه‌ای که مسئولان آن از هموطنان اقلیت‌های دینی هستند باشد. خاطر نشان می‌سازد تعداد قابل توجهی از کلیمیان ایران، در سازمان‌های مختلف خیریه و در حوزه‌های مختلف مشغول به خدمت می‌باشند.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در همایش ویژه دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی

همایش ویژه دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی با عنوان «سردار سلیمانی؛ مدافع آزادی، امنیت و زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان» ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۰ با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از شخصیت‌های داخلی و خارجی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

از طرف جامعه کلیمیان نیز جناب‌خانم دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران)، دکتر همایون سامه‌یخ (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران)، مهندس هرصل گل‌شیرازیان (نایب رییس اول انجمن)، موسی ثانی (خزانه‌دار انجمن) و امید شایان‌مهر (عضو کمیته‌های انجمن و فعال اجتماعی) حضور داشتند.

جناب حاخام دکتر حمامی لاله‌زار در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداختند و قرائت تورات مقدس نیز با آوای امید شایان‌مهر در این مراسم پخش شد.

رهبر دینی کلیمیان ایران در سخنان خویش گفتند: سردار سلیمانی فراتر از ملیت و دین در راه دفاع از ملت‌ها گام برداشت و در دوران داعش همراه هم‌زمانش فارغ از هر باور دینی به دفاع از مظلوم پرداخت؛ مسئله‌ای که مورد تأکید ادیان توحیدی و بیانگر این است که دیگران را مانند خود دوست داشته باشیم.

ایشان افزودند: شیوه رفتار سردار نشان داد که دین و اعتقادات دینی اگر درست باشد نه تنها باعث جنگ و اختلاف نمی‌شود؛ بلکه همدلی و همفکری ملت‌ها را در پی دارد.

روابط عمومی انجمن کلیمیان ضمن گرامیداشت و عرض تسلیت دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، پیروزی حق علیه باطل و صلحی فراگیر در همه جهان را از قادر مطلق مسئلت می‌نماید.

دعوت به همیاری در ایجاد بانک اطلاعاتی غنی از هویت تاریخی کلیمیان ایران

به اطلاع کلیه همکیشان گرامی می‌رساند انجمن کلیمیان تهران در راستای حفظ تاریخ و هویت برجسته کلیمیان ایران در نظر دارد بانک اطلاعاتی ارزشمندی از مستندات تاریخی یهودیان ایران تهیه کند.

بدین وسیله از کلیه عزیزانی که نشریه، بولتن، عکس، کتوبای ازدواج و یا هرگونه موارد مشابه قدیمی دیگر در اختیار دارند درخواست می‌شود با امانت دادن اشیای خود به انجمن کلیمیان، این انجمن را در پیشبرد این هدف ارزشمند و ماندگار یاری نمایند.

بدیهی است انجمن کلیمیان تضمین می‌دهد پس از عکس‌برداری و اسکن از امانات، همگی آنها را به صورت کاملاً سالم مسترد نماید.

چاپ مجدد سیدورهای مینحا و عرویت

انجمن کلیمیان تهران با توجه به نیاز جامعه و نمازگزاران ارجمند، اقدام به چاپ مجدد سیدورهای مینحا و عرویت نموده است. علاقمندان جهت تهیه سیدورهای چاپ شده می‌توانند به انجمن کلیمیان تهران مراجعه نمایند.

کسب مدال طلا و برنز ریاضیات کشوری و بین‌المللی توسط دانش‌آموز نخبه مجتمع آموزشی روحی شاد

یونا خالدار، دانش‌آموز نخبه مجتمع آموزشی روحی شاد موفق به کسب مدال طلا و برنز ریاضیات کشوری و بین‌المللی گردید.

این نوجوان کلیمی پس از موفقیت در آزمون‌های اولیه ریاضی که توسط خانه ریاضی برگزار شد، توانست در آزمون سطح کشوری رتبه نخست و مدال طلا را از آن خود نماید.

دانش‌آموز افتخارآفرین مجتمع آموزشی روحی شاد، در گام بعدی با شرکت در آزمون بین‌المللی STEMCO به میزبانی کشور سنگاپور، موفق به کسب نشان برنز گردید.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران کسب این افتخار را به این دانش‌آموز فرهیخته تبریک می‌گوید.

افتخار آفرینی مجدد هنرمند جوان کلیمی در جشنواره ملی موسیقی جوان



شلمو عاقلیان، هنرمند برجسته و جوان کلیمی، موفق به کسب رتبه نخست در پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در شاخه آواز شد.

جشنواره ملی موسیقی جوان از جمله معتبرترین جشنواره‌های هنری است که سالانه یکبار در سطح کشوری و با قضاوت اساتید تراز اول موسیقی ایران در گرایش‌های مختلف برگزار می‌شود. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران کسب افتخار مجدد را به این هنرمند بااخلاق، با استعداد و محبوب جامعه کلیمیان اصفهان تبریک می‌گوید.

شرکت نمایندگان جامعه کلیمی در آیین ملی عطرافشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی

همزمان با چهل و سومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، شانزدهمین آیین ملی عطرافشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی در محل آرامستان مسیحیان آشوری انجام شد. از طرف جامعه کلیمیان نیز جناب حاکم آرش تهرانی (از اعضای بت‌دین مرکزی ایران)، موسی ثانی (خزانه‌دار انجمن کلیمیان تهران)، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی-آموزشی انجمن کلیمیان) و تنی چند از همکیشان در این مراسم شرکت داشتند.

از جمله نکات برجسته این مراسم، حضور پررنگ مدیرکل بنیاد شهید، دکتر قاضی زاده و مدیر کل استان تهران، دکتر مرتضوی و تقدیر از خانواده شهدا ادیان الهی بود که باعث دلگرمی هرچه بیشتر جوامع اقلیت‌های دینی شد.

انتخاب ورزشکار کلیمی به عنوان صدر هیات ریسه کاراته

خانم هیلیت نقره‌ئیان، صاحب کمربند مشکی سبک کیوکوشین کاراته ایران، به عنوان صدر هیات ریسه این رشته منصوب شد.

روابط عمومی انجمن کلیمیان کسب این افتخار را به ورزشکار موفق و برجسته جامعه تبریک می‌گوید ■

موزه گردی در چهارراه ادیان



انجمن هنرمندان خودآموخته ایران در آستانه نوروز بهاران در راستای (گذرگاه ادیان) به همراهی و حمایت ایکوم ایران به منظور تکریم و تجلیل از موزه ها و موزه داری در ضیافتی تاریخمند به قصد همدلی و مودت نخست در موزه ملی کلیمیان ایران به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۴۰۰ برگزار شد و در ادامه در ۹ فروردین ۱۴۰۱ در موزه اسقف اعظم آرداک مانوکیان با سخنرانی دبیر مراسم: مهندس علی عزتی بنیانگذار انجمن ...، مراتب قدردانی و سپاس خود را از میزبان موزه بیان نموده و سپس، در ادامه ضمن قدردانی از حضور دکتر داود محمدنیا سفیر سابق ایران در آلبانی، آلیس شاهمردیان مدیریت محترم موزه آرداک مانوکیان، دکتر سید احمد محیط طباطبایی رئیس ایکوم ایران، مهندس آلبرت صدق مدیریت موزه ملی کلیمیان ایران، دکتر شبان میرشکرایی نایب رئیس باشگاه نوروز ایران، به سخنرانی پرداختند که هر کدام از منظر خویش روایت خود را از مراتب (چهارراه ادیان) اعلام نموده و نقش موزه ها را به چرایی و چگونه نگاهداشت مولفه های میراث ملموس و ناملموس جهانی مطرح نمودند.

به دلالتی سرمدی و به هزاران دلیل روشن هر کدام از آثار موجود در موزه های ایران و جهان، به مدد جان های شیفته فرزند هزاره ها و زمانه های سرنوشت ساز تاریخ و تمدن و فرهنگ جوامع بشری بوده که با زخمه های خیال انگیز و نفحات سرمدی شان در نهایت بدهاگی، شورانگیزترین آثار جهان خلاقه را آنهم خودانگیخته برای آیندگان و آیندگی، رقم زده اند.

توضیح اینکه نقاشی اهدایی انجمن هنرمندان خودآموخته ایران به موزه آرداک مانوکیان از جاودانه یاد هنرمند خودآموخته علیرضا دزواره میباشد.

در ادامه این مراسم قطعات موسیقی توسط گروه "آوای شادی" به سرپرستی محبوبه فخاشی به مورد اجرا گذاشته شد ■



نشست مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران با رؤسای انجمن‌های ادیان توحیدی-دی ماه ۱۴۰۰



شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در همایش ویژه دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی-دی ماه ۱۴۰۰



شرکت نمایندگان جامعه کلیمی در آیین ملی عطر افشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی - بهمن ماه ۱۴۰۰

Sonoz-2022

نقاشی رنگ روغن روی بوم با موضوع بهار و پסح (عید آزادی یهودیان) اثر هنرمند همکیش ساناژ ربانیان



فرارسیدن بهار و موعد پסح
به عموم هموطنان و همکیشان عزیز خجسته باد

انجمن کلیمیان تهران

Sonoz-2022